

# جهان آرا، شخصیت هنوز نانوشته رمان جنگ



نوشته نشده و درباره خرمشهر نوشته نشده، چون سوژه بزرگی است. هر نویسنده، وقتی به سمت سوژه بزرگ خرمشهر می رود، آن را سترگ می بیند و به طور قطع هر کس به سمت این سوژه برود، باید به عنوان یک اثر ادبی یا رمان بزرگ به آن بنگرد.

نوشتن درباره شهری مانند خرمشهر با آن حوادث بکر و ۳۴ روز مقاومت و فرزندان خرمشهری که آنجا سترگ می گرفتند و در انتظار شهر خود می ماندند، کاری بس بزرگ است. یکی از دلایل مهمی که درباره محمد جهان آرا نوشته نشده، این است که درباره خرمشهر

# کتابخانه

خرداد ۱۳۶۱، مرحله نهمی عملیات بیت المقدس / عکس: امیرعلی جوانیان

شنبه ۱ خرداد ۱۳۸۹  
جمادی الثانی ۱۴۳۱، ۲۲ می ۲۰۱۰  
شماره ۲۳۲، پیاپی ۸۸۳  
صفحه ۲۰، تومان

ISSN: 1029-3345

صاحب امتیاز: خانه کتاب  
سردبیر: علی آقاغفار  
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی  
خیابان برادران مظفر جنوبی، کوچه  
خواججه نصیر، پلاک ۲، طبقه چهارم  
تلفن: ۶۶۹۶۶۱۵۱-۴  
سازمان آگهی ها: ۲۲۵۵۲۴۶  
چاپ: شرکت افست

www.ketabehafteh.ir



بازیافت فکری از  
داستان هایی با  
ظرفیت های مدرن

۲۱



نمایشگاه  
کتاب تهران  
از نگاه ناشران

۱۲



گفت و گو با  
دکتر محمد  
جعفری قنوازی

۱۰

## وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در یادروز خیام:

### حملات ناروا به خیام ناشی از پایه های سست فکری است

از حکیم خیام گفت ولی از نیشابور بزرگ چیزی نگفت، اظهار داشت: «در مقطعی از تاریخ ۲۷ باب نظامیه در کورچه های ناپیدای امروزی داشت و معروف به دارالعلم و مدینه الاوتاد بود و محل رفت و آمد دانش پژوهان بود؛ به طوری که ۶۰ درصد دانشمندان آن روزگار را در خود داشت.»

حسینی افزود: «پیوند نیشابوری، گویا و نشان دانایی بوده است اما همه این عظمت را از رد پای عزیزترین مسافر خود حضرت ثامن الحجج (ع) دارد.» وی تاکید کرد: «به کرامت عزیر توس، سراسر خراسان بزرگ از مردان بزرگ زینت یافته است.» وی با بیان این که اگر شیوه تاریخ نگاری را به جوهرنگاری تغییر دهیم، خواهیم دید که بزرگ ترین و متاثرترین افراد از ورود امام هشتم (ع) برخاسته اند، اظهار داشت: «سپاه جامگان خراسان که طومار بنی امیه را برچیدند و همراهان نادرشاه افشار و حماسه سازان بزرگ چون حکیم فردوسی، اسدی توسی، دقیقی توسی و... همه از این سرزمین بزرگ هستند.»

حسینی یاد دانشمندان، شاعران و هنرمندان بزرگ نیشابور چون شیخ عطار، فضل بن شاذان، امام الحرمین، امام قشیری و ثعالبی و در دوران معاصر کمال الملک، حیدر یغما و فریدون گرایلی را گرامی داشت.

ادامه در صفحه ۲

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ظهر سه شنبه در مراسم گرامیداشت روز ملی حکیم خیام نیشابوری در فرهنگسرای سیمرغ نیشابور حملات ناروا به خیام را ناشی از برداشته های نادرست و پایه های سست فکری دانست و گفت: «برخی اشعار الحادی که به خیام نسبت می دهند، نمی تواند از وی باشد.»

دکتر سیدمحمد حسینی در این مراسم که ۲۸ اردیبهشت برگزار شد، افزود: «ابهامات فلسفی و حیران ماندن های مومنانه حکیم خیام با آنچه به او بسته اند، منافات دارد. چه کسی می تواند کفر گویی و الحاد را از حکیمی وارسته باور کند؟»

وی با بیان این که این التهابات از ساحت علم و ادب به دور است و حتی خیام در جایی به این اتهامات پاسخ گفته است، اظهار داشت: «رباعی جوهری ترین شیوه سرایش است.»

حسینی با اشاره به این که حکیم خیام دست بر روی گونه ای از شعر گذاشته که سرشار از تخیل و پر بار از حکمت است گفت: «جهانی شدن خیام بیشتر به دست فیتزجرالد، این عنصر شهرت طلب اتفاق افتاده است.»

وی از خیام به عنوان حکیم، فیلسوف، طبیب، منجم، ریاضیدان، موسیقیدان، هواشناس، مهندس، شاعر و ادیب نام برد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه با بیان این که آیا می توان



## سراغز

### دماوند نگاهمان می کرد

هفته گذشته، همین روز، نورافکن های مصلاهی امام خمینی (ره) تهران خاموش شدند تا بیست و چهارمین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران را روشنی بخشند.

بارها در خبرها آمده بود که برای برپایی نمایشگاه کتاب در تهران، ده ها نهاد شهری و دولتی، مسوول و دست اندرکارند تا آنچه را شاهد بودیم، به بهترین نحو اجرا کنند. حتما، کمبودهایی بودند که می توانستند نباشند و ویژگی هایی که باید بیشتر می شدند. آسمان تهران، خوب به وظیفه بهاری خود عمل کرد! آفتاب، نسیم، ابر، باران و توفان، هوای پاک و آسمان آبی؛ و دماوندی که سرفراز نگاهمان می کرد.

نهاد ها- بی شک -در حد توانشان، همه سعی خود را انجام دادند اما...

آیا غیر از نهادهای مسوول، بقیه کاملا به وظایف خود عمل کردند؟ خبرنگاران، فروشندگان موادغذایی، غرفه داران، بازدیدکنندگان، مامور مترو، ماموران نیروی انتظامی، حراست مصلا و... همه شریک طراوت هواو شادی مردم کتاب دوست شدند؟ شک نداریم، آنچه رادر پاسخ به زبان می آوریم، صادقانه است.

۲

• نگاهی به مراسم  
اختتامیه نمایشگاه  
کتاب و فهرست  
برگزیدگان این دوره

• برپایی جشنواره  
شعر «روح بی کران»  
به مناسبت ارتحال  
امام خمینی (ره)

۳

دست نوشته ای  
منتشر نشده از  
بورخس کشف شد

۴

چاپ سومین جلد از  
فرهنگ آثار  
ایرانی-اسلامی

باید جامعه با کتاب انس بگیرد. کتابخوانی جزو کارهای اصلی زندگی است و اگر به این باور برسیم، هیچ کاری مانع کتابخوانی نخواهد شد.

بیانات مقام معظم رهبری  
در بازدید از بیست و سومین نمایشگاه  
بین المللی کتاب تهران ۱۳۸۹/۲/۲۲

## انتشار رهیافت‌هایی به قرآن

ایکنا- کتاب «رهیافت‌هایی به قرآن» شامل مجموعه مقالات مرتبط با اصول قرآن‌شناسی در دوران معاصر از سوی نشر حکمت منتشر شد. «رهیافت‌هایی به قرآن» شامل ۱۳ مقاله از محققان سرشناس مسلمان و غیرمسلمان در حوزه مطالعات قرآنی و اسلامی است که نمایی کلی از اصول، روش‌ها، گرایش‌ها و نتایج متفاوت و متنوعی برای فهم قرآن را نشان داده و اهداف، روش‌ها و موضوعات درباره این موضوع را در دوره حاضر ترسیم می‌کند.

رویکرد همه نویسندگان مقاله‌ها، علمی و انتقادی است و همچنین فهرستی از منابع مورد استفاده برای تألیف کتاب نیز در انتهای آن آورده شده است. در این اثر که از سوی موسسه انتشارات حکمت به تازگی منتشر شده سعی بر آن بوده است که موضوع و مفهومی که از آیات شریف قرآن استفاده می‌شود، به صورت مستقل ذکر شود؛ از این رو به تناسب هر آیه، چندین برداشت در ذیل آن قرار گرفته و در مواردی نیز توضیحاتی در تبیین نحوه استفاده داشت از آیه آورده شده است.

در پایان هر آیه، فهرستی از عنوان‌های موجود در آیه و برداشت‌ها به صورت عنوان‌های اصلی و فرعی طبقه‌بندی شده است و در پایان هر جلد نیز مجموعه نمایه‌های آن به شکل الفبایی موضوعی رده‌بندی شده است تا خواننده بتواند به راحتی موضوعات اصلی و فرعی مورد نیاز خود را بیابد.

## حملات ناروا به خیام ناشی از پایه‌های سست فکری است

ادامه از صفحه اول

وی با تأکید بر اینکه باید قدر دان حضور مفاخر خود باشیم، از اهالی ادب و هنر و تاریخ دعوت کرد بیش از این در معرفی ابراهیم نیشابور، به ویژه در قرون سوم و چهارم و ششم و دهم روحیه ملی و هویت دینی همت کنند.

آرامگاه حکیم عمر خیام نیشابوری همزمان با روز بزرگداشت این شاعر (۲۸ اردیبهشت) با حضور خیام‌دوستان گلباران شد.

این مراسم با حضور امیرالله شمس‌قدری، معاون سیاسی - اجتماعی استانداری خراسان رضوی، معاون فرماندار نیشابور، علی حسینی، نماینده مردم شهرستان نیشابور در مجلس شورای اسلامی و جمعی از استادان، خیام‌پژوهان و خیام‌دوستان همراه بود.

حکیم غیاث‌الدین ابوالفتح عمر بن ابراهیم (زاده ۲۸ اردیبهشت ۴۲۷ خورشیدی - درگذشته ۱۲ آذر ۵۱۰ خورشیدی) که خیامی‌ها به خیام نیشابوری و خیامی‌ها نیشابوری هم نامیده شده است، از ریاضیدانان، ستاره‌شناسان و شاعران بنام ایران در دوره سلجوقی است.

یکی از برجسته‌ترین کارهای وی را می‌توان اصلاح گاهشماری ایران در زمان وزارت خواجه نظام‌الملک دانست. وی در ریاضیات، علوم ادبی، دینی و تاریخی استاد بود. نقش خیام در حل معادلات درجه سوم و مطالعاتش درباره اصل پنجم اقلیدس نام‌آورانه عنوان ریاضیدانی برجسته در تاریخ علم ثبت کرده است.

## نگاهی به مراسم اختتامیه نمایشگاه کتاب و فهرست برگزیدگان این دوره

از وزارت ارشاد وام دریافت نکرده‌اند و اکنون با مشکلات متعددی دست و پنجه نرم می‌کنند، افزود: «اقتصاد نشر ضعیف و کل بودجه این بخش ۶۰۰ میلیارد تومان است که این امر باعث شده تا عملاً کتابفروشان و ناشران در روند کار خود با مسایلی مواجه باشند.»

دکتر پرویز، در پایان به حمایت دولت‌های جهان از بخش فرهنگ اشاره کرد و از رییس جمهور درخواست کرد با توجه ویژه به کارخانه‌های تولید کاغذ، برای کاهش قیمت کاغذ اقدام شود.

در اختتامیه بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران همچنین، ناشران برگزیده سال ۱۳۸۸ شامل ناشران خصوصی تهران، شهرستان، وابسته به نهادهای دولتی و عمومی در بخش کودک و نوجوان، بزرگسال و بخش ویژه اعلام شدند.

علاوه بر این، ۱۴ غرفه برگزیده بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در دو بخش داخلی و بین‌المللی نمایشگاه معرفی شدند.

این ناشران در بخش‌های کودک و نوجوان، دانشگاهی، آموزشی، عمومی، بخش داخلی و در قسمت نمایش ارزی، کشورها، بازار جهانی کتاب، نمایش ریالی لاتین و نمایش ریالی عربی بخش خارجی، معرفی شدند. فهرست ناشران برگزیده سال ۸۸ و نحوه انتخاب آنان به علاوه فهرست اسامی غرفه‌های برگزیده بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران در صفحه ۴ قابل مشاهده است.



تا مقدمات برگزاری نمایشگاه بیست و چهارم را تدارک ببینند.

دکتر محسن پرویز، معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز در این مراسم طی سخنانی از رییس جمهور خواست برای رفع مشکلات نشر و رونق این صنعت، وام‌های کم‌بهره پرداخت شود و در این میان توجه ویژه‌ای به نویسندگان صورت بگیرد تا آنان، در کمال آرامش و بدون کمترین دغدغه معیشت به تولیدات فرهنگی خود بپردازند. وی با تصریح این که ناشران کشور سه سال است

مراسم اختتامیه بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، هفته گذشته در حالی برگزار شد که رییس جمهوری طی سخنانی آمادگی دولت را برای ارائه تسهیلات ویژه برای واگذاری مجموعه‌های انتشاراتی به شکل‌های نشر اعلام کرد.

در این مراسم که شنبه ۲۵ اردیبهشت با حضور رییس جمهور، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رییس کتابخانه ملی و جمعی از مسوولان فرهنگی و علاقه‌مندان کتاب برگزار شد، ضمن معرفی ناشران برگزیده سال ۸۸ و غرفه‌های برتر بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب، دکتر احمدی‌نژاد از مسوولان فرهنگی کشور خواست تا در زمینه نشر، به گونه‌ای زمینه‌سازی کنند که اگر کسی اندیشه‌ای را عرضه کرد، در پیچ و خم‌های چاپ و نشر معطل نشود.

در بخش دیگری از این مراسم، دکتر محمد حسینی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با اشاره به این که نمایشگاه کتاب تهران یکی از بزرگ‌ترین رویدادهای فرهنگی ایران است گفت: «امسال بیش از پنج میلیون نفر از این نمایشگاه بازدید کردند و بر اساس آمارهای به دست آمده، امسال ۵۵ درصد شهروندانی که از نمایشگاه دیدن کردند، از شهرستان‌های سراسر کشور بودند.»

وی همچنین برگزاری اختتامیه بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران را سرآغازی برای همکاری‌ها در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دانست

## فروش ۶۰ هزار نسخه از آثار امام (ره) در نمایشگاه کتاب

موسسه تنظیم و نشر آثار امام (ره) بیش از ۶۰ هزار نسخه از کتاب‌های نوشته و مرتبط با بنیانگذار انقلاب اسلامی را در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به فروش رسانده است. «ولایت فقیه» پر فروش‌ترین کتاب امام خمینی (ره) در این دوره نمایشگاه بوده است.

موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) با حدود ۸۰۰ عنوان کتاب در سه سالن عمومی، کودک و نوجوان و بین‌المللی در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران حضور داشت.

«ولایت فقیه»، «چهل حدیث»، «دیوان امام (ره)»، «وصیت‌نامه سیاسی- الهی امام خمینی (ره)»، «جهاد اکبر»، «شرح حدیث جنود و عقل»، «سر الصلاة» و «تفسیر سوره حمد» به ترتیب، پر فروش‌ترین آثار تألیفی امام خمینی (ره) در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هستند.

همچنین «ده مقاله» اثر حجت‌الاسلام سید حسن خمینی، «قدس ایران؛ یادمان زندگی و خدمات همسر امام خمینی (ره)» و مجموعه سه جلدی «خطرات سیاسی، اجتماعی صادق طباطبائی»، از دیگر آثار پر فروش موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)‌اند.

در حوزه ادبیات کودک و نوجوان نیز مجموعه داستان‌های «مدرک جرم»، «زیارت» و «طلوع خورشید»، با موضوع انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره) مورد استقبال بازدیدکنندگان از غرفه کودکان موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) قرار گرفته‌اند. فروش ۱۴۵ دوره از مجموعه فارسی و ۲۲ جلدی «صحیفه امام (ره)» نیز از دیگر دستاوردهای این موسسه در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران است.

## آثار هنرجویان سرای اهل قلم، کتاب می‌شود

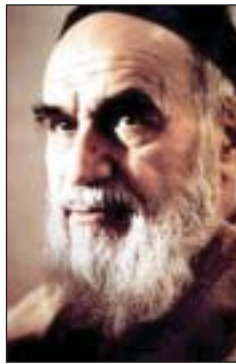
و عناصر داستانی نقد می‌کنیم» برگزیده جایزه ادبی جلال‌آل احمد، از برنامه جدیدتر این کارگاه‌های آموزش داستان هم سخن گفت و توضیح داد: «امسال صحبت بر سر این است که آثاری را نیز از برگزیدگان جشنواره‌های فرهنگی در کلاس‌هایمان نقد کنیم تا جوانان و علاقه‌مندان با این آثار آشنایی بیشتری پیدا کنند.»

این نویسنده دفاع مقدس و ادبیات انقلاب در ادامه به رویکرد خانه کتاب در انتشار آثار منتخب هنرجویان کارگاه‌ها اشاره کرد و گفت: «مقرر شده که موسسه خانه کتاب تا پایان سال، مجموعه‌ای از آثار هنرجویان شرکت‌کننده در این کارگاه‌ها را در قالب کتاب منتشر کند و این کتاب به عنوان کارنامه کاری خانه کتاب از فعالیت این علاقه‌مندان ارائه شود.»

زنوزی جلالی تصریح کرد: «آثاری که برای انتشار گزینش می‌شوند، قبلاً نقد و نقاط ضعف آنها بر طرف و توسط هنرجویان بازنویسی شده‌اند.»

معرفی آثار داستان نویسان مطرح و نگاهی به مکاتبات ادبی و نقد در جهان، علاوه بر ادامه رویکرد آموزشی، از جمله برنامه‌های کارگاه‌های داستان سرای اهل قلم در سال جدید است. در همین حال کتاب «مجموعه آثار هنرجویان داستان‌نویس» این کلاس‌ها از سوی موسسه خانه کتاب منتشر خواهد شد.

زنوزی جلالی، مربی کارگاه‌های داستان سرای اهل قلم رویکرد‌های تازه در برپایی این کارگاه‌ها را تشریح کرد و گفت: «این کارگاه‌ها را در سال جدید به دو شیوه تجربی و آموزشی تقسیم کردیم. در اولین فصل از دوره جدید، در هر جلسه، درباره یک مکتب ادبی صحبت می‌شود که اختصاصات و موقعیت آن از وجوه گوناگون مورد نظر و بحث قرار می‌گیرد.» این نویسنده افزود: «در فصل دوم برپایی این کارگاه‌ها، سراغ نویسندگان بزرگ دنیا خواهیم رفت و نظرگاه‌های آنان را بررسی می‌کنیم. علاوه بر این آثار شاخص این نویسندگان را با توجه به ویژگی‌ها



## برپایی جشنواره شعر

### «روح بی کران»

### به مناسبت ارتحال امام (ره)

جشنواره شعر «روح بی کران» با مضامین سوگواره، استقبال و تضمین شعرهای امام راحل از سوی مراکز فرهنگی - هنری مناطق ۱۱ و ۲۰ شهرداری تهران برگزار می‌شود.

به گزارش ایسنا، دبیر این جشنواره در توضیحاتی گفت: «این جشنواره شعر با هدف پرداختن به آثار و اشعار امام (ره) در آستانه سالگرد ارتحال ایشان برگزار می‌شود و شاعرانی که به «تضمین» یا «استقبال» از اشعار ایشان اثری خلق کرده باشند، آثارشان در بخش ویژه جشنواره داوری خواهد شد.»

سجاد عزیزی آرام افزود: «آخرین مهلت ارسال آثار ۱۰ خرداد است و سعید بیابانکی و محمد سعید میرزایی، دبیران علمی این جشنواره هستند. همچنین یوسفعلی میرشاکاک، بهروز یاسمی و عبدالجبار کاکایی آثار را داوری نهایی می‌کنند.»

وی در توضیح استقبال و تضمین نیز گفت: «تضمین آن است که شاعری بر مصرع‌های اول هر بیت از یک غزل سه مصرع دیگر بسراید و در حقیقت قالب غزل را به مخمس تبدیل کند. البته اگر شاعری مصرعی یا بیته‌ای از شاعر دیگر را در شعر خود بیاورد نیز به آن تضمین گویند. همچنین استقبال صنعتی است که براساس آن، شاعران کلاسیک سرا با رعایت وزن، قافیه و ردیف از غزل شاعری دیگر، اثری تازه خلق می‌کنند.»

دبیر جشنواره شعر «روح بی کران» عنوان کرد: «تمامی شاعران بدون در نظر گرفتن محدودیت سنی می‌توانند در این جشنواره شرکت کنند و شاعرانی که آثارشان در مطبوعات یا به صورت کتاب منتشر شده هم امکان شرکت در جشنواره را دارند.»

علاقه‌مندان می‌توانند آثارشان را به نشانی میدان قزوین، خیابان قزوین، خیابان شهید مرادی، فرهنگسرای رازی ارسال کنند.

## دست نوشته‌ای منتشر نشده از بورخس کشف شد

دست نوشته‌های منتشر نشده‌ای از خورخه لویس بورخس، نویسنده آرژانتینی که به تازگی کشف شده در قالب یک کتاب منتشر می‌شود. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) به نقل از سایت خبری اینفورمادور مکزیک، این متن تقریباً در چهار صفحه و با دست خطی بسیار ریز نوشته شده که برای خواندن آن نیاز به استفاده از ذره بین است. این نوشته نامملم، سرآغاز رمانی با نام «جوبیارها» است که گویا بورخس هرگز نخوانده آن را کامل کند. این نویسنده در عمر خود هرگز علاقه‌ای به نوشتن رمان نداشت و تنها به انتشار داستان‌های کوتاه پرداخت.

گرچه این دست نوشته‌ها فاقد تاریخ و عنوان هستند اما حدس زده می‌شود که در سال ۱۹۵۰ میلادی نوشته شده باشند.

خولیو اورتگا منتقد و استاد دانشگاه بروان شرح می‌دهد که این دست نوشته‌ها را در طول بازدید و جست‌وجوی در منابع، نخستین نسخه‌ها و دست نوشته‌های خورخه لویس بورخس پیدا کرده و توانسته دست خط نویسنده را بشناسد، چرا که نویسنده به دلیل نابینایی اش دست خطی خاص داشته است. دست نوشته‌های دیگر این نویسنده که در موزه ملی مادرید نگهداری می‌شود از این نسخه بسیار خواناتر است. از نظر اورتگا، بورخس وقتی فهمید این متن مطلع یک رمان خواهد بود و در حد یک داستان نمی‌گنجد، نوشتن آن را رها کرده است. این دست نوشته ۲۵ می (۴ خرداد) به طور کامل در یک کتاب بسیار نفیس منتشر خواهد شد. این کتاب تنها در صد نسخه همراه با تصویری از دست نوشته‌ها، رونوشتی خوانا از آن و مجموعه‌ای از طراحی‌های کارلوس آلونسو، طراح آرژانتینی که



با الهام از دست‌نوشته‌های بورخس کشیده شده به چاپ خواهد رسید.

خورخه لویس بورخس، (۱۸۹۹-۱۹۸۶) از برجسته‌ترین نویسندگان آمریکای لاتین است که شهرت خود را برای تدوین و نگارش داستان‌های کوتاه به دست آورده است. وی همچنین مشاغل چگون استادی دانشگاه در رشته ادبیات انگلیسی و ریاست کتابخانه ملی آرژانتین را به عهده داشته است. منتقدان، این نویسنده را متحول‌کننده سبک داستان کوتاه در آمریکای جنوبی می‌دانند و بعدها عده‌ای نیز او را از آغازگران سبک پست مدرن در داستان‌نویسی برشمردند. بورخس در طول زندگی خود جوایز متعددی دریافت کرد و از وی به عنوان فردی نام‌می‌برند که نامزد دریافت نوبل ادبیات بوده

است، اما آکادمی نوبل از اهدای این جایزه به او به علت مسائل سیاسی خودداری کرده است.

در ایران چندین مجموعه داستان کوتاه و چند مجموعه شعر و مقاله ترجمه و منتشر شده است که از میان آنها می‌توان به کتاب‌هایی چون «بهشت‌های گمشده»، «باغ جاده‌های چند شاخه»، «اطلس»، «هزار توهای بورخس»، «دشمن»، «سرخ و آبی»، «سرگذشت دنیای شرارت و بی‌عدالتی»، «کتابخانه بابل و ۲۳ داستان دیگر»، «این هنر شعر»، «در ستایش ظلمت» و «ویرانه‌های مدور» اشاره کرد.

مترجمانی چون کاوه سیدحسینی، احمد اخوت، احمد میرعلایی، حسن تهرانی، مانی صالحی، هما متین رزم و سهیلا ماهر نیا در ترجمه آثار این نویسنده به زبان فارسی کوشیده‌اند.

## اورهان پاموک به آلبانی رفت



اورهان پاموک، نویسنده اهل ترکیه و برنده جایزه نوبل ادبیات برای معرفی ترجمه کتابش در آلبانی به تیرانا سفر کرد.

به گزارش مهر، به نقل از سایت بالکان تراولرز، پاموک در این سفر به تبلیغ کتاب «استانبول؛ شهر و خاطرات» که اخیراً به آلبانیایی ترجمه شده خواهد پرداخت و با شخصیت‌های برجسته این کشور و خوانندگان آثارش دیدار می‌کند.

وی همچنین از شهر برات و آثار باستانی این شهر

که به جای مانده از معماری عثمانی است بازدید خواهد کرد. علاوه بر کتاب «استانبول؛ شهر و خاطرات» تاکنون چند کتاب دیگر از این نویسنده از جمله «نام من قرمز است»، «قلعه سفید»، «خانه ساکت» و «برف» به آلبانیایی ترجمه شده است. اورهان پاموک سال ۱۹۵۲ در ترکیه به دنیا آمد. درس متوسطه را در کالج آمریکایی رابرت در استانبول گذراند و پس از پایان تحصیلات متوسطه به اصرار خانواده‌اش به ادامه تحصیل در رشته معماری در دانشکده فنی استانبول مشغول شد. وی این رشته را نیمه تمام رها کرد و در دانشگاه استانبول و در رشته روزنامه‌نگاری به تحصیل پرداخت، اما هرگز به عنوان یک روزنامه‌نگار مشغول به کار نشد. اولین اثر این نویسنده با نام «تاریکی و نور» انتشار یافت و در سال ۱۹۷۹ از سوی موسسه انتشاراتی ملیت جایزه ادبی دریافت کرد. پاموک در سال ۲۰۰۶ موفق به دریافت جایزه نوبل شد.

نویسندگان تمام‌وقت یک ناشر آنلاین در چین است. وی می‌افزاید: «من روزی پنج تا شش ساعت کار می‌کنم و سپس این نوشته‌ها را به صورت آنلاین در اختیار مردم قرار می‌دهم. به نظر من عجیب نیست که یک نویسنده ۱۰۰ هزار یوان در سال به دست بیاورد. هستند کسانی که این مبلغ را در یک ماه به دست می‌آورند.»

نویسندگان تمام‌وقت آنلاین تنها بخشی از این صنعت را تشکیل می‌دهند و برای اغلب افراد، این شغل بسیار مشکل و خسته‌کننده است. تعدادی از این نویسندگان مجبورند حتی بیش از ۱۰ ساعت در روز بنویسند و البته زمانی که رمان می‌نویسند از احتمال غیرمجاز بودن آن هم نگران هستند.

## چین یک میلیون نویسنده آنلاین دارد

به نویسنده جایزه اضافه می‌دهند و پول بیشتری پرداخت می‌کنند. برخی از وب‌سایت‌ها ۵۰۰ تا هزار یوان در ماه - متناسب با داستان و خلق شخصیت‌های جدید - به نویسنده می‌پردازند.

اسپارکل، یکی از نویسندگان آنلاین که تصور نمی‌کرد چنین پولی به دست بیاورد می‌گوید: «من برای نوشتن یک داستان ۱۴۰۰ یوان دستمزد می‌گیرم و با این پول می‌توانم برای دو ماه راحت زندگی کنم.» وی که در یک شرکت بازرگانی خارجی کار می‌کرد پس از فارغ‌التحصیل شدن از دانشگاه چند رمان کوتاه را به صورت آنلاین منتشر کرد و حالا او یکی از

چین دارای یک میلیون نویسنده تمام‌وقت آنلاین است که بسیاری از آنها ده‌ها هزار یوان و تعدادی بیش از ۱۰۰ هزار یوان (۲۰ هزار و ۱۳۴ دلار) یا حتی یک میلیون یوان در سال از راه نوشتن کسب درآمد می‌کنند. خوانندگان اینترنتی معمولاً مجبورند برای خواندن رمان در وب‌سایت پولی پرداخت کنند و وب‌سایت نیز باید ۵۰ تا ۷۰ درصد از این پول را به نویسنده بدهد که اگر یک نویسنده در روز شخصیت‌های بیشتری را خلق کند این دستمزد به همان نسبت بالاتر می‌رود. تعدادی از خوانندگان علاقه‌مند به خواندن کتاب

## در «ایبنا» بخوانید

با مراجعه به سایت خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا)، به نشانی اینترنتی «www.ibna.ir»، به این مطالب دسترسی خواهید داشت. امکان «جستجو» و «جستجوی پیشرفته» در وب‌سایت «ایبنا» به شما امکان دست‌یابی به مطالب بیشتر را هم می‌دهد.

## خیام و فردوسی

به مناسبت ۲۵ اردیبهشت، یادروز فردوسی و ۲۸ اردیبهشت، یادروز خیام نیشابوری، ایبنا گفت‌وگو‌هایی را درباره این دو شاعر ایرانی منتشر کرده است. از جمله این گفت‌وگوها، مصاحبه با محبوبه مباشری، رئیس دانشگاه الزهراء (س) درباره خیام نیشابوری است. مباشری به ایبنا گفته است: «حکیم عمر خیام از جمله استثناها در تاریخ ادبیات ما و حکیم، فقیه و اختر شناس است. اگر به دقت آثار این حکیم را بررسی کنیم متوجه خواهیم شد که جنبه فقهی او بر جنبه شعری اش غلبه می‌کند.»

حمید بقایی، معاون رئیس‌جمهور و رئیس سازمان میراث فرهنگی نیز در گزارشی که ایبنا منتشر کرده، درباره فردوسی گفته است: «شاهنامه؛ این شاهکار ادبی، علم استقلال ایران در برابر تهاجم فرهنگی بیگانه را برپا کرد و دژ محکم استقلال ایرانیان به شمار می‌رود و فردوسی دژبان سازنده این برج و باروی مرزهای فرهنگی ایرانیان و شاخه‌ای از شیعه ایرانی و آزادی‌خواهی است.» همچنین، داریوش شامردانی، پژوهشگر و محقق ادبی، یادداشتی درباره خیام نیشابوری در اختیار ایبنا قرار داده است. در این یادداشت آمده است: «این دانشمند بزرگ مفاخر ملی ایران را، هنگامی کافر دانستند، چون فیلسوفی جلوتر از زمانه بود. وی برای دور کردن از اتهام دویبیتی زیر را سرود: دشمن به غلط گفت که من فلسفیم/ایزد داند که آنچه او گفت نیم/لیکن چو در این غم آشیان آمده‌ام/آخر کم از آن که من بدانم که کیم. رباعی‌های جاودانه‌اش به دل‌های افسرده عشق به زندگی می‌دهد. این رباعی‌ها در سال ۱۸۵۹ توسط فیتر جرالده انگلیسی و به تدریج به تمام زبان‌های زنده دنیا ترجمه شد. فکر عمر خیام با رساله‌های جبر و مقابله، هندسه، قطاع مخروطی و حساب در قرون وسطی راهی دانشگاه‌های اروپا شد.»

متن کامل سخنرانی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی هم در همایش خیام نیشابوری در خبرگزاری کتاب منتشر شده است.

## ترجمه تجربه‌ها

یک گفت‌وگوی طولانی با نسرین گلدار، مترجم کتاب‌های روان‌شناسی، هفته گذشته در بخش پرونده خبرگزاری کتاب ایران منتشر شده است. گلدار در این مصاحبه درباره علت استقبال از کتاب‌های روان‌شناسی در بازار کتاب، گفته است: «جامعه به این مسائل نیاز دارد و ما هم در همین مسائل کمبود داریم. بعضی از مسائل در جامعه ما در پرده قرار دارند. مثلاً می‌خواهند درباره بیماری‌ای مثل ایدز صحبت کنند، می‌گویند جوان‌ها رفتار مخاطره‌آمیز نداشته باشند. خوب رفتار مخاطره‌آمیز را باید کسی معین کند. الان که خطر این بیماری به رده سنی ۱۳ سال رسیده چطور باید آن را معنا کرد؟ این کتاب‌ها مسائل را کمی بازترانه می‌دهد.»

## نقد و معرفی جدیدترین کتاب‌ها

خبر انتشار جدیدترین آثار از سوی ناشران مختلف، معرفی کتاب‌هایی که به زودی قدم به کتابفروشی‌ها می‌گذارند، گفت‌وگو‌هایی با پدیدآورندگان آثار، شاعران، نویسندگان، ناشران و مترجمان، تازه‌ترین خبرها و گزارش‌ها از کتاب و ادبیات و نقد و تحلیل‌هایی بر کتاب‌های جدید، از دیگر مطالبی است که می‌توان در پایگاه اینترنتی خبرگزاری کتاب ایران آنها را یافت.

## کارگاه‌ها و جایزه‌ها

اخبار مربوط به حوزه کتاب و کتابخوانی هفته گذشته نیز چون همیشه بخشی از اخبار فرهنگی خبرگزاری‌ها، نشریات و رسانه‌های تخصصی کتاب را به خود اختصاص داد. با گذر و نظری به اخبار فرهنگی خبرگزاری‌ها و رسانه‌های تخصصی کتاب، گزیده‌ای از خبرهای مهم مربوط به کتاب در پی می‌آید.

**برگزاری کارگاه داستان کوتاه در شهر کتاب:** این کارگاه که زیر نظر بهناز علیپور گسگری در شهر کتاب مرکزی (خیابان شهید احمد قیصر) برگزار می‌شود روزهای پنجشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۲ به مدت ۱۲ هفته از ۲۷ خرداد سال جاری میزبان علاقه‌مندان حوزه ادبیات خواهد بود و علاقه‌مندان تا ۲۰ خرداد برای ثبت نام فرصت دارند.

**همایش ملی نشر در تیرماه:** دبیر نخستین همایش ملی نشر از برگزاری این همایش در دوم تیرماه امسال خبر داد. این همایش پیش از این قرار بود در روزهای پنج و ششم اسفند ۸۸ برگزار شود. آسیب‌شناسی تالیف و ترجمه، آماده‌سازی کتاب‌های علمی و بررسی مباحثی چون مدیریت نشر، حقوق نشر، اقتصاد نشر و آموزش پژوهش نشر از جمله برنامه‌های این همایش خواهد بود.

**برپایی دوازدهمین دوره جایزه کتاب فصل:** دوره جدید کتاب فصل که کتاب‌های زمستان ۱۳۸۸ را مورد ارزیابی قرار می‌دهد ۳۱ خرداد برگزار می‌شود. مهلت ارسال آثار منتشر شده در زمستان ۸۸ به دبیرخانه این جایزه اخیرا به پایان رسیده و ارزیابی آثار در ۱۱ حوزه کلیات، فلسفه و روان‌شناسی، دین، علوم اجتماعی، علوم خالص، علوم کاربردی، هنر، ادبیات، تاریخ و کودک و نوجوان در حال انجام است.

**مسابقه داستان‌نویسی «درخت سپید» فراخوان داد:** فراخوان مسابقه داستان‌نویسی «درخت سپید» در ژانر علمی-تخیلی و فانتزی منتشر شد. این مسابقه که با موضوع آزاد برگزار می‌شود، محدودیتی برای تعداد آثار ارسال در نظر نگرفته، ولی این داستان‌ها نباید از پنج هزار کلمه کمتر باشند. علاقه‌مندان می‌توانند تا ۳۱ تیرماه با ارسال داستان‌های خود به نشانی اینترنتی [WTvalmar.ir](http://WTvalmar.ir) در مسابقه شرکت کنند.

**نخستین شاهنامه گویا منتشر شد:** نخستین نسخه کتاب صوتی شاهنامه همزمان با بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی شاعر پارسی زبان از سوی شبکه اینترنتی ایران صدا منتشر شد. این کتاب صوتی بر مبنای شاهنامه فردوسی از روی نسخه تصحیح شده شاهنامه توسط «ژول مول» به کوشش دکتر پرویز انابکی تهیه شده است. علاقه‌مندان می‌توانند با ورود به سایت شبکه ایران صدا به نشانی [www.iranseda.ir](http://www.iranseda.ir) و انتخاب بخش کتاب گویا دانلود این مجموعه را دریافت کنند.

**تمدید مهلت ثبت نام در کارگاه‌های آموزشی مرکز اسناد دفاع مقدس:** مدیر پایگاه اطلاع‌رسانی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس از تمدید مهلت ثبت نام نویسندگان در کارگاه‌های آموزشی این مرکز تا پنجم خرداد سال جاری خبر داد. این کارگاه‌های آموزشی دو و نیم ماهه شامل تبیین فشرده وقایع جنگ، آموزش روش تحقیق و متن‌نویسی برای مستندات جنگ، آشنایی با آثار منتشر شده مرکز اسناد و نقد و بررسی کتاب‌های برجسته جنگ و ... است.

**راه‌اندازی غرفه کتاب‌های سینمایی در موزه سینما:** موزه سینما غرفه‌ای را برای ارائه کتاب‌ها و تولیدات فرهنگی سینمایی ایجاد کرده است. در این غرفه‌ها انواع کتاب‌های سینمایی، نرم‌افزار موسیقی، فیلم‌ها، تمبر و کارت‌پستال‌های سینمایی عرضه می‌شود.

جلد سوم از دایره‌المعارف فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی که از حرف «ج» تا «د» را شامل می‌شود تا دو ماه دیگر روی پیشخوان کتابفروشی هاقار می‌گردد. سید علی آل داوود، عضو هیأت علمی فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی در گفت‌وگو با کتاب هفته با بیان این مطلب از احتمال پایان یافتن کامل این پروژه تا چهار سال آینده خبر داد.

به گفته آل داوود، این طرح، یک دایره‌المعارف کتابشناسی درباره فرهنگ آثار است که در مجموع شش جلد خواهد بود و تلاش می‌شود در این شش جلد، بیشتر کتاب‌های مهمی که در حوزه تمدنی جهان اسلام یا درباره کشورهای اسلامی توسط غربی‌ها نوشته شده است معرفی شوند.

آل داوود یادآور شد: «البته بیشتر تکیه ما روی کتاب‌های مربوط به ایران - چه ایران قبل از اسلام و چه ایران بعد از اسلام - است؛ ما کتاب‌های مهم و اساسی را با این موضوع معرفی می‌کنیم.» وی افزود: «کتاب‌هایی که به زبان‌های خارجی درباره ایران قبل از اسلام نوشته شده‌اند و چه بسا هنوز به فارسی ترجمه نشده‌اند از جمله کتاب‌هایی به زبان انگلیسی، آلمانی، روسی و فرانسوی در این مجموعه معرفی می‌شوند و بخشی از کتاب‌هایی هم که در این مجموعه معرفی می‌شوند، موضوع‌عشان مربوط به مقطع بعد از اسلام است.»



عضو هیأت علمی پروژه فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی درباره کتاب‌های فارسی این مجموعه نیز یادآور شد: «کتاب‌های فارسی هم که در حوزه‌های مختلف اعم از تاریخ، ادبیات، هنر، موسیقی، جغرافیا، فلسفه، دین و کلام و به طور کلی در هر حوزه‌ای که نوشته شده‌اند کم و بیش در این مجموعه معرفی می‌شوند»

عضو هیأت علمی پروژه فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی خبر داد

## چاپ سومین جلد از دایره‌المعارف فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی

و ما سعی می‌کنیم تا حد امکان هیچ کتابی از قلم نیفتد و همه آثار معرفی شوند و البته برنامه کلی ما این است که تمام کتاب‌های درجه اول، دوم و سوم در این مجموعه معرفی و مقاله‌ای درباره‌شان نوشته شود. آل داوود در پاسخ به این سوال که آیا بخش کتاب‌های غیرفارسی نظیر کتاب‌های عربی و لاتین در بخش‌های جداگانه آورده می‌شوند؟ گفت: «خیر، این مجموعه به صورت الفبایی و به زبان فارسی است و اسامی آثار خارجی نیز به فارسی ترجمه می‌شوند و مقاله‌ای هم که درباره هر کتاب نوشته می‌شود به زبان فارسی است، اما در آنجا ذکر می‌شود که این کتاب مثلا به زبان اروپایی یا عربی است و تا به حال ترجمه نشده و همین کار موجب می‌شود برخی مترجمان بعد از مطالعه مقاله‌ای درباره یک کتاب به ترجمه آن اقدام کنند.»

آل داوود با اشاره به این که این طرح از سال ۱۳۷۳ آغاز شده تصریح کرد: «بخش عمده مطالب جلد‌های ۴ و ۵ و ۶ این دایره‌المعارف نیز نوشته شده و در صورتی که ناشر همراهی کند، پیش‌بینی می‌کنیم ظرف چهار سال آینده به انتشار برسد.»

جلد سوم دایره‌المعارف فرهنگ آثار ایرانی - اسلامی که حروف «ج» تا «د» را شامل می‌شود، با معرفی ۷۰۰ کتاب در مجلد سوم از سوی انتشارات سروش در آینده‌ای نزدیک روانه بازار کتاب می‌شود.

از سوی انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا

## مقالات چهارمین همایش بزرگداشت ملاصدرا کتاب می‌شوند

از میان مقالات متعددی که تاکنون به دبیرخانه همایش رسیده، ۷۰ مقاله به تایید شورای علمی بنیاد حکمت اسلامی صدرا رسیده است. شهرکی در ادامه افزود: «هر سال چکیده مقالات را در حین برگزاری همایش به شرکت‌کنندگان و حاضران تقدیم می‌کنیم و اصل مقالات نیز طی سال در قالب کتاب منتشر می‌شوند.» وی همچنین یادآور شد: «بعضی مقالات هم که توسط شورای علمی برگزیده می‌شوند در فصلنامه خردنامه صدرا وابسته به بنیاد حکمت اسلامی صدرا به چاپ می‌رسند.» به گفته شهرکی، اقدام برای چاپ مقالات به صورت کتاب، هر سال بلافاصله پس از برگزاری همایش از سوی انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا آغاز می‌شود.

مقالات چهارمین همایش بنیاد حکمت اسلامی صدرا با موضوع «تربیت فلسفی جوان امروز» از سوی انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا در قالب یک کتاب منتشر می‌شود.

احسانه شهرکی، مدیر روابط عمومی بنیاد حکمت اسلامی صدرا در گفت‌وگو با «کتاب هفته» با اعلام این خبر و با اشاره به این که چهارمین همایش بزرگداشت ملاصدرا با موضوع «تربیت فلسفی جوان امروز» شنبه، اول خردادماه با حضور جمعی از استادان حوزه فلسفه و دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه برگزار می‌شود یادآور شد: «همایش «تربیت فلسفی جوان امروز» حول چهار محور اصلی: پیوند فلسفه و نسل جوان، چگونگی و چرایی؛ جوان، تفکر انتقادی، بایسته‌ها و رخنه‌ها، تربیت فلسفی جوان، فرصت‌ها و آسیب‌های دهکده جهانی و الگوهای کاربردی حکمت متعالیه برای تربیت فلسفی برگزار خواهد شد که

## فهرست ناشران برگزیده سال ۸۸

اصول فنی چاپ، توجه و استفاده از آثار تصویرگران داخلی و نیز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به دلیل داشتن تعداد عناوین چاپ اول، توجه به نیاز مخاطبان خاص به ویژه نابینایان، استفاده از تصویرگری داخلی با رویکرد بومی و ملی، توجه به تالیف و داشتن آثار ممتاز در جشنواره‌های معتبر علمی و فرهنگی کشور به عنوان برگزیده معرفی شدند.

انتشارات براق نیز به دلیل توجه به تصویرگری بومی و فعالیت در حوزه چاپ و نشر بین الملل، شایسته تقدیر شناخته شد.

**بخش ویژه «تاریخ و ادبیات پایداری حماسه بزرگ دفاع مقدس»** در بخش ویژه «تاریخ و ادبیات پایداری حماسه بزرگ دفاع مقدس» نیز هیأت داوران، انتشارات موسسه فرهنگی روایت فتح، انتشارات صریر و انتشارات سوره مهر را به دلیل آن که با تولید آثار ارزشمند و وزین، یاد و خاطره‌های ماندگار دوران دفاع مقدس را در متن زندگی فردی، اجتماعی و احاد جامعه مورد توجه قرار داده‌اند، به عنوان ناشر برگزیده این بخش معرفی کرد.

**اسامی غرفه‌های برگزیده نمایشگاه کتاب ۲۳** بخش عمومی - دولتی: موسسه انتشاراتی علمی - فرهنگی/خصوصی: قدر ولایت/شهرستانی: مرسل بخش دانشگاهی - دولتی: جهاد دانشگاهی اصفهان/خصوصی: نص/شهرستانی: ارکان دانش

بخش آموزشی - رزمندگان اسلام بخش کودک و نوجوان - خصوصی: چرخ و فلک/شهرستانی: حدیث نینوا ناشران بخش بین الملل - نمایش ارز: شرکت غزال جوان کشورها - غرفه ژاپن بازار جهانی کتاب ایران - غرفه خدمات کامپیوتری علوم اسلامی نمایش ریالی لاتین - انتشارات جان وایلی نمایش عربی - انتشارات دارالولاء لبنان

هیأت داوران بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، پس از بررسی و ارزیابی آثار ناشران راه یافته به مرحله نهایی و توجه به شاخص‌های مصوب در دستورالعمل، ناشران برگزیده سال ۸۸ را معرفی کردند.

کیفیت آثار تالیفی، تعداد عناوین چاپ اول، تنوع آثار، توجه به مخاطبان خاص، تناسب کتاب‌های منتشر شده با نیازهای علمی و فرهنگی و ارزش‌های دینی و ملی جامعه، حسن شهرت در بین مولفان، مترجمان و جامعه فرهنگی کشور، رعایت اصول فنی چاپ و داشتن آثار برتر در جشنواره‌های معتبر علمی و فرهنگی کشور، شاخص‌های داوری و انتخاب بوده‌اند.

هیأت داوران در حوزه ناشران بزرگسال، بخش ناشران خصوصی تهران، انتشارات «سخن» را به دلیل توجه، تعدد و تنوع آثار، کیفیت آثار از نظر رعایت اصول فنی چاپ، حسن شهرت در میان مولفان، مترجمان و جامعه فرهنگی و داشتن آثار ممتاز در جشنواره‌های معتبر علمی و فرهنگی کشور، معرفی کرد. همچنین، انتشارات‌های «نوید شیراز» و «موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)» به صورت مشترک از سوی هیأت داوران به عنوان ناشران بخش خصوصی شهرستان در حوزه بزرگسال معرفی شدند.

عنوان برگزیده ناشران وابسته به نهادهای دولتی و عمومی بخش بزرگسال در سال ۸۸، به صورت مشترک به سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی «سمت» و «سوره مهر» اختصاص پیدا کرد.

در حوزه ناشران کودک و نوجوان نیز انتشارات «قدیانی» با توجه به تناسب آثار منتشر شده با نیازهای علمی و فرهنگی جامعه، عنوان ناشر برگزیده این حوزه را در بخش خصوصی تهران در سال ۸۸ از آن خود کرد.

در بخش ناشران خصوصی شهرستان و وابسته به نهادهای دولتی و عمومی حوزه کودک و نوجوان، به ترتیب، «عروج اندیشه» به دلیل تعداد عناوین چاپ اول، تنوع و تعدد آثار منتشره، توجه به آثار تالیفی به ویژه در حوزه دین، حسن شهرت بین مولفان، مترجمان و جامعه فرهنگی به ویژه در سطح استان، رعایت



# گام نخست و محکم در جاده‌های دور و دراز



رسانه های ورزشی، از جمله پرمخاطب ترین رسانه ها به حساب می آیند و خبرنگاران این حوزه، افرادی تلاشگرند که در متن و حاشیه دنیای پرهیجان ورزش، به تهیه خبر، مصاحبه، گزارش، نقد و عکس ورزشی می پردازند.

در ایران نیز رسانه های ورزشی به ویژه روزنامه های ورزشی از جایگاه ویژه ای برخوردارند و میلیون ها نفر از علاقه مندان دنیای ورزش را مخاطب خودشان می دانند، اما...

واقعیت این است که رسانه های ورزشی فارسی زبان بیشتر از وجود خبرنگاران ورزشی مشخص می برند که این حرفه را اغلب به صورت غیر علمی آموخته اند.

بررسی اجمالی کیفیت کاری این افراد، به ویژه از نظر تهیه و تنظیم خبر، گزارش و مصاحبه، به خوبی جای خالی مطالعه رانز خبرنگاران ورزشی مشخص و همچنین ضرورت تالیف و ترجمه کتاب تخصصی ویژه این قشر را گوشزد می کند.

کتاب «روزنامه نگاری ورزشی» اثر فیل اندروس که توسط دکتر سارا کشر (استادیار دانشگاه علامه طباطبایی) و دکتر حمید قاسمی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج) ترجمه شده است، روزنامه نگاری ورزشی، دایره فعالیت آن و همچنین نحوه تهیه خبر، گزارش و مصاحبه های ورزشی را تشریح می کند.

اندروس در این کتاب سعی می کند مانند یک مربی که بر یک تیم غیر حرفه ای (آماتور) نظارت می کند، خوانندگان اثرش را ابتدا با زبانی کاملاً ساده، با حرفه روزنامه نگاری ورزشی آشنا کند و سپس همان گونه که مربی یک تیم آماتور، به بازیکنانش نحوه زدن ضربات ساده به توپ یا کنترل آن را آموزش می دهد، تعریفی ساده از یک سرویس (گروه) ورزشی ارائه کند و سپس با گذری سریع از دنیای قدیم روزنامه نگاری (حروفچینی و چاپ سربی) وارد دنیای روزنامه نگاری رایانه ای شود و حتی به مخاطبانش توصیه کند که به طور مثال هنگام تایپ مطالبشان در محیط مجازی رایانه، از حروف آریال یا تایمز استفاده کنند.

آنچه در صفحات آغازین کتاب و لابه لای سطور مختلف آن مستتر است، نکاتی بسیار مهم اند که اندروس سعی می کند به اجمال آنها را بیان کند، در حالی که این مطالب روح اصلی مباحث نخستین کتاب را تشکیل می دهند؛ آنجا که او می نویسد: «روزنامه نگاران برای خود وظایف متعددی قائلند؛ پاسداری از حقیقت و مردم تاسرگرم کردن خوانندگان

و نوشتن متون به سبک خاص خود را از وظایف روزنامه نگاران می دانند.»

این جملات که معانی عمیقی را دربردارد، مخاطب کتاب را به مطالعه مطالبی قابل تأمل امیدوار می کند، اما جمله بعدی مثل آب سردی بر فکر و اندیشه خواننده اثر ریخته می شود؛ آنجا که می نویسد: «... اما حقیقت خیلی ساده تر از این است. وظیفه اصلی هر روزنامه نگار، پر کردن فضاست. فارغ از آن که چه تعداد اتفاق ورزشی در دنیا در حال وقوع است، صفحات روزنامه ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی باید هر روز پر شوند. رویدادهای ورزشی مشخص هستند و به همین دلیل می توانند فضای خالی رسانه ها را به راحتی پر کنند.»

آیا به راستی هدف و وظیفه روزنامه نگاری ورزشی همین پر کردن صفحات است؟ جواب این سوال هر چه باشد، این جملات اندروس هرگز به معنای نفی مطالب معنادار نخستین او نیست، زیرا بخش نخست، واقعیت و به قولی بایدها را بیان می کند و ادامه مطلب حقیقت یعنی آنچه هست را تشریح می کند!

آموزش هایی که نویسنده کتاب در بخش های گوناگون اثرش به مخاطبان در حوزه روزنامه نگاری ورزشی می دهد، مطالب مفیدی به حساب می آیند که فرآیند تولید خبر، مصاحبه و گزارش ورزشی را تشریح می کنند، ولی هرگز نباید از دو موضوع مهم در این میان غافل شد.

نخست آن که این کتاب با تمامی مطالب قابل

تأملش، تنها گام نخست در حوزه روزنامه نگاری ورزشی محسوب می شود؛ البته گامی محکم و قابل اعتنا. پس هرگز نباید به آن اکتفا کرد و به صرف ترجمه اثری خوب، مدت ها از آن به عنوان یک منبع درسی یا اثری مرجع استفاده کرد. نکته دیگر این که، اندروس این کتاب را با توجه به عملکرد و ماهیت روزنامه نگاری ورزشی در غرب به رشته تحریر درآورده است که اگرچه سطح قابل قبولی از روزنامه نگاری را تشریح می کند، اما هرگز با وضعیت فعلی روزنامه نگاری ورزشی ایران کاملاً همگون نیست و این مهم، ضرورت بومی سازی چنین کتابی را، آن هم از سوی استادان روزنامه نگاری ایران گوشزد می کند.

واقعیت این است که جامعه ورزشی نویس ایران با تمام لیاقت ها و توانایی هایی که دارد، نیازمند کسب فن (تکنیک) روزنامه نگاری نوین است و هرگز نباید از این غافل شد. در حقیقت، انتشار کتاب «روزنامه نگاری ورزشی» از سوی انتشارات «علم و حرکت»، آغازگر راهی دور و دراز است؛ راهی که سرانجامش به افزایش سطح کیفی رسانه های ورزشی و بالاتر از آن، بالا رفتن آگاهی خیل عظیم مخاطبان رسانه های این حوزه می انجامد.

## روزنامه نگاری یا خبرنگاری؟

نویسنده کتاب روزنامه نگاری ورزشی از فصل نهم سراغ رسانه رادیو و تلویزیونی می رود و آنگاه به تشریح نشر آنلاین می پردازد.

هنگام مطالعه این دو بخش، این موضوع به ذهن

متبادر می شود که عنوان «روزنامه نگاری ورزشی» قدری برای اثر مکتوبی که پا را فراتر از حوزه روزنامه می گذارد، کوچک است. شاید اگر نام خبرنگاری ورزشی برای این کتاب انتخاب می شد، دایره وسیع حوزه های مطرح شده در این اثر را بهتر و بیشتر دربرمی گرفت. البته اندروس هم خودش به تفاوت های موجود در حوزه روزنامه نگاری مکتوب یا کار در رسانه های غیرمکتوب اشاره می کند، همان گونه که در قسمتی از فصل نهم با عنوان «ساختار اخبار» می نویسد: «اغلب مطالبی که قرار است چاپ شوند، ساختاری کلاسیک دارند... اما قالب اخبار رادیویی و تلویزیونی بسته به اهمیت خبر، زمان در دسترس برای تولید و عناصری که روزنامه نگار مجبور است با آنها کار کند، متفاوتند.»

مترجمان این اثر نیز باید به این سوال پاسخ می دادند که آیا واژه روزنامه نگار به طور دقیق از مطالب اندروس به زبان فارسی برگردانده شده است یا نه؟ زیرا اساساً اطلاق واژه روزنامه نگار به فرد فعال در عرصه خبری رسانه ای مانند رادیو و تلویزیون، کار درستی نیست و این فرد، خبرنگار نام دارد، نه روزنامه نگار!

## پیوستی مهم و کاربردی

این کتاب شامل پنج پیوست با عناوین «پیدا کردن شغل»، «بازار کار روزنامه نگاری ورزشی»، «حق تالیف»، «کتاب ها و فیلم های ورزشی» و «مسائل حقوقی و اخلاقی» است.

در این میان پیوست پنجم با عنوان «مسائل حقوقی و اخلاقی» از جایگاه ویژه ای برخوردار است، زیرا بدون تعارف، رعایت اخلاق حرفه ای، از مهم ترین کارهایی است که باید در عرصه روزنامه نگاری و خبرنگاری ورزشی صورت بگیرد.

به طور مثال، اندروس در بخشی از این پیوست، نکته ای مهم را تذکر می دهد و می نویسد: «ممکن است روزنامه نگار ورزشی در شرایط مختلف نظیر زمانی که می خواهد درباره ورزشکارانی که متهم به جرایم جنایی هستند یا داروهای نیروزا مصرف کرده اند یا رفتار بزهارانه دیگری داشته اند بنویسد، باید در مورد قوانین افترا و توهین اطلاعات کافی داشته باشد.»

چاپ نخست کتاب «روزنامه نگاری ورزشی» اثر فیل اندروس با ترجمه دکتر سارا کشر و دکتر حمید قاسمی از سوی نشر علم و حرکت در شمارگان ۱۱۰۰ نسخه، ۲۱۶ صفحه و با قیمت ۴۵ هزار ریال منتشر شده است.

ورزشکاران را از طریق تمرینات آمادگی بدنی به مراحل بالاتر و پیشرفته تر رهنمون می سازد. هر فرد یا تیمی که از توصیه ها، تمرینات و برنامه های پیشنهادی این کتاب استفاده کند، در مسابقه چندین گام جلوتر خواهد بود و چه بسا برای رسیدن به قهرمانی هم یک گام جلوتر باشد.

این مطلب را گرگ پوپویچ، سرمربی تیم سن آنتونیو اسپرز از لیگ حرفه ای بسکتبال آمریکا (NBA) درباره این کتاب نوشته است. وجود جدول های علمی ویژه و همچنین تصاویر متعدد، جنبه کاربردی به این کتاب بخشیده است؛ به گونه ای که مخاطب می تواند با دنبال کردن مباحث کتاب، به بررسی عملکرد خودش با توجه به جداول و همچنین انجام صحیح تمرینات براساس تصاویر کتاب اقدام کند.

از جمله ویژگی های این کتاب می توان به وجود «کارت برنامه» های متنوع برای آماده سازی اعضای مختلف بدن یک بسکتبالیست اشاره کرد. چاپ نخست کتاب «آمادگی بدنی کامل برای بسکتبال» از سوی نشر ورزش در شمارگان ۲۰۰۰ نسخه، ۲۴۰ صفحه، قطع وزیری و قیمت ۶۰ هزار ریال روانه بازار نشر شده است.

شده، برنامه های متنوع و جامعی برای بازیکنان بسکتبال در سطوح مختلف و همچنین فصل های گوناگون سال ارائه شده است. این کتاب را نشر هیومن کنیتکس که معروف ترین ناشر ورزشی جهان به حساب می آید، منتشر و در ایران نیز نشر «ورزش» به عنوان یکی از بزرگ ترین ناشران تخصصی حوزه تربیت بدنی و ورزش آن را روانه بازار نشر کرده است.

حضور بازیکنان بسکتبال در پست های تخصصی، نیاز آنان به مهارت ها و آمادگی های خاصی را گوشزد می کند و در این میان، نقش مربیان بدنساز برای آماده سازی جسمانی ورزشکاران انکارناپذیر به نظر می رسد.

نویسندگان کتاب پس از این که در مقدمه ای کوتاه به بیان ضرورت آمادگی جسمانی در بسکتبال می پردازند، طی هشت فصل مباحثی نظیر، آزمون ها و ارزشیابی، گرم کردن و انعطاف پذیری، آمادگی، قدرت، توان، سرعت، چابکی و جدول زمان بندی آماده سازی را تشریح می کنند.

کتاب حاضر حاوی جدیدترین روش های اثبات شده ای است که

## معرفی کتاب «آمادگی بدنی کامل برای بسکتبال» پرش بر سکوی توانایی با کتاب



تکنیک های مثال زدنی بازیکنان بسکتبال در بازی با توپ، همواره عاملی برای جذب تماشاگران به این رشته ورزشی بوده است. در کنار این تکنیک ها، قدرت بدنی بالای ورزشکاران بسکتبالیست نیز همواره قابل تأمل است. کتاب «آمادگی بدنی کامل برای بسکتبال» تشریح جنبه های مختلف آمادگی بازیکنان این رشته ورزشی می پردازد.

در این کتاب که توسط بیل فوران و روبین پوند به رشته تحریر درآمده و از سوی علیرضا زمانی (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی دهقان)، غلامرضا کرمی (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی مبارکه) و دکتر قاسم رحیمی (عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان) به فارسی برگردانده



# جهان آرا، شخصیت هنوز نانوشته رمان جنگ

«جنگ ها، همیشه منبع سوژه های بزرگ برای داستان های بزرگ بوده اند و این داستان ها، حول ماجراهای متفاوتی، مانند گروه های پارتیزانی، مردم شهرها و اتفاقات پشت جبهه رخ داده اند. به عنوان مثال؛ رمان «جنگ و صلح» لئو تولستوی، در مسکو اتفاق افتاد، در حالی که شهر اشغال و مردم فراری شده اند. در درون این شهرها، افرادی زندگی می کردند. اینها دارای جنبه هایی بودند که توانسته اند، بزرگی خود را به رخ بکشند. شهر خود را نجات دهند و از آن دفاع کنند. اما آنچه درباره شهید محمد جهان آرا، به صورت پرانگه می خوانیم، این جوانب ارزشمندی ها و شجاعت هارا در روی می بینیم. وقتی خرمشهر اشغال شده و بعد از دوره ای که جهان آرا به شهادت می رسد، فرزندان خرمشهری همیشه از محمد، نام می برند؛ کسی که باید بود اما نبود.»

احمد دهقان، با بیان این مطالب، یکی از دلایلی را که کمتر کسی به سوی سوژه هایی مانند جهان آرا رفته، بزرگی این کار می داند. به عقیده این داستان نویس، «نوشتن درباره شهری مانند خرمشهر با آن حوادث بکر و ۳۴ روز مقاومت و فرزندان خرمشهری که آنجا سنگر می گرفتند و در انتظار شهر خود می ماندند، کاری بس بزرگ است. یکی از دلایل مهمی که درباره محمد جهان آرا نوشته نشده، این است که درباره خرمشهر نوشته نشده و درباره خرمشهر نوشته نشده، چون سوژه بزرگی است. هر نویسنده، وقتی به سمت سوژه بزرگ خرمشهر می رود، آن را سترگ می بیند و به طور قطع هر کس به سمت این سوژه برود، باید

به عنوان یک اثر ادبی یا رمان بزرگ به آن بنگرد و آنچه را که می خواهیم خواننده امروزی درباره خرمشهر بداند، باید مطابق با آن رویداد برایش گفته شود. اتفاقات آن ۳۴ روز خرمشهر چنان سریع و بزرگ بوده که نویسندگان به آنها نزدیک نمی شوند.»

از نظر احمد دهقان، هنوز کار مهمی درباره محمد جهان آرا نوشته نشده، اما به طور قطع این اتفاق خواهد افتاد. وی در این باره معتقد است: «باید درباره بعد و نقش معنوی جهان آرا صحبت کنیم. این نقش معنوی مطمئنم رمان بزرگی درباره او می آفریند. اتفاقات بزرگی رخ داده و افراد مهمی در این حوادث نقش آفرینی کرده اند که نگارش درباره حوادث بزرگ، مجال صحبت درباره این افراد را نیز باز می کند.»

اما به گفته داوود غفارزادگان، وجود مرزبندی های موضوعی و قالبی و سیاه و سفید دیدن مسائل متفاوت، مانع پرداخت مناسب درباره «محمد جهان آرا» ها شده و تقابل شدید بین نویسندگان را ایجاد کرده است. گرچه خرمشهر و فرماندهانی مانند جهان آرا، نقطه عطفی در جنگ تحمیلی بوده اند، اما باید فضایی ایجاد شود که نویسندگان بر اساس گرایش و علائق خود به حوادث و افرادی اینچنین بپردازند.

مجید قیصری نیز در بین گلايه هایش از مناسبتی برخوردار کردن بنویسندگان، متولیان ادبیات دفاع مقدس را خطاب قرار داد و گفت: «باید جرابی کم کاری درباره افرادی مانند جهان آرا را از آنها پرسید!» به عقیده این نویسنده، «تاکنون کنگره های بسیاری درباره سرداران شهید در نهادهای مختلف برگزار شده که باید نتایج و



احمد دهقان: نقش معنوی جهان آرا در میان فرزندان خرمشهری، رمان بزرگی درباره او می آفریند

حاصل برگزاری این برنامه ها از آنها خواسته شود.» وقتی کم کاری و نبود رمان و اثر داستانی مناسب درباره محمد جهان آرا، با داوود امیریان مطرح شد، با تعجب پاسخ داد: «برخی شخصیت ها، مانند جهان آرا، آنقدر بزرگند که به نظر می رسد درباره آنها اثر فاخری منتشر نشده است. این در حالی است که نه تنها درباره جهان آرا، بلکه درباره شهیدانی مانند او و حتی دکتر مصطفی چمران نیز اثر داستانی وزینی نوشته نشده و

گویا در بین نویسندگان مر سوم است که باید از سوژه ای که شخصیت یا حادثه است، خوششان بیاید و درباره اش بنویسند.»

این که آیا هر نویسنده ای می تواند درباره هر شخص بزرگی بنویسد یا نه؛ نکته مهمی است که امیریان مورد توجه قرار داده و معتقد است: «از آنجا که باید فقط یک اثر داستانی فاخر درباره شخص یا موضوعی به رشته تحریر درآید، نوشتن داستان و رمان توسط نویسندگان ضعیف، احتمال انتشار آثار سطحی و شعاری را رقم می زند که این، کاری بس خطرناک است.»

سی سال از خرمشهر سال ۱۳۵۹ گذشته و بزرگی حوادث خرمشهر و محمد جهان آرا، تنها فرصت دستیابی نویسندگان و جوان ترها را به اطلاعاتی درباره آنها محدود کرده است. داوود امیریان در این باره می گوید: «هر سال به مناسبت سالروز آزادی خرمشهر، هزینه های گزافی خرج تهیه بوستر و نشانه های تبلیغاتی می شود اما مسوولان می توانند این مبالغ را برای نگارش و چاپ آثاری فاخر درباره خرمشهر و افرادی که در راه آزادی این شهر جان باختند، هزینه کنند.»

سوم خرداد ۸۹ نیز می آید و سپری می شود و فقط چند روزی جلوتر مارش ها نوشته می شوند و چندین مرتبه در روز، سرود «محمد نبودی» با صدای غلام کویتی پور از رسانه های مختلف پخش می شود تا شاید روزی نویسنده ای به خود بیاید و بهانه های نهان و آشکار نوشتن درباره افرادی چون محمد جهان آرا را کنار بگذارد و یاد او را در قالب یک رمان ماندگار، ثبت کند.

## این سرهنگ هنوز زنده است!

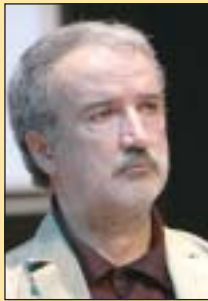
مرثی سرهنگی

ندارید. وجدان من آرام نخواهد شد، مگر این که سرهای له شده شما را زیر شنی تانک ها بینم.<sup>(۱)</sup> (در این حال، صدام از فرط عصبانیت لیوانی که جلوی دستش بود را چنان روی میز کوبید که تمام تکه های آن کف سالن پخش شد.)

صدام با یاس و ناامیدی ادامه می دهد: «... ای وای! خرمشهر از دست رفت. چگونه آن را دوباره بگیریم؟»<sup>(۲)</sup> در این هنگام سرتیپ ستاد «ساجت الدلیمی» می گوید: «قربان بیخشید...»<sup>(۳)</sup> صدام در حالی که از خشم دندان روی دندان می فشرده، نگاه تنیدی به ساجت می کند و می گوید: «ساکت باش بی شعور! ساکت باش ترسو! همه شما ترسو هستید! همه شما مستحق اعدام هستید! چرا علیه ایرانیان از سلاح های شیمیایی استفاده نکردید؟»<sup>(۴)</sup>

یکی از افسران در پاسخ صدام می گوید: «قربان! در این صورت سلاح شیمیایی بر سربازان ما هم تاثیر می گذاشت، چرا که نیروهای ایرانی به نیروهای ما خیلی نزدیک بودند.»<sup>(۵)</sup> صدام بلافاصله جواب می دهد: «سربازان تو بمیرند مهم نیست. مهم این است که خرمشهر در دست ما باقی بماند... ای حقیر... ای پست...»<sup>(۶)</sup>

وقتی سرتیپ ستاد «نبیل الربیعی» شروع به صحبت می کند، صدام کفش خود را از پای آورده و به طرف سرتیپ نبیل پرتاب می کند. محافظان او فوراً کفش را به صدام برمی گردانند. صدام در پایان سخنانش با لحنی که نفرت و خفت از آن می بارید می گوید: «من در مقابل خودم چهره مرد نمی بینم! غیرت زنان عراق از شما بیشتر است.»<sup>(۷)</sup>



راننده جیب که یک سرباز است، بعد از طی مسافتی، جیب را نگه می دارد و فحش و ناسزا به جان سرهنگ می کشد و او را مسبب همه بدبختی ها و تیره روزی های خود و همقطاران می داند. سرباز راننده، جیب و سرهنگ نیمه جان را به حال خود رها می کند و به سویی می گریزد. اما نیروهایی که در آن حوالی بودند،

جیب و سرهنگ را می یابند و او را به طرف اروندرود می برند. سرهنگ شبانه با یک قایق به جزیره ام الرصاص برده می شود. آن شب، شایعه کشته شدن سرهنگ احمد زیدان و ماندن جنازه او در میدان مین، میان نیروهای محاصره شده عراق می پیچد و تزلزل آنان را چند برابر می کند. این شایعه به قدری قوی و وقوع آن حتمی به نظر می رسد که فرماندهان رده بالای عراقی نیز به باور آن تن درمی دهند. به همین دلیل،

خبر کشته شدن سرهنگ زیدان در صدر اخبار آن روز مطبوعات و اطلاعیه های ما درباره آزادی خرمشهر قرار می گیرد.

چند روز بعد، صدام فرماندهان خود را برای اعطای نشان شجاعت به کاخ ریاست جمهوری فرامی خواند؛ با فرماندهانی که با دست خالی از خرمشهر بازگشته اند. احمد زیدان در این ملاقات با اعضا حضور پیدامی کند. صدام خطاب به فرماندهانش که حالا سربازی برایشان باقی نمانده است، می گوید: «... من از مقاومت شما در خرمشهر راضی نیستم. این مدال ها برای تسکین افکار عمومی است. آرزو می کردم در خرمشهر کشته می شدید و عقب نشینی نمی کردید. آیا شما واقعا شایستگی دریافت نشان شجاعت را دارید؟ نه اصلا

... ایرانیان آمدند...<sup>(۸)</sup> این اولین جمله ای است که سرهنگ «احمد زیدان» فرمانده نیروهای عراقی در خرمشهر روی ورقه تلفنگرام خود می نویسد. این تلفنگرام وقتی به دست فرماندهان او می رسد که باران آتش راه را بر نیروهای عراقی بسته است؛ نیروهایی که نوزده ماه پیش روی دیوار خرمشهر نوشته بودند: آمده ایم تا بمانیم.»

این سرهنگ اهل استان رمادی است و از طایفه دلیم به شمار می رود. او فارغ التحصیل دوره آموزشی چهل و نهم از دانشکده افسری بغداد است و کارت عضویت در شاخه نظامی حزب بعث را هم در جیب خود دارد.

سرهنگ زیدان قبل از فرماندهی نیروهای مستقر در خرمشهر، فرمانده تیپ ۱۱۳ پیاده نظام بود که جزو تیپ های مرزی محسوب می شود. بعضی از نظامیان برجسته عراقی او را افسر لایقی نمی دانند و معتقدند که این سرهنگ دانش نظامی ندارد و انتخاب او به فرماندهی این جبهه حساس و مهم یک اشتباه بزرگ در جنگ عراق با ایران به حساب می آید. اما مطیع بودن و اطاعت بی چون و چرای او از دستورات صدام و فرماندهان رده های بالاتر و همچنین کینه عمیق او از ایرانیان بعضی از نقاط ضعف او را می پوشاند.

سرهنگ زیدان در آخرین تماس خود با صدام، درباره تازه ترین خبرهای خرمشهر می گوید: «قربان! خرمشهر با مردان دلاور ما پایدار است و به صورت دژ محکمی، هر نیروی مهاجمی را خرد می کند.»

در آخرین شب خرمشهر، این سرهنگ میدان نبرد را خالی می کند، اما خیلی زود گرفتار میدان مین می شود و لرزش قدم هایش یکی از مین های خفته را بیدار می کند. هیکل نیمه جان سرهنگ در میدان مین باقی می ماند و به خاطر شدت آتش، کسی جرأت نمی کند به او نزدیک شود.

سه ساعت بعد، در یک فرصت کوتاه، چند سرباز وارد میدان مین می شوند و سرهنگ را که بیهوش و غرق در خون است، درون یک جیب جابه جایی کنند.

بعضی از فرماندهان هنگام خروج از سالن گریه می کردند، چون صدام برای سومین بار در این جلسه به صورت آنها ترف کرده بود.

آن شب، شب آخر خرمشهر، احمد زیدان به جزیره ام الرصاص برده می شود. از آنجا به بیمارستانی در بصره و سپس در بیمارستان نظامی الرشید بستری می شود و تحت عمل جراحی قرار می گیرد.

پرونده این سرهنگ مانند سایر افسران اشغالگر بعثی سیاه و سنگین است. این افسران در شهرها و روستاهای اشغال شده ما از انجام هیچ جنایت و تجاوزی کوتاهی نکردند. سرهنگ احمد زیدان حتی قبل از این که وارد میدان مین شود، دستور اعدام سه بسیجی اسیر ما را صادر کرده بود.

او بارها و بارها دستور اعدام گروهی اسیران ایرانی را داده بود. حتی افسران دیگر را به اعدام ها و قتل عام مردم بومی ترغیب می کرد و معتقد بود این اعدام ها در بالا بردن روحیه افراد برای نبرد با ایرانیان موثر است. آن گونه که گروهی از افسران عراقی پنهاننده به ایران می گویند، بعد از مدتی پزشکیان هر دو پای سرهنگ احمد زیدان را قطع می کنند. ژنرال امروز، احمد زیدان الدلیمی دوران از کارافتادگی را در خانه ویلایی و مجلل خود در منطقه «الزیونه» بغداد در حالی سپری می کند که به کوهی از جنایت و تجاوز تکیه زده است؛ بی آن که نگران دادگاهی برای رسیدگی به جنایت های جنگی اش باشد.

### پی نوشت ها:

۱- اعترافات (خطرات سرهنگ عراقی عبدالعزیز قادر السامرای) • ۲- از یادداشت های خصوصی سرگرد ستاد کامل جابر است که برای دریافت نشان شجاعت به این جلسه دعوت شده بود. این سرگرد از همراهان سرهنگ احمد زیدان بود که پس از مجروح شدن سرهنگ به طرف اروندرود فرار کرد و توانست شناکان از این رود عبور کند و جان خود را از مهلکه نجات دهد. یادداشت های خصوصی این سرگرد با عنوان «بادهای برفی» توسط دفتر ادبیات و هنر مقاومت حوزه هنری منتشر شده است • ۳ تا ۸- همان منبع



ساعت ۳ بعد از ظهر یکشنبه ۲۶ اردیبهشت ۸۹، سالن انتظار هتل لاله تهران، لحظات پررفت و آمدی را از گذر مهمانان خارجی پشت سر می گذاشت. پس از سپری شدن حدود ۱۰ دقیقه، بالاخره پال اسپراکمن، سر قرار حاضر شد و گفت و گویمان را در همان سالن آغاز کردیم. هنوز چند دقیقه ای از مصاحبه نگذشته بود که از انجام این کار در سالن انتظار هتل لاله از سوی حراست هتل ممانعت به عمل آمد! و این حادثه، اتفاق خوشایندی را رقم زد و همراه این مترجم آمریکایی تبار، به خبرگزاری کتاب ایران (ایبنا) آمدم و پس از بازدید وی از خبرگزاری، ادامه گفت و گویمان را به بهانه چرای ترجمه آثار جنگ ایران به زبان انگلیسی و سفر اسپراکمن به کشورمان از سر گرفتیم. آنچه می خوانید، حاصل گفت و گوی یک ساعته با پال اسپراکمن، تحصیلکرده زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه تهران و مقیم شهر نیویورک آمریکاست.

## گفت و گو با «پال اسپراکمن» مترجم داستان ها و رمان های دفاع مقدس

# درس های ایران شناسی با ادبیات دفاع مقدس پر بار می شوند

تصمیم نداشتید برای آثاری که ترجمه کرده اید، نقد بنویسید؟

بله. البته در مقدمه این کتاب، مطالبی نوشته ام که می توانند مقاله مفصلی را شکل دهند. اکنون نیز مشغول تهیه این مقاله ها به دو زبان فارسی و انگلیسی ام. این مطالب شامل رویکرد من درباره این آثار و توضیحاتی درباره ادبیات فارسی پس از انقلاب است.

هدف شما از سفر اخیر، گفت و گو با سید زهرا حسینی، راوی کتاب «۱۵» بود. نتیجه این ملاقات چه شد؟

درباره برخی نکات مبهم این اثر، پرسش هایی از زهرا حسینی داشتم که برابم توضیح داده است. مثل این که با وجود آگاهی پدرش از هوش سرشار زهرا حسینی، چرا از دبیرستان رفتن وی ممانعت کرده است که با توضیحات حسینی، متوجه شدم این موضوع، خواست مادرش برای نگهداری از خواهر و برادران کوچک تر وی بوده است.

ترجمه «۱۵» در چه مرحله ای قرار دارد؟

به صورت مقدماتی، صد صفحه از این کتاب ترجمه شده که نیاز به ویرایش دارد. البته باید مطالعاتی را درباره افراد کرد و شیعیان عراق قبل از جنگ تحمیلی انجام دهم. همچنین پس از بازگشت به آمریکا، باید در کنفرانس ایران شناسی ای که در کالیفرنیا برگزار می شود و از تمام نقاط جهان شرکت کننده دارد، شرکت و درباره وضعیت ادبیات جنگ در ایران با تمرکز بر کتاب «۱۵» سخنرانی کنم.

شما در ایام برگزاری بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران به این سفر آمدید. از نمایشگاه بازدید کردید؟

دو بار از نمایشگاه بازدید و دفعه اول از شدت ازدحام فرار کردم. این نمایشگاه فوق العاده و تحسین برانگیز است. همه مردم در گروه های سنی متفاوت حضور داشتند تا اندازه ای که جایی برای استراحت و حتی دیدن کامل کتاب ها نبود.

چه کتاب هایی از نمایشگاه تهیه کردید؟

کتاب های مرجع مانند فرهنگ ها و دایره المعارف ها و برخی رمان های جدید ایرانی که ممکن است ترجمه پذیر باشند. زیرا من از ترجمه این آثار درس می گیرم و نکات زبانی، فرهنگی و تاریخی می آموزم. کسی که به زبان خاصی علاقه مند است، باید با ادبیات مرتبط با آن زبان آشنایی داشته باشد.

در پایان، آیا برای ترجمه اثر دیگری تصمیمی دارید؟ اگر زنده بمانم، قصد دارم پس از «۱۵»، مجموعه داستان «من قاتل پسران هستم» نوشته احمد دهقان را ترجمه کنم.



البته که چنین شد. کسانی هستند که فکر می کنند من آلت دست جمهوری اسلامی ایران شده ام. من کلی می ام و آنها تصور می کنند، کلی می بودن با مطالعه درباره جمهوری اسلامی ایران مغایرت دارد. اما من به آنها گفته ام که ادبیات و فرهنگ ایران برابم جالب است. ممکن است ایران پس از انقلاب، مخالف دولت آمریکا یا در زمینه انرژی هسته ای فعال باشد، اما هموطنانم باید دور از فضای سیاسی، از طریق ادبیات و ابزار فرهنگی ایران را بشناسند و بفهمند.

با توجه به دید غالب در آمریکا، ترجمه این آثار توانسته دیدگاه جوانان آمریکایی را تغییر دهد؟

بله. چون جوانان آمریکایی می فهمند که جوانان ایرانی مانند خودشان، خواسته ها و توقعاتی از بزرگان شان دارند و به خاطر اهدافشان با دشمن جنگیدند.

جمع بندی و نگاه شما درباره کتاب های ایرانی ادبیات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران که تاکنون خوانده اید، چیست؟

جنگ ایران و عراق را به عنوان یک پدیده تاریخی می بینم. این آثار برای من که در محیط آمریکایی مصرف گرا، بزرگ شده ام، نمی توانست بعد عرفانی داشته باشد. اما پس از گفت و گو هایی با احمد دهقان و حبیب احمدزاده، نسبت به افکارشان آگاهی پیدا کردم و تا اندازه ای به سلسله افکار عرفانی ایرانی وارد شدم. برای مثال، از نظر این نویسندگان، جنگ از زاویه دفاعی اش می تواند زیبا باشد. این در حالی است که برای یک آمریکایی، زیبایی ای در جنگ وجود ندارد.

«غرب زدگی» نوشته جلال آل احمد را به انگلیسی ترجمه کرده ام. اما متوجه شدم جای ادبیات بعد از انقلاب، خالی است. بر همین اساس قصد داشتم با ترجمه این آثار، این جای خالی را پر کنم. پنج سال پیش به این فکر کردم که گرچه فرزندان ما، اشعار ترجمه شده «فروغ فرخزاد» یا کتاب «غرب زدگی» جلال آل احمد را می خوانند، اما همه اینها همسو با ایران کنونی که جنگ دیده، نیستند. در واقع دنبال ادبیاتی بودم که برای درس های ایران شناسی سودمند باشد.

این آثار را چگونه به دانشجویان معرفی می کنید؟ فقط معرفی در کار نیست بلکه این نوع آثار بخشی از مواد درسی ما را تشکیل می دهند. سه سال است که کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را در دانشگاه ایالتی نیوجرسی تدریس می کنم و به تازگی این اتفاق درباره کتاب «شطرنج با ماشین قیامت» هم رخ داده است.

اما این آثار در قالب رمانند. چگونه آنها را تدریس می کنید؟ علاوه بر رمان، بعد سینمایی نیز دارند. برای مثال، فیلم «توبوس شب» را که از یکی از داستان های حبیب احمدزاده ساخته شده، در کلاس درس نمایش می دهم تا دانشجویان از طریق تصویر، متوجه محتوای داستان شوند. همچنین برخی از دانشجویان ایرانی این کلاس، پیش تر با خانواده شان درباره مسائلی مانند جنگ کشورشان، صحبت نمی کردند. اما پس از تدریس این کتاب ها، در خانواده ها نیز مجال بحث درباره حوادث گذشته ایران، پیدا شده است.

با توجه به دید منفی دولت آمریکا نسبت به ایرانیان - به ویژه پس از انقلاب - چگونه تصمیم گرفتید این ریسک را انجام دهید؟ من نسبت به این وضعیت روحیه مخالفی دارم و ناراحتم. ایرانی که من می شناسم دارای جنبه های مثبتی است. کلمه «شهادت»، در کشورم مترادف با ترور است. اما از نظر من، شهادت نمی تواند بار معنایی ترور را داشته باشد. بر همین اساس به این نتیجه رسیدم که باید کتاب هایی را ترجمه کنم که ممکن است دارای بازتاب مثبتی باشند.

به کلمه «شهادت» اشاره کردید. چگونه به معنای واقعی آن دست یافتید؟ من مطالعات گسترده ای در زمینه ادبیات عرفانی دارم. در این ادبیات به شهادت از زوایای متفاوت نگریسته می شود. اما آنچه در کتاب های ایرانی جنگ وجود دارد، معاصر است و مفهوم واقعی شهادت را در عصر حاضر بیان می کند.

بعد از ترجمه آثار ایرانی ادبیات جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، در آمریکا با شما مخالفتی صورت نگرفت؟

داشته است. خالق کتاب «تکه ای از آسمان» قهرمان پروری را یکی از کارکردهای ادبیات می داند و خاطر نشان می کند که این قهرمانان، یا خیالی اند یا بر اساس شخصیت های واقعی، بازسازی می شوند. شهید بروجردی، جزو گروه دوم است و قطعا ابعاد گسترده وجودی وی، ظرفیت جای گیری در ادبیات کودک و نوجوان و بزرگسال را داراست. این داستان نویس، تفکر تشکیلاتی محمد بروجردی را می ستاید و یادآور می شود: «او در نزدیکی شدن ارتش به مردم در کردستان، نقش بسزایی داشته است. در واقع، آموزشی و کلاسیک بودن تشکیلات ارتش، فرماندهان این نیرو را برای جنگ شهری آماده نکرده بود به همین سبب، بروجردی با روحیه تشکیلاتی خود، این مشکل را رفع کرد و باعث پیوند بین مردم و ارتش شد. چون در آن دوران، تشخیص ضد انقلاب از مردم عادی، امری بسیار دشوار بود و من در دو کتاب

گفت و گویمان را با یک سوال اساسی آغاز می کنم. چرا ادبیات جنگ ایران را انتخاب کردید؟

چند سال پیش، کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» نوشته احمد دهقان را خواندم. به نظرم جالب آمد و فکر کردم شاید برای دانشجویانم نیز جذاب باشد. بنابراین این کتاب را برای ارائه به آنها به زبان انگلیسی ترجمه کردم.

چطور به این کتاب دسترسی پیدا کردید؟

محسن سلیمانی سه کتاب به من معرفی کرد که یکی را برای ترجمه انتخاب کنم و من کتاب «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» را برگزیدم.

با آقای سلیمانی چطور آشنا شدید؟

وی در برخی از گردهمایی ها، درباره تدریس زبان فارسی در آمریکا، شرکت می کرد که از این طریق با سلیمانی آشنا شدم.

آیا برای انتخاب ادبیات جنگ ایران در بین سایر ملل، مطالعه تطبیقی انجام داده اید؟

بعد عرفانی، معنوی و غیرمادی در ادبیات جنگ ایران بارز و برابم بسیار جالب است و باید تدریس شود. اما این موضوع در ادبیات جنگی؛ انگلیسی، آلمانی و روسی زبان دیده نمی شود.

کتاب هایی که از ادبیات جنگ ایران ترجمه کرده اید، به شما پیشنهاد شدند یا پس از مطالعه، آنها را انتخاب کردید؟

برخی را مانند «سفر به گرای ۲۷۰ درجه» و «شطرنج با ماشین قیامت»، به من پیشنهاد کردند. اما کتاب «۱۵» را خودم برای ترجمه انتخاب کردم.

چطور به این کتاب دسترسی پیدا کردید؟

در برخی کتابفروشی های ایرانی در آمریکا، این اثر موجود بود. متوجه شدم هیچانی برای این کتاب به وجود آمده و نظر مخاطبان بسیاری را به خود جلب کرده است. از این رو خواستم نکات جالب این کتاب را دریابم.

نکات جالب این اثر برای شما چه بودند؟

این که مردان به زنان می گفتند شما نمی توانید به جبهه بروید؛ اما این زن (راوی کتاب «۱۵») به جنگ رفت، این موضوع برابم جالب توجه بود. البته نه از نظر فمینیستی؛ به این دلیل که اینجا اعتماد به نفس و استقامت زنی را نظاره گریم که کارهای سختی را که دیگران از انجام آنها سرباز می زدند، انجام داده است.

چه شد که تصمیم گرفتید، این آثار را به دانشجویان تان ارائه دهید؟

در آمریکا، کتاب های بسیاری مربوط به دوره قبل از انقلاب ایران وجود دارند. برای مثال؛ من کتاب های «یکی بود یکی نبود» اثر محمدعلی جمالزاده و

## پنجره تماشای «محمد بروجردی» کوچک است

مریم اسدی جعفری؛ حسین فتاحی یکی از داستان نویسانی است که تا کنون، دو عنوان کتاب درباره شهید محمد بروجردی نوشته و منتشر کرده است.

وی شخصیت شهید بروجردی را در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی و در دفاع از کردستان در برابر گروهک های ضد انقلاب و جنگ تحمیلی، تاثیر گذار می داند و معتقد است که شهیدانی چون محمدابراهیم همت و مهدی باکری، با وقوع جنگ شکوفا شدند. اما شهید بروجردی، جزو شهدایی است که در مبارزات انقلابی نیز شرکت

«تکه ای از آسمان» و «روزی، روزگاری... مردی» این موضوع را به تصویر کشیده ام.»

حسین فتاحی، با ارزیابی دیگر کتاب های نوشته شده درباره شهید محمد بروجردی، گفت که بیشتر این آثار، معرف شخصیت شهید بروجردی اند. وی به کتاب «مسیح کردستان» نوشته نصرت الله محمودزاده، اشاره کرد و اظهار داشت که مسیح، نماد مردم دوستی و محبت در حل مشکلات، از طریق گفت و گو است و این خصوصیات، در شخصیت شهید بروجردی متبلور بوده اند.

این نویسنده، آثار چاپ شده درباره محمد بروجردی را تنها روزنه ای کوچک به شخصیت این شهید می داند و تاکید می کند که با توجه به بازه زمانی حضور شهید بروجردی در بستر تاریخ انقلاب و جنگ، جای یک رمان چند جلدی در این زمینه خالی است.

داشته است. خالق کتاب «تکه ای از آسمان» قهرمان پروری را یکی از کارکردهای ادبیات می داند و خاطر نشان می کند که این قهرمانان، یا خیالی اند یا بر اساس شخصیت های واقعی، بازسازی می شوند. شهید بروجردی، جزو گروه دوم است و قطعا ابعاد گسترده وجودی وی، ظرفیت جای گیری در ادبیات کودک و نوجوان و بزرگسال را داراست. این داستان نویس، تفکر تشکیلاتی محمد بروجردی را می ستاید و یادآور می شود: «او در نزدیکی شدن ارتش به مردم در کردستان، نقش بسزایی داشته است. در واقع، آموزشی و کلاسیک بودن تشکیلات ارتش، فرماندهان این نیرو را برای جنگ شهری آماده نکرده بود به همین سبب، بروجردی با روحیه تشکیلاتی خود، این مشکل را رفع کرد و باعث پیوند بین مردم و ارتش شد. چون در آن دوران، تشخیص ضد انقلاب از مردم عادی، امری بسیار دشوار بود و من در دو کتاب



تاملی بر ویراست جدید فرهنگ فارسی عمید

# احترام به فرهنگی ماندگار



سال وفات حسن عمید چشم داشتند تا فرهنگ او را با بدترین کیفیت به دست حروفچین بسپارند و البته چند چاپ متفاوت هم از این کتاب از سوی عده ای ناشرنماهای کتابفروشی هاشد که در اولین بررسی ها مشخص است که کار پر از غلط و با بی دقتی منتشر شده است و علاوه بر این کوچک ترین اجازه ای از خانواده مرحوم عمید نگرفته اند و حتی هزینه ای هم برای تهیه اثر نپرداخته اند.

از آنجا که این فرهنگ همواره در ذهن مخاطبان به عنوان یکی از فرهنگ های ماندگار زبان فارسی شناخته می شود، امید است که بررسی و اظهار نظر متخصصان و مراکز مختلف فرهنگی و اطلاع رسانی درست، باعث ایجاد قدرت تشخیص کیفیت این اثر برای عموم مردم باشد تا بتوانند سره را از ناسره تشخیص بدهند تا ناشرانی که دغدغه فرهنگ دارند، پاداش تلاش خود را در انجام کارهای پژوهشی ارزشمند دریافت کنند و از جفای به خریداران فرهنگ فارسی هم جلوگیری شود.

عمید ویراست جدید فرهنگ فارسی همراه با CD را انتشارات اشجع با همکاری انتشارات میکایل در ۱۳۲۸ صفحه و قیمت ۱۴۵۰۰ تومان در سال ۱۳۸۹ منتشر کرده است.

را درون علامت پراگماتیک شکسته (بازه) قرار داده اند و با قلم کوچک تر آنها را متمایز کرده اند. برای مثال ذیل مدخل «پیراستن» کلمات «پیراییدن، پیراهیدن» قرار دارد که به معنی پیراستن نیست، بلکه صورت دیگری از آن است؛ لذا این موارد به داخل پراگماتیک شکسته منتقل شده اند. از دیگر ویژگی های این فرهنگ استفاده نکردن از اختصارهاست. به این معنی که تمامی اختصارهایی را که معمولاً در فرهنگ ها مشاهده می شود باز کرده اند. برای مثال در اغلب فرهنگ ها برای نشان دادن هویت دستوری صفت از حرف «ص» استفاده شده است، در حالی که در ویراست جدید آن را به صورت کامل آورده اند.

علاوه بر این، برای نخستین بار از رسم الخط پیشنهادی فرهنگستان زبان و ادب فارسی در این فرهنگ استفاده شده و برخلاف دیگر فرهنگ ها از اعمال سلیقه شخصی در رسم الخط خودداری شده است. استفاده از ارجاع از دیگر کارکنان مهم فرهنگ های امروزی است که در ویراست جدید عمید نیز این مورد انجام شده است. همچنین ارجاع مداخل کم کاربردتر به مداخل پر کاربردتر و جدیدتر هم مدنظر بوده است که برای تفکیک معانی مختلف یک مدخل از شماره گذاری استفاده شده و معانی جدیدتر را قبل از معانی قدیمی تر قرار گرفته اند تا مراجعه کننده به فرهنگ، سریع تر به معانی جدیدتر دسترسی پیدا کند و در عین حال، با سیر تغییر معنایی واژه در طول تاریخ به صورت تقریبی آشنا شود.

## جفا به خریداران فرهنگ فارسی

انتشارات اشجع، ویراست جدید فرهنگ عمید را در حالی منتشر کرد که برخی ناشرنماها به سی امین

و بر اساس کتاب های معتبر دستور زبان فارسی اصلاح شده اند. علاوه بر این، تمامی ریشه شناسی های موجود در کتاب تا حد امکان و با توجه به فقدان کتاب های معتبر در این حوزه بازبینی شده است. چنان که مشخص است، اصلاح تعریف نگارگری ها، یکدست سازی و امروزی کردن آن دشوارترین قسمت ویرایش این فرهنگ بوده است. برای مثال تلاش شده است در تعاریف مدخل ها از لغات امروزی استفاده شود. از سوی دیگر، هزاران معنی هم به مداخل اضافه شده و بسیاری از معانی نامتداول در تاریخ زبان و ادب فارسی حذف شده است. در ویراست جدید فرهنگ فارسی عمید که همراه با CD است، از آوانویسی لاتین به جای اعراب گذاری استفاده شده و مداخلی که دارای یک صورت نگارش و تلفظ متفاوت بوده اند از یکدیگر تفکیک شده است. علاوه بر تمامی این موارد، حوزه کاربرد یا حوزه معنایی که شامل علوم می شود نیز به هر لغت افزوده شده است؛ مواردی مانند پزشکی، نجوم، حقوق و زیست شناسی. به همین ترتیب گرایش زبانی ای که شامل قدیمی، مجاز، منسوخ، و عامیانه است هم به آن اضافه شده است. از سوی دیگر، شواهد متعددی به شواهد کتاب افزوده شده و برای هر شاهد به منبع مورد نظر رجوع شده است و روبروی هر شاهد نام شاعر و شماره کتاب هم درج شده است.

## استفاده نکردن از اختصارها

در ویراست جدید فرهنگ حسن عمید، صورت های متفاوت سردمخل که داخل مدخل و بدون هیچ علامت ممیزه ای در کنار معانی قرار داشت

تالیف کتاب های مرجع، به ویژه دانشنامه ها و فرهنگ ها همواره نشان دهنده اهتمام و علاقه ملت ها به افزایش آگاهی مردم آن جوامع بوده است. اما در کنار تالیف فرهنگ های جدید، ویرایش روزآمدسازی فرهنگ های ارزشمند پیشین نیز از اهمیت برخوردار است. این امر که در جوامع غربی به یک صفت تبدیل شده است، افزایش اعتبار و همگام کردن فرهنگ ها با پیشرفت های به دست آمده در فرهنگ نویسی را در بر داشته است. در جامعه ما نیز کمابیش ویرایش و اصلاح فرهنگ ها به چشم می خورد. از این میان دو نوبت بازبینی «لغت نامه دهخدا» در سال های ۷۳ و ۷۶ و چندین بار ویرایش «فرهنگ فارسی امروز» را می توان نام برد که در این بین نیز می توان به کار انتشارات «اشجع» با گروهی از پژوهشگران جوان برای ویرایش «فرهنگ عمید» اشاره کرد. در این راستا انتشارات اشجع شیوه نامه ای مفصل را تدوین کرد و در پی آن با بازماندگان مرحوم حسن عمید برای کسب اجازه وارد مذاکره شده است و پس از تشریح کار شیوه خانواده مرحوم عمید نیز، به ویژه در نگارش زندگی نامه مولف، نهایت همکاری را با این انتشارات داشته اند.

## حذف بخشی از مداخل فرهنگ

در ویرایش جدید این فرهنگ، اصلاح پیکره فرهنگ انجام شده است. بدین معنی که برای حفظ سر مدخل، ملاحظه شاهد و یافتن آن در متون را ملاک قرار داده اند. در نتیجه نزدیک به بیست درصد از مداخل فرهنگ حذف شده است؛ مداخلی که تقریباً در تاریخ زبان فارسی سابقه کاربرد نداشته اند. همچنین هویت های دستوری کتاب بازبینی شده

## معرفی کتاب

### نشان و نشانه شناسی به روایت کرمانشاهان



گرافیک پدیده ای مدرن است که در بستر سرمایه داری صنعتی رشد می کند. بنابراین رشد گرافیک یعنی رشد صنعت و سرمایه داری صنعتی. از دیگر سو این رشد نسبتی غیر قابل انکار با مفاهیم دیگر جهان نو دارد. به بیان دیگر؛ آدمی در جهانی از مفاهیم پیوسته زیست می کند که تمام مفاهیم آن در نسبتی اندام وار عمل می کنند. رویکرد امروزی جهان نو

به بازیابی هویت بومی دغدغه ای است که اکنون ذهن و زبان بسیاری را به ویژه در سرزمین های صاحب تمدن کهن. چون سرزمین ما. مشغول کرده است. از همین رهگذر است که در چند سال گذشته نشریات و کتاب هایی منطقه ای با موضوعات فرهنگی منتشر می شوند. اینها گام هایی اند برای بازیابی و نوسازی هویت قومی و در نگاهی کلان تر، هویت ملی. کتاب نشانه به سر قطعه ای از این جورچین است. کتاب «نشانه به سر» مجموعه طراحی نشانه، از ۴۸ طراح است که در کرمانشاهان زاده یا زیسته اند. محتوای کتاب دقیقاً از روی جلد شروع می شود، زمانی که با بیانی طنزانه نشانه را چنین توصیف می کند: «پرنده اسطوره ای گرافیک، مرغ هویت بخش، گویند هر جا که پر گشاید بر معنا افزاید. نشانه گاه افزون از هزار موعظه دارد.» این قالب شکنی در صفحه «بسم الله» کتاب نیز رخ می نماید. «بسمه تبارک و تعالی» سطر ای از میرزا محمد رضا کلهر، خوشنویس بلند آوازه عصر قاجار با معرفی کوتاهی از این هنرمند. این انتخاب، هوشمندانه سابقه گرافیک کرمانشاه را به عصر ناصری می رساند.

مقدمه کتاب از فرزاد ادیبی، طراح نام آشنای سنقرزاد و تهران زوی است. ادیبی در متنی ادیبانه، دیداری مکاشفه ای با میرزای کلهر را روایت می کند؛ دیداری در فضایی رویایی که نویسنده کلمات و درد

و درخشش را از زبان میرزای کلهر به مخاطب می گوید. دریغ از آن همه سابقه درخشان در برابر امروز و وضعیت حاضر.

نوشتار دومین کتاب با عنوان نشانه را بهرام کلهر نیا تحریر کرده است. کلهر نیا ابتدا از معنای نشانه و نشانه شناسی می گوید و اینچنین طرح می کند که: «نشانه و نشانه خوانی، ویژگی در انحصار انسان نیست. جانوران و شاید حتی گیاهان نیز برای حل دشواری های رایج زندگی شان و باز برای برقراری ارتباط با هم نژادان و حتی سایر انواع موجودات از رسایی و نیروی نشانه ها و رفتارهای نشانه ای سود می جویند.»

کلهر نیا معتقد است که تفاوتی اساسی میان نشانه گرایی انسان ها و سایر جانداران موجود است و آن همانا بدعت و بداعت در نشانه است. آدمی می خواهد جهانش را تسخیر کند و در پی آگاهی برمی آید و از اینجاست که برای یافتن پاسخ های خود به بدعت می رسد. اما گرایش دوسویه انسان ایرانی که از یک سو به حفظ و باز تولید نشانه های میراثی مصمم است و از دیگر سو همچون هر انسانی دیگر، نوآور و خلاق است، پرسشی است که کلهر نیا جوابش را از فرزانگان می طلبد. مزدک شکری کیانی، سومین نوشتار کتاب را با عنوان «نشان و نشانه سازی به روایت کرمانشاهان» نوشته است. او ابتدا درباره معنای نقش و نشانه سخن می گوید و پس از بیان این که نقش و نقشمایه های گذشتگان می تواند دستمایه طراحان امروز برای خلق نشانه ها باشد تاریخ کوتاهی از چاپ و طراحی در کرمانشاه به دست می دهد. این تاریخچه از عصر قاجار شروع می شود و به تاسیس روزنامه های محلی در آن عصر اشاره می کند. کیانی آغاز گرافیک به معنای امروزی را از میویون بهرام کلهر نیا و مرحوم مرتضی شریفی و استادانی همچون وی می داند که با تاسیس هنرستان هنرهای تجسمی پسران کرمانشاه فصلی دیگر در گرافیک این منطقه را رقم زدند. نویسنده در پایان گفتارش پاره ای از نقش ها، نقش مایه ها، مهرها و نشان ها را به توالی می آورد. گویی با این ترتیب می خواهد پیوستگی معنایی و صورتی این تصاویر را تداعی کند.

می توانیم کتاب «نشانه به سر» را، شناخت نامه طراحان کرمانشاهان بنامیم. این که چرا صرفاً نشانه ها در این مجموعه گردآمده اند، شاید

دو ریشه داشته باشد. از یک سو اهمیت نشانه و دشواری طراحی این جنس از طراحی گرافیک در برابر دیگر انواع آن خود مقوله ای است که با توجه به نوشتار آغازین کتاب به ذهن می رسد. نشانه می باید در کوتاه ترین زمان و با شیواترین زبان پیامش را برساند. حالا این را اضافه کنیم به محدودیت های ذاتی اش. یعنی نشانه های چاپی غالباً محدودیت رنگ و خاکستری دارند. می بایست با کم ترین عناصر سخن بگویند. طبیعتاً همواردی در این میدان کاری است کارستان. از دیگر سو شاید محدودیت منابع مالی، مجموعه را به این سمت کشانده که کتابی کم هزینه منتشر کنند.

تمام آنچه آمد به اضافه یک نکته ما را در برابر کتابی حرفه ای قرار می دهد و آن نکته گرافیک زیبا، ساده و کارآمد کتاب است. طراح کتاب بی آن که بخواید توانایی هایش را به رخ بکشد از تمام امکانات بیشترین بهره را برده و در عین سادگی مخاطب را به تماشا دعوت می کند.

اما فارغ از کیفیت آثار منتشر شده، این اثر به لحاظ کتاب سازی از نقایصی نیز خالی نیست. شاید نخستین و مهم ترین نقص نبود اطلاعات کافی از طراحان و آثارشان باشد. زمانی که در آغاز بخش آثار می خوانیم که در این کتاب آثار کسانی را می بینیم که در کرمانشاه به دنیا آمده اند یا در آنجا زندگی کرده اند، مسلماً برایمان اهمیت خواهد داشت که مولد طراحان را بدانیم. دو دیگر آن که؛ مخاطب حرفه ای این کتاب می توانست از میان طراحان حاضر کسانی را برای سفارش دادن انتخاب کند. این در شرایطی بود که نشانی و شماره ای از طراحان در کتاب آمده بود. در حقیقت این کتاب می توانست به عنوان یک راه ارتباطی میان بازار و طراحان کرمانشاهی عمل کند. نکته دیگری که شایسته توجه بود، تجربی و یا چاپی بودن آثار است. با مشخص کردن این نکته مولفان می توانستند عیار حرفه ای بودن طراحان را مشخص کنند. نکته ای حاشیه ای نیز وجود دارد که نه تنها دامن گیر این کتاب، بلکه دست در گریبان اغلب کتاب های گرافیکی ایران است و آن حضور نداشتن ویراستاری کارآزموده در همراهی گروه تالیف است. بسیاری از کتاب های گرافیکی ایران مملوند از اغلاط ویرایشی و حروف نگاری و این نکته ای نیست که بتوان به راحتی از کنارش گذشت.



کوتاه به مناسبت یکم خرداد: روز بزرگداشت ملاصدرا

# دانشمندی از قدیمی ترین محله شیراز

به شیراز بازمی گردد و تا پایان عمر در همان مدرسه به تدریس مشغول می شود و با حضور ملاصدرا، مدرسه خان مهم ترین مدرسه ایران می شود. ملاصدرا هفت بار پای پیاده به مکه مکرمه مشرف شد و مرگش نیز در پایان یکی از همین سفرها رقم خورد. او در بازگشت از هفتمین سفر، در بصره سال ۱۰۵۰ هجری قمری درگذشت.

بیشتر کارشناسان با توجه به این سیر، زندگی ملاصدرا را به سه دوره آموزش در شیراز و اصفهان، کشف و شهود در کهک قم و تدریس در شیراز تقسیم می کنند. مشهورترین شاگردان ملاصدرا؛ دو داماد او، یعنی ملا محسن فیض کاشانی (نویسنده «سراج السالکین»، «وافی»، «شافی»، «نوادر» و «المعارف») و مولا عبدالرزاق لاهیجی (نویسنده «شوارق»، «تعلیقات بر شرح اشارات»، «شرح هیاکل النور سهروردی»، «حواشی بر تعلیقات خضری» و «تفسیر لاهیجی») بوده اند. ملاصدرا در طول زندگی اش بیش از پنجاه کتاب تالیف کرد؛ از جمله:

«الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه»، «مفاتیح الغیب»، «سراج آیات»، «التعلیق علی الهیات الشفاء»، «شرح اصول کافی»، «المشاعر»، «ایقظ القلبیه»، «رساله فی الحشر»، «رساله فی انصاف الماهیه بالوجود»، «رساله فی التشخص»، «رساله فی الحدوث»، «رساله فی القضاء و القدر»، «رساله فی سیران الوجود»، «رساله مسماه باکسیر العارفین»، «تفسیر القرآن الکریم»، «رساله العرشیه»، «المظاهر الالهیه»، «مثنیهایات القرآن»، «المسائل القدرسیه (الحکمه القدرسیه، القواعد الملکوئیه- طرح الکونین»، «أجوبه مسائل بعض الخلان»، «الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه»، «المبدأ و المعاد»، «زاد المسافر (زاد السالک)» و «رساله فی اتحاد العاقل و المعقول». ملاصدرا را باید در سلك شاگردان بزرگ شیخ بهایی، میرداماد و میرفندرسکی جای داد که روح دیگری به حیات علوم اسلامی دمیدند. او شاگردانی چون علامه مجلسی (مجلسی اول)، ملاصادق اردستانی، محمدباقر سبزواری، آقا حسین خوانساری، میرزا رفیعی نائینی، شیخ رجبعلی تبریزی، شمس الدین جیلانی، میرلوحی، قطب الدین شکوری و زلالی خوانساری را نیز پرورش داده است.



والایی داشت و حتی کتابی به نام «جوگ باسشت» را درباره عرفان هند، از سانسکریت ترجمه کرده بود. پس از این مراحل است که ماجراهای معروف حسادت علمای دربار شاه عباس پیش می آید و صدرا اصفهان را به مقصد روستای کهک قم ترک می گوید. او بنا به برخی روایات هفت سال و بنا بر برخی دیگر، پانزده سال در کهک می ماند و بخش عمده ای از کارشناسان، نائل شدن ملاصدرا به مرتبه کشف را مولود اقامتش در روستای کهک طی همین سال ها می دانند. خودش درباره این دوره نوشته است: «موزی بر من کشف شد که بابرهان و دلیل امکان پذیر نبود؛ بلکه آنچه پیش از آن توسط برهان عقلی فرا گرفته بودم با جزئیات بیشتری از راه شهود و بالعیان دیدم.» در این موقع، الله وردی خان، والی فارس مدرسه ای در شهر شیراز بنا می کند که به مدرسه خان معروف در آن مدرسه دعوت می کند.

الله وردی خان، سپهسالار شاه عباس صفوی است که جدا از مدرسه خان، یکی از شاهکارهای معماری اسلامی نیز با نظارت و هزینه او بنا شده است؛ شاهکاری که همه ما می شناسیم؛ «سی و سه پل اصفهان». شاه عباس اجازه صادر می کند و ملاصدرا

که شیخ بهایی شود. محمد در مکتبخانه کتاب «الموزج» را که دیگر کودکان طی یک سال می خواندند، در سه هفته خواند. پس از پایان این دوره، پدرش می گفت من می خواستم محمد سواد خواندن و نوشتن بداند که بتواند دستک های حجره را بنویسد و نیاز به محرر (نویسنده) نداشته باشم و اینک که می تواند بخواند و بنویسد تحصیل او را کافی می دانم، اما سرانجام با پادرمیانی معلمان و بزرگان شهر، ابراهیم اجازه داد محمد مقطعی دیگر را تحصیل کند. بدین گونه است که عبدالرزاق ابرقویی، دومین معلم ملاصدرا می شود و محمد صرف و نحو را نزد او می آموزد.

عبدالرزاق نیز پس از مدتی تدریس به محمد، به پدرش می گوید من از درس دادن به فرزند تو لذت می برم؛ چون آینه ذهن او آنقدر صیقلی است که هر چه یک مرتبه در آن منعکس شود، ضبط می شود. حس می کنم به زودی زمانی خواهد رسید که شیراز برای پسر تو تنگ شود و او باید به جایی برود که بتواند در آنجا استعداد خود را بهتر به کار بگیرد.

نتیجه این احوال، بزرگ ترین شهر آن روزگار و پایتخت صفویان می سازد و در آنجا به شاگردی سه تن از بزرگ ترین علمای عصر؛ میرداماد (نویسنده آثاری چون قیسات حق الیقین فی حدوث العلم، جذوات و مواقیت، افق المبین فی الحکمه الالهیه، ایماضات و تشریفات فی حدوث العالم و مقدمه، مشرق الانوار، تقویم الایمان، میرفندرسکی (صاحب آثاری چون حقایق الصنایع، رساله فی الحرحه، رساله در تشکیک، رساله در کیمیا و حواشی بر جوگ باسشت) و شیخ بهایی (صاحب آثاری چون جامع عباسی، الزبده فی الاصول، اربعین، مثنوی سوانح الحجاز و کشکول) می پردازد.

نخستین فرد از این سه که صدرا در مدرسه خواجوی اصفهان به شاگردی اش در می آید؛ شیخ بهایی است. صدرا از او علوم منقول را آموخت و از او اجازه اجتهاد گرفت و پس از آن به شاگردی میرداماد درآمد.

نگاه میرداماد بیشتر فلسفی بود و تأثیر بسیاری بر ملاصدرا گذاشت. سومین استاد، ابوالقاسم میرفندرسکی بود که در عرفان و ریاضیات مقام

صدر المتألهین، ملاصدرای شیرازی، بنیانگذار حکمت متعالیه، محمد بن ابراهیم شیرازی، بنا به روایت ها در یکی از دو سال ۹۷۹ یا ۹۸۰ هجری قمری در شیراز متولد شده است. البته تاریخی که بیشتر مورخان بر صحت آن تاکید دارند، نهم جمادی الاول سال ۹۸۰ هجری قمری است. محله ای که او در آن متولد شد، محله قوام، از کهن ترین محله های شیراز است که آب انبار بسیار معروفی به نام آب انبار آستانه (قوام) هم در آن وجود دارد و از جاذبه های گردشگری شیراز به شمار می رود.

پدر ملاصدرا، ابراهیم بن یحیی قوامی از وزرای دولت صفوی و مردی با نفوذ و ثروتمند بود. او کمر همت به تربیت محمد بست و از همان آغاز دانش آموزی او را زیر نظر استادان یگانه عصر قرار داد. هانری کرین می نویسد: «خواجه ابراهیم بازرگان بوده و در خرید و فروش مروارید، شکر بنگال و شال کشمیری فعال بوده است.» کرین تاکید می کند که خواجه ابراهیم گاه گاه برای به دست آوردن مروارید به جایی به نام «مغاص لولو» واقع در بحرین می رفته است. «مغاص» را در فارسی استفاده می کنیم و آن، واژه «غواص» را در فارسی استفاده می کنیم و «مغاص» یعنی جای فرورفتن در آب.

سیر تحصیل ملاصدرا بدین ترتیب است که در آغاز، پدرش او را به مکتبخانه ای در محله قوام نزد ملا احمد می برد. محمد دو سال در این مکتبخانه خواندن و نوشتن و قرائت قرآن را فرا می گیرد. سپس او را به یک معلم خانگی به نام ملا عبدالرزاق ابرقویی می سپرند تا به محمد صرف و نحو بیاموزد. در تاریخ این گونه ثبت شده که هر چه را آموزگار یک مرتبه برای او می خواند، او حفظ می کرد و ضرورت نداشت که مطلبی دو بار برایش تکرار شود. حافظه نیرومند صدرا، کوچک به قدری ملا احمد را متحیر کرده بود که روزی هنگام عبور ابراهیم (پدر صدرا) از مقابل مکتبخانه، به ابراهیم گفت برای فرزند خود دعای جلوه گیری از چشم زخم فراهم کند. ملا احمد گفته است از روزی که مکتب داری می کند، طفلی ندیده است که به این اندازه برای تحصیل استعداد داشته باشد و اگر به تحصیل ادامه دهد مانند شیخ بهایی خواهد شد. البته و متأسفانه ابراهیم می گوید پسر من اگر یک تاجر خوب شود بهتر از این است

به مناسبت ششم خرداد: سالمرگ ادیب نیشابوری

## مروری بر مهم ترین آثار درباره ادیب ثانی

که همزمان با او می زیسته است، با عنوان «ادیب ثانی» هم یاد می شود. مهم ترین کتابی که درباره ادیب منتشر شده است، «زندگی و شعر ادیب نیشابوری» به کوشش یدالله جلالی پندری و با مقدمه محمد رضا شفیع کدکنی است. این اثر از نخستین کتاب هایی است که به زندگی ادیب پرداخته است. جلالی پندری، ویراست دیگری از این کتاب را پس از ۱۰ سال در سال ۱۳۷۷ از سوی همان انتشارات (چاپ و نشر بنیاد) به چاپ رساند. علی عبدالرسولی و عباس زرین قلم خراسانی نیز در سال های دور چاپ هایی از دیوان ادیب را به دست داده اند.

از این بین، نسخه زرین قلم با نام «لالی مکتون»



ادب فارسی بود. بدیع الزمان فروزانفر در جوانی، پیش از آن که به تهران بیاید و از ادیب پیشاوری نجوم و علوم قدیمه بیاموزد، در مدرسه نواب مشهد دوازده روز نزد ادیب نیشابوری می نشست و ادبیات عرب می آموخت و معنی و مطول می خواند و افتخار می کرد که امور روزمره حجره استاد را خود انجام می دهد.

محمد پروین گنابادی، ملک الشعراء بهار، علی اکبر فیاض و بسیاری دیگر از استادان زبان و ادب فارسی و عربی، شاگردی ادیب ثانی را از بزرگ ترین افتخارات خود می دانستند.

نگاهی به مهم ترین کتاب ها درباره ادیب ثانی از ادیب نیشابوری به اعتبار وجود ادیب پیشاوری

اهمیت ادیب نیشابوری که متأسفانه امروز در نشریات بسیار کم درباره اش می خوانیم، از دو جهت است؛ نخست، شیوه تدریس و شاگردانی که پرورش داد و از رهگذر همین پرورش شاگرد، نقشی تعیین کننده در جهت گیری ادبیات فارسی در عصر بعد داشت؛ به ویژه در فعالیت های شاگردانش در فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بنیاد لغتنامه دهخدا و تأسیس دانشکده ادبیات دانشگاه تهران و دوم، شعر او که در حاشیه شعر عصر مشروطیت قرار می گیرد و با این حال بنا به پژوهشی که دکتر شفیع کدکنی انجام داده، در کنار شعر ادیب پیشاوری، حاشیه ای قدرتمند و فرمالیستی برای شعر مشروطه محسوب می شود.

از آنجا که ادیب در کودکی بر اثر ابتلا به بیماری آبله در نیشابور، بینایی یک چشم خود را کاملاً از دست داد و چشم دیگرش نیز با درصد بالایی نابینا شد، از او تالیفات چندانی باقی نمانده است. به همین دلیل است که امروز انجمن نابینان این شهرستان، نام ادیب نیشابوری را بر خود دارد.

ادیب نیشابوری، استاد بسیاری از بزرگان زبان و



مهتاب کامرانی

محمد جعفری قنواتی، متولد سال ۱۳۳۷ ماهشهر، تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش به پایان رساند. در تهران لیسانس ادبیات گرفت و فوق لیسانس و دکتری خود را در رشته فولکلور در تاجیکستان دنبال کرد. اولین مقالاتش سال‌های ۷۰ در مجلات مختلف منتشر شد. از قنواتی تاکنون کتاب‌های «روایت‌های شفاهی هزار و یک شب»، «دو روایت از سلیم جواهری» و «قصه‌ها و افسانه‌هایی از گوشه و کنار ایران» منتشر شده و تحقیق درباره حکایت‌های «جامع‌الحکایات» و قصه‌های «مثنوی مولوی» را در دست انتشار دارد. قنواتی از جمله معدود فولکلوریست‌هایی است که به‌طور آکادمیک در این رشته تحصیل کرده است. گفت‌وگو با او را بی‌هیچ مقدمه‌ای درباره همین موضوع آغاز می‌کنیم.

گفت‌وگو با دکتر محمد جعفری قنواتی محقق و فولکلوریست

# ادبیاتی‌های ما، اساطیر یونان را بهتر از اساطیر ایران می‌شناسند

مضمون مذهبی دارد و هم راوی و هم مخاطب درباره این که به اصطلاح این واقعی است اشتراک نظر دارند.

مثلاً قصه‌هایی که درباره حضرت علی (ع) یا ائمه می‌گویند.

بله. این قصه‌ها هر چقدر هم خارق‌العاده باشند یا هر چقدر هم غیرواقعی جلوه واقعی هستند. هیچ وقت امکان ندارد در پایان قصه‌ای که درباره حضرت علی (ع) گفته می‌شود، راوی بگوید «بالا رفتیم ماست بود پایین آمدیم دوغ بود قصه ما دروغ بود».

که در ادبیات کتبی البته قصه و افسانه مترادف تلقی می‌شدند.

بله. در «هرزبان‌نامه» هم قصه استفاده می‌شود هم افسانه. یا در «کلیله و دمنه» می‌گوید این قصه را به این دلیل گفتم که... یا در کتاب‌های مختلفی مثل «سندبادنامه» یا «هزار و یک شب» در «مثنوی معنوی» هم اینها مترادف به کار برده می‌شود. اما وقتی می‌خواهد یک متن مذهبی را مطرح کند برایش افسانه به کار نمی‌برد. برایش داستان به کار نمی‌برد، برای چنین متنی فقط قصه به کار می‌برند.

یعنی ما قصه‌ای نداریم که وجوهی از افسانه در آن باشد؟

چرا هست. یک قصه‌ای ممکن است وجوه افسانه‌ای هم در آن باشد یا افسانه‌ای بشنود که شخصیت‌های واقعی و تاریخی در آن وجود داشته باشد. این تأثیرپذیری گونه‌های ادبی از همدیگر است. مثلاً ممکن است در یک قصه عنصر سحر هم وجود داشته باشد. این تأثیر افسانه بر قصه است، یعنی ذهن افسانه‌پردازی که آن قصه را خواسته روایت کند آنچنان سرشار از افسانه بوده که به اصطلاح حقیقت می‌شود.

درباره دروغین بودن افسانه گفتید. آیا شاخصه خاصی در شروع افسانه‌ها وجود دارد که از دیگر انواع ادبیات شفاهی تمییز داده شود؟

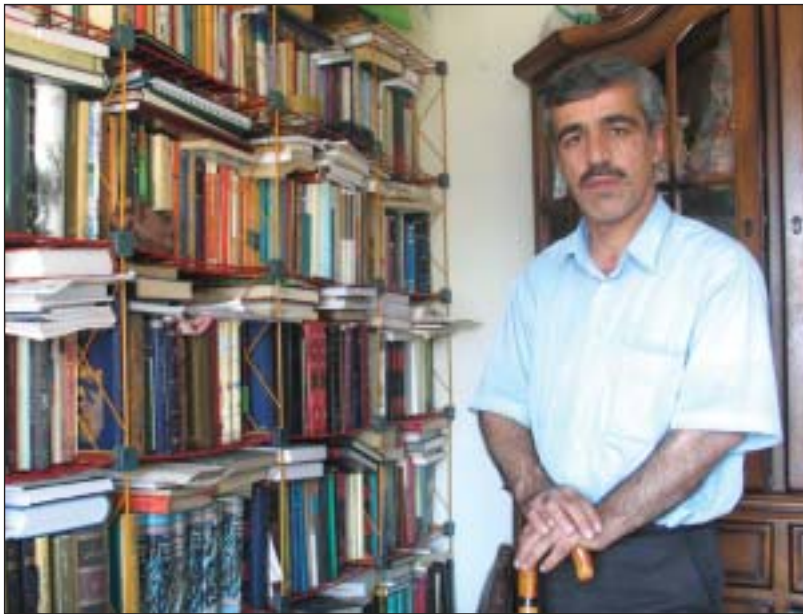
معمولاً ساختار افسانه به این صورت است که یک ابتدا دارد و یک انتها و گزارش متن معمولاً به این ترتیب است که در فرهنگ‌های مختلف شکل‌های مختلف پیدا می‌کند. رایج‌ترین شروع‌ها در ایران «یکی بود یکی نبود» است که دقیقاً در عربی ترجمه شده به «کان ما کان».

یعنی عرب‌ها از ما گرفته‌اند؟

تصور من این است که عرب‌ها از ما گرفته‌اند که به دلیل آن دوره ترجمه‌پذیری تصور رادارم. اگر فرصت شد، روزی درباره تأثیرپذیری افسانه‌های عربی از افسانه‌های فارسی مقاله‌ای خواهم نوشت.

مثالی از افسانه بفرمایید.

مثلاً «ماه پیشونی». ماه پیشونی مشخص است که نمی‌تواند موضوعی واقعی باشد. خود راوی هم نمی‌تواند روی واقعی بودن این موضوع تأکید کند. مخاطب هم همین‌طور و در پایان هم می‌گوید «بالا رفتیم ماست بود، پایین آمدیم دوغ بود، قصه ما



با فولکلور به چه ترتیب است؟

در تاجیکستان ادبیات شفاهی را دقیقاً معادل فولکلور استفاده می‌کنند و این نشان‌دهنده نقش و اهمیت ادبیات شفاهی است، در حالی که در ایران از چند نفر معدود مثل مرحوم محجوب اگر بگردیم، کسی به‌طور علمی با این مقوله برخورد نکرده است.

این ادبیات شفاهی در واقع می‌تواند سکوی پرش ادبیات رسمی بشود که خیلی وقت‌ها هم بوده.

دقیقاً. چون گونه‌های ادب شفاهی مورد توجه قرار نگرفته است و فقط به صورت خیلی کلی امثال را جدا کرده‌اند و متن‌های روایی و شعر را جمع کرده‌اند. این که واقعا این متن‌های روایی چه تفاوت‌هایی با هم دارند و افسانه با قصه چه تفاوتی دارد، کاری درباره آنها صورت نگرفته است.

افسانه چیست و قصه کدام است؟

افسانه یک گونه خاص ادبی است که عمدتاً روی جعل واقع است، یعنی به معنای لغوی اش در حقیقت به دروغین بودنش توجه می‌شود. حتی در ابتدا و انتهای افسانه، هم راوی و هم مخاطب به این موضوع توجه می‌کنند. «یکی بود یکی نبود غیر از خدا هیچ کس نبود یک پادشاهی بود.» اگر غیر از خدا هیچ کس نبود خب پادشاهی هم نباید باشد. یا در انتهایش می‌گویند «بالا رفتیم ماست بود پایین آمدیم دوغ بود افسانه (یا قصه) ما دروغ بود.» بنابراین هم راوی و هم مخاطب در دروغین بودن اینها با هم اشتراک نظر دارند.

پس در اینجا افسانه‌ها به داستان امروزی شباهت نزدیک تری پیدا می‌کنند. نویسنده‌های معروف جهان می‌گویند ادبیات جعل است و داستان دروغ. بله. جعل است. داستان دروغ است، ولی قصه این‌طور نیست. قصه یک متن روایی است که عمدتاً

آقای قنواتی! فولکلور شامل چه مباحثی می‌شود؟ فولکلور دریای بی‌کران و وسیعی است که از یک طرف شامل آیین‌ها، آداب و مراسم، باورها و اعتقادات می‌شود و از سوی دیگر شامل مباحث دیگر. به تعبیر زیبای محمود کتیرایی از خشت تا خشت را شامل می‌شود، یعنی از زمانی که بچه متولد می‌شود تا زمانی که می‌میرد و او را سر خشت لحد می‌گذارند.

که خشت اول همان زایمان است.

بله. بچه سر خشت زایمان می‌شود. سابق بر این چنین بود. مادر را می‌گذاشتند روی خشت تا بچه روی خشت بیفتد و خشت آخر هم خشک سنگ لحد است.

این بخش فولکلور در واقع با مردم شناسی نزدیک است.

تقریباً. با مردم شناسی و انسان شناسی نزدیک است. یک بخش دیگر از فولکلور هم ادبیات را شامل می‌شود.

در واقع ادبیات شفاهی.

دقیقاً. به همین دلیل است که به اصطلاح ادبیات چی‌ها به فولکلور نزدیک می‌شوند و درباره فولکلور می‌نویسند؛ همان‌طور که مردم شناس‌ها، اما هر کس از زاویه خودش به این موضوع نزدیک می‌شود. مردم شناس از زاویه خودش می‌نویسد و طبیعتاً حتی اگر سراغ افسانه هم می‌رود به ادبیات شفاهی می‌پردازد و سعی می‌کند تحلیل‌های مردم شناسی ارائه کند. اما ادبیات چی‌ها کمتر به مسائل مردم شناسی توجه می‌کنند. واقعیتش این است که فولکلور یک علم جداگانه است و در بسیاری از دانشگاه‌های جهان کرسی مخصوص به خود را دارد.

یعنی در ایران چنین موضوعی اصلاً مدنظر نیست؟

هست، اما در حد چند واحد که در برخی رشته‌ها در دانشکده‌های علوم اجتماعی تدریس می‌شود و این البته جای تأسف دارد. ایران به چند دلیل از نظر فولکلور حائز اهمیت است؛ یکی این که ایران، کشوری است با سابقه تمدنی بسیار طولانی که مرکز ابداع بسیاری از افسانه‌ها بوده و بسیاری از قصه‌ها و مثل‌ها که در تعبیر عامه به ضرب‌المثل معروف است. هم از این جهت که تعبیر عامه به ضرب‌المثل معروف است، هم از این جهت که ایران، پل ارتباطی ادبیات شفاهی و فولکلور شرق به غرب به‌شمار می‌رود، چون نه تنها ادبیات شفاهی و فولکلور ایران به غرب منتقل شد، بلکه از طریق ایران، فولکلور هند هم به غرب منتقل شد.

منظور تان مثلاً قصه‌هایی است که نمونه‌های مکتوبش را در کلیله و دمنه و هزار و یک شب می‌بینیم؟

به‌طور کلی بخش غالب فولکلور هند از جمله قصه‌های کلیله و دمنه یا چیزهای دیگر از طریق ایرانی‌ها به غرب منتقل شد. اینها به پهلوی ترجمه و از پهلوی به عربی ترجمه شدند و از عربی به بخش

دروغ بود.»

### قصه های هزار و یک شب افسانه اند؟

تعدادی از قصه های هزار و یک شب البته این طور هستند و ناچاریم با اندکی تسامح هم افسانه و هم قصه بدانیم شان. مثلا افسانه «دیو ماهیگیر» که مرحوم هوشنگ گلشیری هم آن را بازنویسی کرده و در غرب به آن می گویند «غول در بطری» اما در واقع یک افسانه کاملا ایرانی است. در افسانه، عنصر سحر وجود دارد یا شخصیت های جادویی مثل دیو و پری که به آنها «افسانه های سحر آمیز» می گویند. افسانه معمولا به این صورت است که برای رسیدن به حقیقت باید از یک مرحله به مرحله دیگر عبور کرد. راوی می گوید حالا ملک محمد را بگذاریم و برویم سراغ دختر. یا شاه عباس را بگذاریم و برویم جای دیگر.

در داستان مدرن، شکست زمان موضوع قابل توجه نویسنده هاست که در چنین موضوعی که شما گفتید عینا می توان ردش را یافت. بله. این موضوع در ساختار افسانه وجود دارد.

### در قصه نیست؟

قصه یک متن روایی است. افسانه هم یک متن روایی است، اما قصه یک متن روایی است که مضمون مذهبی دارد و در ارتباط با اولیاء دینی است.

در واقع شخصیت هایی که هم راوی و هم مخاطب درباره شان اشتراک نظر دارند.

بله، نکته ای که در قصه های ابتدایی به این شکل نیست. حتی بسیاری از راویان وقتی می خواهند قصه روایت کنند می گویند در تاریخ نوشته است... شما فرمودید قصه فقط شامل مضامین مذهبی است. آیا قصه هایی مثلا درباره «شاه عباس» یا «حسن مصباح» یا «سلطان محمود» قصه به حساب نمی آیند؟

نه. اینها باز افسانه هستند. درباره شاه عباس افسانه های زیادی وجود دارد. نکته فوق العاده جالبی که هست این که بسیاری از افسانه هایی که درباره شاه عباس است قبل از او هم وجود داشته که به سلطان محمود منتسب بوده و قبل از سلطان محمود هم به هارون الرشید منتسب بوده اند. قبل از هارون الرشید هم به انوشیروان یا بهرام گور منتسب بودند. بررسی این موضوع که افسانه ای که به بهرام گور منتسب است، چرا در یک دوره تاریخی به هارون الرشید و بعد به سلطان محمود و بعد به شاه عباس منتسب می شود، جای توجه دارد. شاید یکی از دلایلی این باشد که مردم آن دوره، مثلا سلطان محمود از خاطر عمومی شان رفته باشد. به طور مثال، افسانه این که پادشاهی که با خدم و حشمش به شکار آمده از گروه دور می افتد و می رسد به باغی. آنجا طلب آب می کند، یک دختری می آید و نیشکر یا اناری را فشار می دهد و در یک جامی پر می کند و برای پادشاه می آورد. پادشاه با وزیرش بود، با لباس ناشناس. می گوید این را با چند تان نیشکر یا چند تا انار گرفتی؟ می گوید از یکی. می خورند و موقعی که برمی گردند به وزیر می گوید که مالیات این باغ چقدر است؟ می گوید مثلا صد تومان. می گوید خیلی کم است این را هزار تومان بکن. موقعی که برمی گردند تشنه شان می شود. از همان باغ آب می خواهند. همان دختر می آید ولی خیلی طول می دهد مثلا چندین برابر بار اول. وقتی که می آید جام میوه بوده. به او می گوید چرا آنقدر طول کشید؟ می گوید به خاطر این که این انارها یا نیشکرها خشک شدند. می گوید چرا؟ دختر می گوید فکر کنم فلان فلان شده شاه (چند تا فحش می دهد) نیتش برگشته از ما. همان لحظه شاه به وزیرش می گوید درست می گوید. همان مالیات سابق را از ایشان بگیرید. همان لحظه که نیت پادشاه باز هم تغییر می کند پدر دختر فریاد می زند که دختر بیا که آن نیشکرها یا انارها پر آب شدند. دختر دوباره برای شاه دعا می کند. شاه به ایشان می گوید که ما نفهمیدیم یک بار فحشش می دهی، یک بار دعایش می کنی. می گوید که آخر اگر شاه با ما بد باشد میوه ها خشک می شود، شیر گاو ها خشک می شود، آب در جویبارها خشک

می شود و قحطی به وجود می آید.

این افسانه تا آنجایی که من دنبال کردم اول بار در «شاهنامه» آمده و منتسب به بهرام گور است و به جای باغ، گاو است که شیر گاو خشک می شود. وقتی که بهرام می خواهد به آن خانواده ظلم کند. در «مصیبت نامه» عطار این ماجرا به سلطان محمود غزنوی منتسب شده است. بعدها در روایت های شفاهی این افسانه ها عمدتا به شاه عباس منتسب شده است. یعنی در روایت های شفاهی که در خراسان ثبت شده، شاه عباس در این افسانه حضور دارد. در خوزستان که خود من ثبت کردم، به شاه عباس منتسب شده است. در بسیاری جاها مثلا در کتاب «آداب الحرب والشجاعه» به مامون عباسی منتسب شده. در «مجمع التواریخ و القصص» که مرحوم استاد بهار تصحیح کرده و نویسنده اش ناشناس است، به شاهی دیگر منتسب شده. اگر اشتباه نکنم، در هزار و یک شب هم هست که به هارون الرشید منتسب شده است.

### افسانه حیوانات به چه صورت بوده؟

نباید بگوییم افسانه حیوانات.

### چرا؟

چون در چنین افسانه هایی حیوان تنها نیست و گاهی اوقات انسان هم هست. گاهی اوقات اصلا حیوان نیست و ممکن است سنگ باشد، گیاه باشد. ویژگی اصلی اینها هم تمثیلی بودنشان است. درست است که در بخش غالبشان حیوان وجود دارد، ولی در بخش دیگرش ممکن است حیوان نباشد. به همین دلایل است که به نظر من درباره افسانه های مربوط به شاه عباس باید بگویم افسانه های سرگذشتی یا افسانه های واقعی یا واقع گرا. یا مثلا افسانه هایی که درباره مکر زنان وجود دارد.

### حکایت چه فرقی با افسانه و قصه دارد؟

حکایت یک گونه ادب شفاهی است که مثلا در تاجیکستان به آن می گویند روایت. حکایت یک متن های کوتاه است که در ارتباط با افراد معین تاریخی و شخصیت های واقعی یا مکان های واقعی گفته می شود. ممکن است این متنی که گفته می شود واقعیت تاریخی هم نداشته باشد، اما اطلاعاتی به ما درباره شخصیت های تاریخی می دهد. مثلا حکایت هایی که درباره مولوی یا سعدی گفته می شود، اینها در حقیقت متن های خیلی کوتاه هستند که شاید هفت یا هشت سطر هم بیشتر نشوند. معنی عربی حکایت می شود سرگذشت.

### مثل چی؟

در بسیاری از جاها از جمله در فهرست بین المللی آرنه و تامسون، آمده اند افسانه های جهانی را کد گذاری کرده اند. به افسانه های زنجیره ای می گویند مثل. مثل همین «کک و تنورا» یا «سنگ و گردو» که یک سنگی بود زد سر گردو را شکست. گردو رفت پیش مادرش. یا «پیرزن و گنجشک». نمونه های مختلف این به اصطلاح افسانه که تکرار در آن به حالت زنجیروار وجود دارد...

### و به شعر نزدیک می شود.

بله. و به شعر نزدیک تر است و معمولا حالت منظوم و شعر گونه دارد که به آنها می گویم مثل. تقریبا می شود گفت یک متن منظوم روایی است که در آن یک واقعه خاص طرح می شود و از چیزهای مختلف به اصطلاح ابادارد. یک شخصیتی را می گیرد و ادامه می دهد تا آن شخصیت، ماجرای را به نتیجه برساند. معمولا هم کوتاه است.

## در تاجیکستان ادبیات شفاهی را معادل فولکلور استفاده می کنند و این نشان دهنده اهمیت ادبیات شفاهی است در حالی که در ایران تنها چند نفر معدود به این مقوله پرداخته اند

آقای قنوتی! قصه ها و افسانه ها را خود ما قاعدا تا در کودکی از مادرانمان شنیده ایم ولی بارها دیده ایم که وقتی به عنوان گرد آورنده سراغ راویان می رویم، اغلب راویان مرد هستند و نه زن ها.

نکته فوق العاده ظریفی است این موضوع. البته یک دلیلش می تواند این باشد که بخش عمده ای از کسانی که در ایران افسانه یا قصه جمع می کنند مرد هستند که طبیعتا مرد ها راحت تر می نشینند و حرف می زنند. یکی از دلایلی هم می تواند این باشد که زن ها در اندرون بوده اند و حاضر نیستند حتی بیرون بیایند.

### یک موضوع دیگر ادبیات شفاهی و ادبیات رسمی چه تعاملاتی می توانند با هم داشته باشند؟

این تعامل ادبیات شفاهی و کتبی یکی از مباحث فوق العاده مهم است. در ادبیات شفاهی و حتی در فرهنگ شناسی تا قبل از مشروطیت، یک فرهنگ تقریبا پیوسته و هم بسته ای داشتیم بین نخبگان جامعه و عامه مردم. بسیاری از افسانه هایی که بین عامه مردم رایج بوده اند یا در متون کتبی وجود داشته اند یا مولفان و مصنفان و شاعران و نویسندگان می آوردند از مردم گرفته بودند یا برعکس. ببینید، کللیله و دمنه بارها و بارها بازنویسی شده است. متاسفانه از زمانی که با غرب آشنا شدیم به شکل گسترده همان تصور معروف پیش آمد که ما باید از فرق سرتا ناخن پا فرنگی بشویم. فکر کردیم همه این چیزهایی که خودمان داریم به درد نخور و خرافات هستند.

زمانی که غرب سراغ اساطیر خودش رفت، ما تمام اساطیرمان، تمام افسانه هایمان، تمام فرهنگ شفاهی مان و حتی فرهنگ گذشته مان را به بهانه این که پدیده هایی به درد نخور هستند کنار گذاشتیم. در صورتی که در غرب این طور نیست، یعنی امروز اگر از چند نفر معدود بگذریم، ادبیات رسمی ما از ادبیات شفاهی چندان متأثر نیست، برخلاف گذشته. شما اگر اساطیر ایران را شناساید امکان ندارد حافظ را بفهمید و درک کنید. اگر قصص انبیا را ندانید، سعدی و مولوی را متوجه نمی شوید. ادبیات غرب هم یک پایه ای روی کتاب مقدس است و یک پایه اش روی اساطیر یونان. ادبیات ما هم تا قبل از مشروطیت این گونه بود. «شیر خدا و رستم دستانم آرزوست» اگر شما رستم را شناساید و شیر خدا را ندانید، چطور می خواهید این شعر مولوی را بفهمید؟

شما از جمله کسانی هستید که پیشنهاد تازه ای در عرصه قصه های مردم ایران دارید. به این شکل که معتقدید نویسیم مثلا قصه های مردم خوزستان یا قصه های مردم الموت یا قصه های مردم کرمان. شما می گوید بنویسیم روایتی از قصه های مردم ایران. در این باره توضیح می دهید.

ببینید، در افسانه هایی که ما داریم تقسیم بندی ها دوره ای است و این تقسیم بندی ها سیاسی است. هر حکومتی به تناسب این که چه جور می خواهد مملکتش را سازمان دهی بکند، مملکت را تقسیم بندی کرده است. مثلا ما در زمان قاجاریه چند ایالت داشتیم. بعد در زمان پهلوی ها شد چند تا استان و فرمانداری کل. به تدریج استان های بزرگ به چند استان دیگر تقسیم شدند. حتی تا چند وقت پیش گرگان جزو استان مازندران بود یا قزوین جزئی از زنجان بود یا اردبیل بخشی از استان آذربایجان شرقی بود. افسانه یا هر متن روایی که سی سال پیش از گرگان جمع آوری می شد می نوشتند افسانه های مازندران. از ترکمن صحرا که حالا شده گلستان، می نوشتند استان مازندران. حالا دیگر این تقسیم بندی ها معنا ندارد. خوب. زمانی ما می توانیم قصه ها را به صورت منطقه ای تقسیم بندی کنیم که بخواهیم یک کار تخصصی انجام دهیم که مثلا ویژگی های اقتصادی یا اجتماعی یا فرهنگی آن منطقه چقدر در قصه دخیل بوده و در آن انعکاس داشته است. آیا این افسانه در جای دیگر وجود ندارد؟ خوب این امر محال است. افسانه ها و قصه های ما افسانه ها و قصه های مشخصی هستند که بیش از هزار یا دو هزار تا نیستند. اما به طور مشخص از افسانه ماه پیشونی بیش از ششصد یا هفتصد روایت

در ایران ضبط شده است. یک جایی همین قصه به اسم «فاطی» ضبط شده.

### یا «فاطمه سلطان».

یا «داماهی» اینها بن مایه هایشان یکی است. تفاوتشان تفاوت فرهنگی و جغرافیایی و اجتماعی راوی است. در ترانه هم همین طور است. «غریبی سخت مرا دلگیر کرده/ فلک بر گردنم زنجیر داره/ فلک از گردنم زنجیر بردار/ که غربت خاک دامن گیر داره» این هم در شیراز وجود دارد، هم در خوزستان وجود دارد، هم در بوشهر هست و هم در خراسان خوانده می شود. فقط لهجه عوض می شود. همین دوبیتی را در میان «هزاره» های افغانستان هم می شنویم که زبانشان فارسی است. اینها در حقیقت روایت های مختلف یک متن شفاهی است که در یک حوزه فرهنگی بسیار وسیع قابل تقسیم بندی است.

آخرین سوال اینکه چرا اغلب قصه های شفاهی را وقتی دنبال می کنیم به دوره صفویه می رسمیم؟

چون در دوره صفویه ادبیات رسمی ما یا به اصطلاح نخبگان فرهنگی ما به دلایل اجتماعی به هند مهاجرت کردند و بخش قابل توجهی از ادبیات فارسی در زمان صفویه در هند رشد پیدا کرد. گسترش مکان هایی مثل قهوه خانه هم کمک کرد تا اوضاعی برای نقل گفتن پیش بیاید. یکی دیگر از دلایل هم به نظر من این است که تا قبل از صفویه مذهب رسمی ایران، مذهب اهل تسنن بوده و ایران تقریبا می شود گفت تا قبل از صفویه یکپارچگی نداشت. صفویه بعد از چند صد سال آمد و این یکپارچگی را به ایران بخشید. می توان گفت در حقیقت ما هویت ایرانی خود را بعد از چند صد سال به دست آوردیم و این را به صفویه مدیون هستیم. اینها می خواستند از یک طرف با عثمانی ها و از یک طرف مقابله کنند و آمدند تشیع را مطرح کردند. از طرف دیگر با زبان فارسی به مقابله با اعراب پرداختند و هویت جدیدی را تعریف کردند. حالا صفویه برای ترویج ایده خود، نیاز به شیوه بیان داشت و می خواست به اعماق جامعه نفوذ کند، در نتیجه آمدند و حتی قصه گوها را سازمان دهی کردند. ما تا قبل از این دوره در هیچ متن مکتوبی اشاره ای نمی بینیم که قصه گوها و نقل ها و افسانه گوها و معرکه گیرها از طرف حکومت نظارت بشوند. در زمان صفویه آمدند و بر اینها نظارت کردند. هیچ معرکه گیری نمی توانست بدون مجوز معرکه بگیرد. نقیب الممالک بر قصه گوها نظارت داشت.

همین موضوع دلیلی نمی شود بر گسترش قصه های شاه عباسی؟

چرا اتفاقا. کاملا تاثیر آن مشخص است.

شما یک جای بحث تان اشاره کردید که اگر غربی ها کتاب مقدس و اساطیر یونان را ندانند بسیاری از رمان ها را نمی فهمند یا به نظر من مثلا اولیس جویس یا رمان های توماس مان یا ویلیام فاکنر را نمی فهمند. در ایران چه؟ کاری می شود کرد برای ادامه روند فرهنگی گذشته و اکنون در ادبیات معاصر ایران؟

ریشه داشتن در گذشته باعث می شود هویت متحول شود و چیزهای جدید به خودش بگیرد. وقتی فرهنگی هزار سال ریشه داشته باشد، ادبیات معاصرش هم قدرتمند تر جلوه می کند. اشاره کردم که متاسفانه ما بعد از مشروطیت با گذشته قطع ارتباط کردیم. اسم نمی برم، اما الان بسیاری از رمان ها را می خوانیم و راحت می فهمیم نویسنده اش نه شاهنامه فردوسی را خوانده و می شناسد و نه قصص الانبیا را دیده و نه از اوستا خبری دارد. خوب این رمان باید ریشه داشته باشد؟ بسیاری از اهل مطالعه ما اساطیر یونان را بهتر از اساطیر ایران می شناسند. «غول در بطری» که نسخه فرنگی «دیو و ماهیگیر» است برای کودکان ایرانی ترجمه می شود یا می آیند و «سیندرلا» را ترجمه می کنند به جای این که «ماه پیشونی» را بنویسند. در ادبیات معاصر ما صادق هدایت و احمد شاملو موفقیت شان این بود که هر دو با فرهنگ عامه مردم ایران آشنایی عمیق داشتند.



# نمایشگاه بین المللی کتاب تهران از نگاه ناشران

نمایشگاه بین المللی کتاب تهران با تمامی بزرگی و عظمتش از نظر وسعت و حجم فعالیت هایی که در آن سامان می یابد، از نگاه هر یک از عناصر و مولفه هایی که این تابلوی بزرگ و زنده را نقاشی می کنند، به گونه ای متفاوت و در رنگی دیگر گونه، قابل مشاهده است.

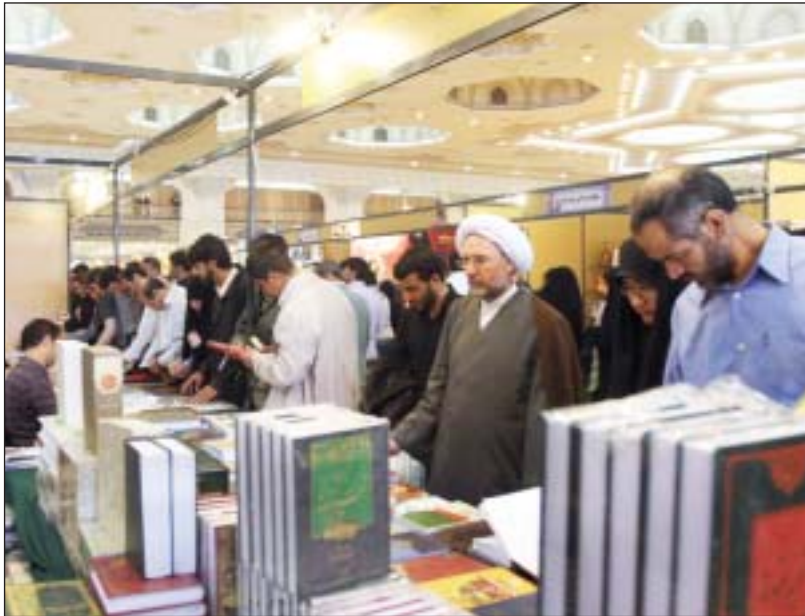
علاوه بر تمامی بخش ها و زیر مجموعه ها، نهادها و سازمان های مرتبطی که در طول نمایشگاه شاید به هیچ وجه تلاششان را به صورت مستقیم درک نکرده باشیم، بسیاری از افراد نیز در این سوی پرده و قابل رؤیتند که از آن میان می توانیم به ناشران، غرفه داران و مسوولانی که به نحوی خدماتی را ارائه می دهند اشاره کنیم.

در این گزارش که به نوعی ارزشیابی برخی ناشران از حضور در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران محسوب می شود، می خواهیم از قاب نگاه برخی ناشران حاضر در نمایشگاه که این روزها با توشه ای از تجربه و اندوخته بازخوردی که از مخاطبان خود دریافت کرده اند، به بزرگترین رویداد فرهنگی کشور بنگریم و با شنیدن انتقادات، پیشنهادها و راهکارهایی که عنوان می کنند، بگوئیم در بیست و چهارمین دوره این رویداد بزرگ فرهنگی آنها را دخیل کنیم.

در این میان، سراغ محمدرضا جاسمی مدیر مسوول انتشارات پیام آزادی که به «علیان» هم شهرت دارد، می رویم. او نمایشگاه بین المللی تهران را از پراهمیت ترین و اساسی ترین رویدادهای فرهنگی می داند که هر چه باشکوه تر برگزار شدن آن بازتاب مناسب تری از فرهنگ غنی ایرانی. اسلامی ما دارد و می گوید: «این نمایشگاه توانسته است جایگاه بین المللی خود را بیابد و برخلاف برخی از نمایشگاه های جهان که تنها به کارهای تجاری نظیر خرید و فروش امتیاز نشر محدود می شوند، در این نمایشگاه حضور ارزشمند اعضای خانواده ها را شاهدیم که در کمتر نمایشگاهی به این شکل قابل مشاهده است و باید آن را قدر دانسته و پاس بداریم.» او مصلاهی امام خمینی (ره) را فضای بسیار زیبایی می داند که می تواند خدمات فراوانی را به میهمانان خود عرضه کند و می گوید: «امسال پراکندگی ای در بخش های گوناگون کودک و نوجوان، بخش دانشگاهی و ناشران عمومی وجود داشت که تا حدی بازدیدکنندگان را با مسافت های طولانی مواجه می کرد اما اگر این بخش ها مانند سال های قبل با تمرکز بیشتری در کنار یکدیگر قرار می گرفتند، از خستگی بازدیدکنندگان می کاست، ولی در مجموع غرفه بندی هادر این دوره به خوبی انجام شده بودند.» وی با اشاره به بارش باران های بهاری پراکنده ای که در طول برپایی نمایشگاه رخ داد و صدماتی را به کتاب های بخش کودک و نوجوان تحمیل کرد، پیشنهاد می دهد: «در صورتی که امکان بیمه این مکان یا آثار ناشران گوناگون وجود داشته باشد، بسیاری از ناشران و ارائه دهندگان آثار با آرامش و امنیت بیشتری به فعالیت خود می پردازند.»

با وجود تمام شرایط جوی و ساخت و سازهایی که در فضای مصلا جریان داشت، این فرایندها در کار نمایشگاه بیست و سوم خللی ایجاد نکردند و مسوولان بخش های مختلف، تمام تلاش خود را در ساماندهی امور و هر چه باعظمت تر برگزار شدن این عرصه انجام دادند.

عضو انجمن فرهنگی کتاب کودک و قائم مقام انجمن اسلامی ناشران و کتاب فروشان تهران با تاکید بر این که بهتر است به گونه ای سرمایه گذاری صورت گیرد که نمایشگاه کتاب در مرکز شهر با



دسترسی بیشتر علاقه مندان برپا شود، اظهار می کند: «بخشی از مشکلات ایجاد شده که دشواری هایی را برای ناشران و مخاطبان آثار در استفاده و بهره برداری کامل از کتاب ها و موقعیت فراهم می کنند، به دلیل جابه جایی هایی است که در وضعیت نمایشگاه صورت می گیرد و هر سال با آن روبه رویم. در صورتی که اگر جایگاه دائمی برای نمایشگاه داشته باشیم، دیگر نیازی نیست هر سال مسوولان برق، اداره مخابرات و سایر بخش های خدمات رسانی برای هر دوره به اقدامی دوباره مبادرت ورزند. این جابه جایی در همین فضای موجود امکان بروز دشواری ها و مسائلی غیرمنتظره ای را نیز فراهم می آورد که با داشتن مکانی ثابت و دائمی برای این نمایشگاه در زمان و هزینه بسیاری از این اقدامات صرفه جویی خواهد شد.»

حمیدرضا سید ناصری، مدیر مسوول انتشارات ذکر استان قم که در حوزه کودک و نوجوان غرفه هایی برای ارائه آثار داشتند، حضور مردم را در نمایشگاه بیست و سوم، فراتر از انتظار توصیف می کند و می گوید: «با توجه به این حضور، میزان خرید اقشار گوناگون جامعه نیز بر پایه توانمندی و قدرت خریدشان متفاوت بود، اما آنچه در تمامی آنها مشترک به نظر می رسید، انتخاب اثری ارزشمند برای مطالعه خود یا فرزندانشان بود که در هر طبقه ای از جامعه مشاهده می شد.»

وی با اشاره به این که قرار بود در نمایشگاه بیست و سوم علاوه بر مسوولان وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، تشکل ها و انجمن های دیگر نیز همکاری هایی در بخش های گوناگون داشته باشند که در عمل میسر نشد، بیان می دارد: «امیدوارم در دوره های بعدی با افزایش کمی و کیفی در حوزه اطلاع رسانی بخش های گوناگون نمایشگاه، تسهیلات بیشتری برای بهره مندی مخاطبان و آسایش ناشران فراهم شود.»

مدیر مسوول انتشارات ذکر با بیان این که ناشران کتاب های کودک و نوجوان در چهار سالن پراکنده بودند و جست و جو در میان آنها دشوار بود، به بخش ناشران عمومی اشاره می کند و می گوید: «در شبستان اغلب مردم با دشواری هایی در یافتن کتاب یا ناشر مورد نظرشان مواجه می شدند که با گسترش اطلاع رسانی در دوره های آتی، می توان این مساله را تا حد زیادی کاهش داد. از دیگر تغییراتی که ضروری اند می توان به مسایلی نظیر وجود تهویه و

آبخوری هایی به ویژه در بخش کودک و نوجوان اشاره داشت. فاصله زیاد غرفه ها و دسترسی محدود به آب آشامیدنی، کودکان را که توان کمتری داشتند، در این فصل از سال می آزد.»

از دیگر نکات نمایشگاه بیست و سوم کنترل و نظارتی بود که بر آثار ارائه شده صورت می گرفت. این اقدام به گونه ای توجه به خواسته عده ای از ناشران در دوره های قبل محسوب می شود، چرا که برخی از آنها در ادوار گذشته از ارائه هر نوع کتابی در فضای مصلا شکایت داشتند و می گفتند متناسب با اهداف و رویکردهای نمایشگاه کتاب باید آثاری که با این تعاریف همسو نیستند یا برای اغلب افراد نمی توانند، سودمند باشند، از ارائه آنها خودداری کرد و حتی گرچه مجوز چاپ و نشر را از وزارت ارشاد گرفته باشند، نباید در این عرصه عرضه شوند. در این دوره نیز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ناظرانی از سوی دیگر نهادهای اجتماعی، مسوولیت کنترل کتاب های ارائه شده و آثار نویسندگان گوناگون را با توجه به مضمون هایی که القاء می کردند، بر عهده داشتند و طی چند مرحله برخی از آثار را از فهرست کتاب های نمایشگاه بیست و سوم حذف کردند.

در این باره، مجید عطایی مدیر انتشارات آشیانه کتاب، نمایشگاه امسال را کامکان مشابه دوره های پیش ارزیابی می کند و می گوید: «نظیر گذشته برخی از ایرادها که به دلیل نداشتن نمایشگاه دائمی کتاب با آنها مواجهیم، همچنان به چشم می خوردند که از این میان می توان به محدودیت هایی در حوزه پارکینگ مصلا و ترافیک دستگاه های کارخوان اشاره کرد.» وی با اشاره به زمینه های اندکی که ناشران برای ارائه آثارشان در جامعه نشر دارند، خواستار لغو محدودیت زمان سه ساله چاپ آثار برای ارائه در نمایشگاه می شود و می افزاید: «از آنجا که کتابفروشی های نیز تمایل به خرید تازه های نشر دارند و خرید آثار قدیمی را در برنامه های کاری خود قرار نمی دهند، ناشران فرصتی برای ارائه این آثار ندارند و با وجود آن که همواره از سوی مخاطبان، نیاز به تهیه و دسترسی به این کتاب ها وجود دارد، از مسوولان نمایشگاه می خواهم درباره قانون ارائه آثار، تجدید نظر کنند. همچنین با توسعه فضای غرفه ها امکان گفت و گو با مخاطبان و حضور نویسندگان در غرفه که یکی از کارکردهای نمایشگاه های کتاب است که به خوبی صورت

خواهد گرفت.»

در این ارزیابی علاوه بر ناشران که در شمار تولیدکنندگان و ارائه دهندگان آثارند، سراغ ناشری می رویم که در این دوره، حضور غیرمستقیم در نمایشگاه کتاب داشت و در قالب بازدیدکننده چند روزی را میهمان نمایشگاه کتاب بود.

دکتر احمد توکلی نویسنده و مدرس ارتباطات و روزنامه نگاری که مسوولیت انتشارات «ثانیه» را هم بر عهده دارد، با بیان این که در این دوره از نمایشگاه، آثار این مرکز از طریق انتشارات «حجسته» به مخاطبان ارائه شدند، می گوید: «به عنوان یک بازدیدکننده مشکل خاصی در نمایشگاه امسال ندیدم و از آن جهت که می دانستم چه آثاری را می خواهم، تنها در جست و جوی آنها بودم و به راحتی توانستم آن کتاب ها را تهیه کنم.»

وی با اشاره به این که دمای هوا و مشکل پارکینگ مسایلی بودند که دشواری هایی را برای مخاطبان ایجاد می کردند، عنوان می کند: «در صورتی که تمامی بازدیدکنندگان نمایشگاه با بررسی های قبلی آثار مورد نیاز و ناشران مدنظرشان به نمایشگاه بیایند، مشکلی برای آنها و سایر مخاطبان ایجاد نمی شود، چرا که نمایشگاه محیطی نیست که بدون هدف و تنها با قدم زدن در میان کتاب ها و غرفه ها و به اتکای یافتن عنوان مناسب، بتوانیم آثار مورد نیازمان را تهیه کنیم.»

دکتر توکلی با بیان این که «در نخستین مراجعه ام به نمایشگاه بیست و سوم تنها به حافظه ام اتکا کردم و کوشیدم کتاب ها و آثار تخصصی را که می خواهم، بیابم» می گوید: «البته در این روش کمتر از نیمی از کتاب های مورد نظر را یافتم. روز بعدی مراجعه ام، فهرستی از کتاب ها و ناشرانی که آثار آنها را می خواستم، همراه داشتم و به این ترتیب توانستم، آنچه را که می خواهم با راحتی بیشتری بیابم.»

وی با اشاره به این که بسیاری از مخاطبان نمایشگاه بین المللی تهران را علاقه مندان از سراسر ایران تشکیل می دهند، پیشنهاد می کند: «اگر تمامی این افراد با مطالعه قبلی، شناخت نیازها و آثار مورد علاقه شان به نمایشگاه بیایند، با دشواری های اندکی مواجه می شوند و در کمترین زمان می توانند نیازهایشان را برطرف سازند چرا که داشتن اطلاعات قبلی به ویژه برای میهمانان شهرستانی خیلی مهم است.»

این استاد روزنامه نگاری با بیان این که اگر نمایشگاه کتاب جایگاه مکانی ثابتی خود را بیابد، بسیاری از مشکلات آن برطرف می شوند، اظهار می کند: «اغلب مراجعات به نمایشگاه به دلیل امکان دسترسی به مجموعه ای از کتاب ها در کنار یکدیگر و تخفیف هایی است که از سوی ناشران اعمال می شود در نتیجه وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سایر نهادهای مربوطه نیز می توانند با قرار دادن تسهیلاتی اینچنینی، نظیر این که تمامی ناشران و کتابفروشی های کشور را در هفته کتاب ملزم به اختصاص دست کم ۲۰ درصد تخفیف در ارائه آثارشان کنند، مردم را به خرید کتب تشویق کنند و با این اقدام، دیگر در طول سال نه تنها نمایشگاه کتاب، فرصتی برای دسترسی به این کالای فرهنگی نیست بلکه مردم سراسر ایران در همان شهرهای خودشان هم به کتاب دسترسی بیشتری خواهند داشت.»

وی با بیان این که اجرایی کردن چنین طرح هایی در عمل با مسایلی مواجه است که حمایت های فراوانی را از سوی نهادهای گوناگون می طلبد، اظهار می کند: «جست و جوی های هدفمند بیشتری فواید را در پی خواهند داشت.»

معبر آسمان

صالح افشار تویسرکانی، انتشارات ایران منبر، چاپ اول ۱۳۸۸، ۲۱۶ صفحه، ۲۵۰۰ تومان



کتاب حاضر مجموعه‌ای از غزل‌ها، چارانه‌ها و رباعی‌ها و مثنوی‌های صالح افشار تویسرکانی است که همه آنها با حال و هوای جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سروده شده است.

سرهنک صالح افشار تویسرکانی در دوران دفاع مقدس در جبهه‌ها حضور فعالی داشته است و از نامه‌هایی که ابتدای کتاب از زبان شهدای بزرگوار چون صیاد شیرازی برای وی نوشته شده، مشخص است که او سال‌ها در کسوت رزمنده به دفاع از ایران اسلامی پرداخته است.

در پیشگفتار کتاب که سر تیپ ۲ نجات‌تعلی صادقی آن را نوشته آمده است: «صالح افشار، رزمنده سلحشور، شاعر دل سوخته و ادیب حماسه آفرین، با طبع لطیف و احساسی رقیق و دلی دریایی و روحیات سخت نظامی و ماموریت دشواری چون دوران دفاع مقدس، به خیال افراد جامعه شاید جمع اضداد باشد. هنگام قرائت اشعارش او را شاعر و در کلاس درس فنون هوانوردی، تجسس و نجات خلبان استاد نظامی برجسته، در کلاس معارف جنگ، دانشجو یوان با خاطرات او از عملیات‌های دفاع مقدس خو گرفته‌اند و اشعار حماسی وی را در سرزمین‌های نفت‌فروخته خوزستان زمزمه می‌کنند...»

جبهه هم معراج دارد طالب دیدار کو هفت شهر مین اینجا را بگو عطار کو در شب جبهه که آتش نقل میدان می‌شود مین خورشیدی چراغ راه یاران می‌شود صالح افشار تویسرکانی سال ۱۳۳۸ در کرزان تویسرکان متولد شده است. دوران تحصیل را در زادگاهش و تهران گذراند. در سال ۱۳۵۷ به دانشکده خلبانی نیروی هوایی پیوست. تحصیلات دانشگاهی را در دانشکده پرواز مرکز آموزش‌های هوایی «قلعه مرغی» گذراند که بنا به ضرورت و نیاز، وارد تشکیلات فنون هوانوردی شد و تخصص سوراویول (survival) - فن نجات و زنده ماندن خلبان هنگام اضطرار برای ترک هواپیما - که یکی از تخصص‌های هوایی در دنیا است را آموخت. وی اکنون رئیس مرکز عملیات رزم مشترک و نجات خلبان و استاد دانشکده پرواز است.

شاعر در شعری با عنوان «باز خونین شهر خرمشهر شد» می‌نویسد:

ای گرامی سرزمین پاک ایران غم مخور ای تو میراث گرانقدر نیاکان غم مخور قبله‌گاه ما تویی و تکیه‌گاه ما تویی چون تو را هستیم ما با جان نکهبان غم مخور گر شده با خاک یکسان شهر آبادان تو می‌شود آباد، روزی باز آسان غم مخور گر که خوزستان بسوزد ز آتش کین و جدال آخر این آتش شود بر او گلستان غم مخور ای وطن تا خون ز رگ هامان بجوشد بی‌گمان می‌شود آباد، با خون شهیدان غم مخور عاقبت پیروزی و نصرت تو را گردد نصیب چون خدا یارست با تو ای مسلمان غم مخور ای تو ما مهربان دائم نمایی داغدار خشک گردد زود آن چشمان گریان غم مخور حافظ شیرین سخن الحق چه نیکو گفته است! هیچ راهی نیست کان را نیست پایان غم مخور

آخرین عاشق

ابوذر آهنگر/ انتشارات سبزان چاپ اول ۱۳۸۸ / ۹۶ صفحه / ۱۸۰۰ تومان



«آخرین عاشق» داستان بلندی است از نویسنده جوان ۳۰ ساله که نثری مختص به خود را دارد و داستان از روایت تودرتو و نسبت‌مدرنی برخوردار است. البته نثر داستانی در جاهایی به قطعه‌های ادبی پهلوی می‌زند.

در بخشی از این داستان بلند می‌خوانیم: «وقتی دست‌هایش را به اندازه درازای دو دست گشوده در مواقع بحرانی، از هم گشود، متوجه شد که دست‌های گشوده‌اش از زمانی که پاهایش را به همان حالت از هم می‌گشاید، عریض‌ترند و حتی آن قدر انعطاف‌پذیر که با آنها می‌تواند دو سوی پاهای گشوده از هم را گرفت. با آن گشودگی ایستاد، به طوری که با آنها حتی می‌توانست فاصله بین دو نرده را برای مدت‌ها در خاطرش بسپرد. البته او همیشه این کار را نمی‌کرد، چون...»

دیروزهای ما

ناتالیا گینزبورگ/ ترجمه: منوچهر افسری انتشارات کتاب خورشید/ چاپ اول ۱۳۸۸ ۳۴۴ صفحه، ۶۸۰۰ تومان



ناتالیا گینزبورگ از نویسندگان شاخص ایتالیایی قرن بیستم است. وی با جزیره پاوزه و ایتالو کالونیو هم‌دوره ادبی بود و نثری ساده و صریح از ویژگی داستان‌های اوست. در رمان «دیروزهای ما» نویسنده از زبان زنی جوان، خواننده را با خود همراه می‌کند تا دریچه‌ای بگشاید به زندگی پر حادثه ایتالیای روزگار خویش.

ناتالیا گینزبورگ در ۱۹۱۶ در شهر پالرو، مرکز استان سیسیل و در خانواده‌ای با گرایش‌های سیاسی متولد شد. پدرش، جوزپه یوی، زیست‌شناس و استاد دانشگاه بود.

نخستین تجربه‌ای که ناتالیا را از نزدیک با فاشیسم آشنا کرد در ۹ سالگی روی داد و آن هنگامی بود که فلیپو توراتی، بنیانگذار حزب سوسیالیست ایتالیا قبل از عبور از مرز و پناهنده شدن به کشور فرانسه، چند شب در خانه آنها پنهانی به سر برد. تجربه دوم او هنگامی بود که برادرش، ماریو، در حال عبور از مرز سویس همراه جزوه‌ها و اعلامیه‌های سیاسی از سوی پلیس مرزی دستگیر شد. به دنبال آن، برادر دیگرش، جینیو، و پدرش و لئونه گینزبورگ نیز بازداشت شدند. لئونه در سال ۱۹۳۶ از زندان آزاد شد و سال ۱۹۳۸ با ناتالیا ازدواج کرد.

لئونه به عنوان روشنفکر و مبارز ضد فاشیسم تأثیری بسزا در شخصیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ناتالیا ایفا کرد. با آغاز جنگ جهانی دوم، ناتالیا همراه شوهرش به «پروتزو» تبعید شد. تبعید در سال ۱۹۴۴ به پایان رسید، اما فعالیت جدید لئونه موجب حبس دوباره او شد و در زندان جانش را از دست داد. بلافاصله پس از پایان جنگ، ناتالیا بیوه و تنها، همراه دو کودک، به رم بازگشت، شهری که حصار زندان‌هایش شریک فکر و زندگی او در سی و چهار سالگی جان خود را از دست داده بود. او، برای گذران زندگی به کار ویراستاری و ترجمه پرداخت. وقتی به فاصله یک سال رم را ترک کرد و به تورنتو بازگشت، مرکز انتشاراتی خانه دوم او شده بود و در آنجا یارانی را که از تعقیب و آزار فاشیسم و تلفات و کشتار جنگ، جان سالم به در برده بودند ملاقات کرد. آنها به زودی با نام بدل وارد رمان‌های او مانند الفبای خانواده‌گی، فضیلت‌های ناچیز و هرگز از من مپرس شدند.

سال ۱۹۵۲ رمان «دیروزهای ما» را چاپ کرد و

جایزه «ویون» را از آن خود ساخت. دو سال قبل از آن با گابریل بالدینی، مدرس ادبیات انگلیسی ازدواج کرد و توریانو را به قصد رم ترک کرد. سال ۱۹۶۸ جایزه بین‌المللی مارزوتو را به خاطر نوشتن نمایشنامه «با شغف با تو پیوند زناشویی بستم» به دست آورد که از آن فیلم سینمایی هم تهیه شد.

آخرین کتابی که از او در ۱۹۹۰ به چاپ رسید «سرناروز یا عدالت حقیقی» نام دارد؛ یک گزارش روزنامه‌نگارانه همراه با تامل‌های باریک‌اندیش‌مندان درباره پدیده فرزندخواندگی در جوامعی مانند ایتالیا. ناتالیا گینزبورگ سال ۱۹۹۱ در رم دیده از جهان فرویست.

بی‌قرار

۵۴ آهنگ محلی برای ویولن تهیه و تنظیم سعید زرنیخی/ انتشارات سرود چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۷ صفحه / ۱۵۰۰ تومان



موسیقی محلی ایران، تاریخی به‌درازای تاریخ ایران دارد و غنایی نیز بر همین گونه؛ آنچنان که آیین سور و سوگ ایرانیان در این وادی متجلی و ماندگار و رازداری می‌شود، چه بسیار آوا و ملودی‌هایی که از جای

جای این سرزمین هنرپرور و هنرخیز نواخته شده که همچون سخن عشق اگر بارها و بارها تکرار شود، نامکرر است.

موسیقی محلی از تمامی اقوام ایرانی که یادآور پاک، نشاط، تلطیف و تعالی روح، برانگیختن احساسات و عواطف انسانی، شکوه و شکایت از قضا و قدر و سرنوشت، ستایش از خوبی‌ها و نکوهش بدی‌ها و بیان شورانگیزی و روح‌انگیزی طبیعت و... است، دلیلی بر این مدعاست.

ناگفته پیداست هر هنگام که موسیقی ملی و کلاسیک قدم در این وادی گذاشته است، سر تعظیم فرود آورده و به دلدادگی و همسرایانی پرداخته است.

با این وجود، در این رهگذر نوازندگان و خوانندگانی بوده‌اند که بر مقام این موسیقی ارج نهاده و ریشه این موسیقی را در اصالت هنر ایرانی دانسته و به احیای آن همت گمارده‌اند.

سعید زرنیخی، مدرس باسابقه ویولن و دانش‌آموخته هنرستان موسیقی با تألیف دو کتاب «بی‌قرار» - ۵۴ آهنگ محلی برای ویولن - و «هوای یار» - ۴۰ آهنگ برای ویولن - یاد و خاطره‌هایی از گذشته و ملودی‌هایی ماندگار را برای هنردوستان و هنرمندان نوشته است.

الحیة

محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی انتشارات دلیل ما/ جلد هفتم و هشتم/ چاپ اول ۱۳۸۸ ۵۴۶ صفحه جلد هفتم/ ۷۰۴ صفحه جلد هشتم/ ۱۴۵۰۰ تومان



آغاز انتشار دوره دوم کتاب «الحیة» تألیف استاد محمد رضا حکیمی، حجت الاسلام محمد علی حکیمی هم‌زمان با برگزاری بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران ارائه شد.

«الحیة» دایره‌المعارف اسلامی، علمی و پژوهشی برگرفته از قرآن و حدیث است که دوره نخستین آن در چاپ‌های متعدد و در شمارگان قابل توجه منتشر شده و مورد توجه مخاطبان مختلف جامعه قرار گرفته است.

دوره جدید «الحیة» با موضوع اصلی «جایگاه و ارزش انسانی» به معرفی ارزشمندترین بخش‌های وجودی انسان می‌پردازد، از جمله: عقل، اراده، اختیار،

عاطفه، فطرت، وجدان، تربیت‌پذیری و گرایش به بقا و جاودانگی.

مجلد هشتم از این کتاب با توجه به مباحث مجلد قبلی، موارد کاربردی در زندگی انسان را بررسی می‌کند، از جمله: تعهد و مسئولیت انسان در قبال خداوند، قرآن و معصومین (ع)، و مسئولیت‌های شخصی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی؛ ضوابط و روابط خانوادگی و توجه به تحکیم خانواده و مسائل جانبی مطرح در خانواده؛ ضوابط و روابط اجتماعی و موضوعات جانبی آن مانند جامعه‌گرایی، تکامل روابط اجتماعی در تربیت اسلامی، جامعه سالم، انواع روابط اجتماعی و شیوه‌های انجام آن و...

این دو جلد (هفتم و هشتم) در قطع وزیری و با جلد سلفون و قیمت مناسب هریک با شمارگان ۵۰۰۰ جلد از سوی انتشارات دلیل ما به چاپ رسیده است.

بین لایه‌های شناخت

تألیف احمد احمدی/ انتشارات سمت چاپ اول ۱۳۸۸ / ۲۲۰ صفحه / ۲۳۰۰ تومان



این کتاب حاصل بیش از دو دهه تحقیق و تدریس فلسفه تطبیقی در مقطع دکتری است، منتشر شد. در این نوشتار برخی از ایرادهای اساسی که به محتوا و روش فلسفی کانت وارد است، به صورت

تصریحی یا تلویحی بحث و بررسی می‌شوند. مولف در مقدمه کتاب آورده است: وقتی پس از خواندن الهیات شفا و برهان شفا و بخش‌های مهم اسفار و تمهید القواعد و در مدت بیش از ۱۰ سال در محضر استاد علامه طباطبایی وارد مقطع کارشناسی ارشد و دکتری فلسفه غرب در دانشگاه تهران شدم، بیشترین درگیری‌ام با فلسفه کانت بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین فیلسوف در دو قرن اخیر بود.

از یک سو شهرت عالمگیر و آثار فراوان و ژرف وی با آن انسجام پولادین و از سوی دیگر پیچیدگی محتوا و بیان بسیار دشوار و مغلق وی، با چنان تهمتنی و با چنین قلعه سنگبارانی، که را یارای چون و چرا بود. چه رسد به این که بخواید با آن درگیر شوید و در آن رخنه بپسندید. هر جا که ایرادی به نظر کسی بیاید نخست خود او خود را، و سپس دیگران او را، به ناتوانی در فهم مراد مؤلف متهم می‌کنند. به همین جهت همواره باید خویش را وا پایید و بر خلاف سفارش خود کانت - که دلیر باشید و نقد کنید - از نقد، به خصوص نقد مبنایی و بنیادین وی، هراسناک بود و پرهیز کرد، به ویژه که کانت با زبانی سخت‌گزنده ناقدان خویش را به جهل و جعل و ریاکاری متهم و به زنبوران تبیل بیکاره تشبیه می‌کند و اجازه دم بر آوردن به کسی نمی‌دهد.

در این نوشتار برخی از ایرادهای اساسی که به محتوا و روش فلسفی کانت واردند، به صورت تصریحی یا تلویحی بحث و بررسی می‌شوند. هدف اصلی کتاب بررسی اجمالی مسایل اساسی، لایه‌های بنیادین یا بین‌لایه‌های شناخت است و نام کتاب هم به همین مناسبت انتخاب شده است.

این اثر در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست به شناخت‌شناسی می‌پردازد که در آن مسایلی نظیر تعریف علم ماهیت تجربه، تصور بودن علم، تصدیق، ماهیت حمل و ضرورت در قضایا، ام‌القضایا یا اصل هویت، گزاره‌ها و چگونگی معرفت‌زایی آن، عنوان می‌شوند.

بخش دوم با عنوان هستی‌شناسی درباره علیت و هستی‌شناسی، قضیه وجودی، نزاع اصالت وجود و اصالت ماهیت و جعل بحث می‌کند. همچنین نقد نظرات کانت در ضمن مباحث یاد شده بررسی می‌شوند.

گزارشی از وضعیت نامناسب کتابخانه و مقبره شیخ صدوق (ره)

# فرهنگی که به حال خود رها شده است!

را پوشانده است. انگار کارگاه برق صنعتی است و تعمیرکارانی که تابلوی نصب برق را مونتاژ می کنند، وسایل و ابزار برقی شان را روی کتاب ها داخل و قفسه ها گذاشته اند! این موضوع را با تاختی پور مطرح می کنم و او می گوید: «اینجا کتابخانه نیست، بلکه انباری است. جوری رفتار نکنید که انگار فاجعه است!»

تابلوی دیگری در محوطه گورستان توجه را جلب می کند: «طرح ساماندهی و مرمت آرامگاه مشاهیر و مفاخر مدفون در ابن بابویه، فاز نخست: ساماندهی آرامگاه های موجود در خورشان و جایگاه مفاخر و مشاهیر. فازهای بعدی: اجرای طرح جامع آرامستان تاریخی ابن بابویه.»

با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه و دیگر دستگاه ها - اقدامات و فعالیت ها یازدهم خردادماه ۱۳۸۸ رونمایی و مورد بهره برداری قرار گرفت. پایین تابلو: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و صندوق احیاء و بهره برداری از اماکن فرهنگی تاریخی.»

هرچه گورستان را با شخصیت های بزرگی که در دل خود جای داده است می گردم، به طرح مورد اجرای ساماندهی شده بر نمی خورم. مفاخر بزرگی نظیر: آیت الله میرزا ابوالحسن طباطبایی جلوه، علامه میرزا طاهر تنکابنی، آیت الله محمدصادق فخر الاسلام افشار، آیت الله شیخ محمد آملی، آیت الله مسیح طالقانی، علامه علی اکبر دهخدا، علامه علی اکبر غفاری، جهان پهلوان غلامرضا تختی، میرزاده عشقی، نسیم شمال، فصیح الزمان شیرازی، هادی اسلامی و ده ها اسم دیگر!

تختی پور در این باره اظهار می کند: «میراث فرهنگی برای فاز یک، قبور را مرمت کرد، اما سپس متوقف شد.» او می گوید: «اما اجرای طرح بهسازی و تکف سازی را مطرح کرده ایم که اگر بودجه آن در اختیار قرار گیرد، انجام خواهیم داد؛ به گونه ای که برای شخصیت ها یک المان خاص در نظر داریم تا قبرستان از سایر قبور متمایز شود. شرح حال آنها را روی تابلو نصب خواهیم کرد و همه قبرها همسطح سازی خواهند شد.»

وی می افزاید: «راه اندازی یک وب سایت برای معرفی ابن بابویه در حال پیگیری است و همچنین یک نشریه داخلی که شخصیت ها در آن معرفی شوند.»

گورستان را که می گردم نه چیزی از طرح مرمت می بینم و نه محیطی پاکیزه. بعضی از قبرها هم شکسته اند و زیرشان خالی است. تنهاروی قبر تختی و دهخدا تابلوی شناسنامه توسط سازمان زیباسازی شهرداری نصب شده است.

با نگاهی به گورستان های تاریخی دنیا به خوبی می توان دریافت که ما چگونه در حفظ فرهنگ های خود می کوشیم! کتابخانه ای که به انباری تبدیل شده، بی آن که تعداد کتاب های آن معلوم باشد و این که در چه حوزه ای کتاب موجود است. حتی جای خالی کتاب های نویسندگانی که در این گورستان مدفونند، دیده می شود. بسیاری از نوشته های حک شده روی تابلوها اشتباه است و فهرستی مشخص هم از تعداد شخصیت های دفن شده در گورستان وجود ندارد. با این همه امیدواریم از جانب سازمان اوقاف و امور خیریه، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و شهرداری، اقدامات مناسبی برای بهبود وضع این گورستان و معرفی بهتر آن انجام شود.



موسی بن بابویه قمی «از برجسته ترین علما و فقهای بزرگ زمان خود در عصر امام حسن عسکری (ع) بود که از استادان شیخ صدوق نیز به شمار می رفت. از شاگردان شیخ صدوق هم می توان به شیخ مفید اشاره کرد. شیخ صدوق از دیدگاه بزرگان اسلام جایگاه رفیعی داشته و دارد. آثار و تالیفات وی به گفته شیخ طوسی، ۳۰۰ عنوان کتاب است که چهل نمونه را ذکر کرده و شیخ نجاشی ۱۸۹ عنوان. برخی از آثار شیخ صدوق عبارتند از «من لایحضره الفقیه» که دومین کتاب از کتب اربعه است و بزرگ ترین و مهم ترین اثر شیخ صدوق به حساب می آید که تا کنون بارها چاپ شده و مشتمل بر ۵۹۶۳ حدیث معتبر است.

«علل الشرایع» درباره فلسفه احکام و علت تشریح آنهاست.

«کمال الدین و تمام النعمه» درباره اثبات وجود امام زمان (عج) و غیبت طولانی آن حضرت از نظر عقلی و نقلی است.

التوحید، الخصال، الامالی، عیون الاخبار الرضا، صفات شیعه، مصادقه الاخوان، اثبات ولایت علی علیه السلام، معرفت، مدینه العلم، مقنع در فقه، معانی الاخبار و مشیخته الفقیه، سایر آثار اویند. همچنین بسیاری از بزرگان راجع به شخصیت و آثار شیخ صدوق تالیف کرده اند.

مجتبی تختی پور، مدیر گورستان ابن بابویه درباره اقدامات مورد نظر برای بزرگداشت شیخ صدوق می گوید: «به دلیل مشخص نبودن روز دقیق تولد یا وفات شیخ صدوق، شورای انقلاب فرهنگی، ۱۵ اردیبهشت را نام بزرگداشت شیخ صدوق اعلام کرده است و هر سال هم برنامه ها و همایش هایی که شامل سخنرانی شخصیت های علمی و مذهبی راجع به شیخ صدوق است، برگزار می شود. این کار برای آشنایی بیشتر مردم با شیخ صدوق انجام می گیرد. از برنامه های دیگر این روز بزرگداشت، پخش نماهنگ است که نظر شخصیت ها را درباره شیخ صدوق نشان می دهد. همچنین اجرای توشیح که امسال به دلیل مصادف شدن با ایام فاطمیه (سه) مداحی نیز اجرا شد.»

ساختمان کوچکی در ضلع دیگری از گورستان قرار دارد که روی آن تابلوی کتابخانه حرم مطهر حضرت شیخ صدوق (علیه الرحمه) زیر آیه ای از سوره بینه «فیها کتب قیمه» به چشم می خورد. داخل ساختمان کتاب هایی تلبار شده و گرد و غبار فضا

است. روی تابلویی تاریخیچه و پیشینه آرامگاه شیخ صدوق زیر عنوان «در این قطعه از آسمان» معرفی شده است. «ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی» (شیخ صدوق) عالم و محدث بزرگ شیعه، ثقه المحدثین و صدوق الطایفه، ولادت سال ۳۰۵ ه.ق در شهر مقدس قم - وفات سال ۳۸۱ ه.ق در شهر ری.

آرامگاه در گذر زمان به خاطر حمله مغولان و جنگ های خوارزمشاهیان و تیموریان و حوادث مختلف، چندین بار تخریب و سال ها زیر توده های خاک پنهان شده بود، به گونه ای که در زمان فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۳۳۸ (ه.ق) روی آن را کشتزار و باغی فراخ به نام «باغ مستوفی» پوشاند، ولی آن سال باران زیادی بارید که بر اثر آن سیل اتفاق افتاد که زمین های کشاورزی و باغ های اطراف شهر ری را آب فراگرفت. همین امر باعث ایجاد شکاف در یک قبر شد. برای تعمیر قبر ناگزیر حفاری شد و حفاران به سردابی رسیدند که در آن بدنی سالم دفن شده بود. گویا در همان لحظه روح از آن خارج شده است! در آن سرداب کسی جز شیخ صدوق رحمه الله علیه مدفون نبود. این در حالی است که بدن آن عظیم الشان در حدود ۸۷۵ سال بعد از وفات سالم مانده است. ماجرا به گوش فتحعلی شاه قاجار رسید و او با تأیید این مطلب توسط علما و بزرگان و مشاهده خود، دستور تعمیر و تجدید بنا و تزئینات آن بقعه را صادر کرد.

محدث جلیل القدر و فقیه و الامام ابو جعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی که به شیخ صدوق مشهور است، در خاندان علم و تقوی متولد شد. تولدش همزمان با آغاز نیابت شیخ ابوالقاسم حسین بن روح، سومین نائب خاص امام زمان (عج) همراه بود. پدر بزرگوارش «علی بن حسین بن

**به دلیل مشخص نبودن روز دقیق تولد یا وفات شیخ صدوق، شورای انقلاب فرهنگی، ۱۵ اردیبهشت را به نام بزرگداشت شیخ صدوق اعلام کرده است**

آرام و متین مانند کتاب هایشان که غرق در سکوتی دلپذیرند، در خاک خفته اند و گذر سالیان دراز هم هرگز از ابهت آنها نکاسته، بلکه رونق بخش مقبره این صاحبان کتاب و قلم شده است.

از در ورودی قبرستان ابن بابویه شهر ری که داخل می شوی، زیارتگاه شیخ صدوق رخ می نماید. محو نمای زیبای مقبره این عالم و نویسنده بزرگ شیعی می شوی، اما...

اما از برکت حضور مقبره این راوی بزرگ حدیث، قبور بزرگانی دیگر نیز در این قبرستان وجود دارد، افرادی نظیر جهان پهلوان تختی، کشتی گیر جوانمرد ایران زمین که هیچ کتابی تاکنون نتوانسته است از علت اصلی مرگ او در دوران جوانی و افتخار آفرینی اش رمزگشایی کند.

در این گزارش، به درون قبرستان کهن ابن بابویه در شهر تاریخی ری قدم می گذاریم تا بدانیم آیا آن گونه که لایق شخصیت این نویسنده بزرگ شیعی است، با ایجاد کتابخانه ای در مجاورت مقبره اش، عملی صورت گرفته است یا خیر.

## ما نمی گوییم، ولی فاجعه است

از گورستان های تاریخی ایران و جهان که شخصیت های مهم ادبی و فرهنگی، هنری، ملی و مذهبی را در خود جای داده اند، می توان به هایگیت انگلستان، پرلاشز فرانسه، نووودوچی روسیه، استودان سدلک چک و ابن بابویه شهر ری اشاره کرد. این گورستان ها نه تنها از قدمت تاریخی برخوردارند، بلکه بخشی از فرهنگ آن ملت را تشکیل می دهند.

در جنوب شهر تهران، گورستانی قدیمی وجود دارد که جزو منطقه ۲۰ محسوب می شود. این گورستان در شهر ری، خیابان ابن بابویه (شهید غیوری) واقع شده است. جلوه در گورستان تابلوی شهرداری منطقه ۲۰ ناحیه یک، هویت محله ابن بابویه را ترسیم می کند. محله ابن بابویه یکی از قدیمی ترین محله های شهر ری در بخش مرکزی منطقه ۲۰ قرار گرفته است. بنای اصلی بقعه متبر که متعلق به محدث عظیم الشان شیخ صدوق مربوط به عصر صفویه است که در دوران قاجار بخش هایی به آن افزوده شده و هسته نخستین این محله در اطراف آن شکل گرفته و گسترش یافته است. بالای سردر ورودی گورستان تابلوی آستان مقدس حضرت شیخ صدوق (علیه الرحمه) به چشم می خورد که مناره هایی با کاشیکاری سازمان اوقاف و امور خیریه نمایان است. دورتادور گورستان را دیوارهای نرده ای فراگرفته است. سمت راست پلاک ۱۲۲ و سمت چپ تابلوی سازمان زیباسازی شهرداری نصب شده که به پیشینه این گورستان که مدفن جمع کثیری از اعظم علم و ادب و هنر این مرز و بوم است، اشاره دارد. بقعه شیخ صدوق بر فراز سکویی هشت ضلعی واقع شده که بنای آن شامل حرم، گنبد و صحن و وسیع (گورستان) است که ورودی آن در سمت مشرق قرار دارد تمام بنا از آثار عهد فتحعلی شاه قاجار است، ولی هیچ اثر و نوشته قدیمی از آن دیده نمی شود مگر کتیبه ای مشتمل بر آیات و سوره قرآنی به خط نستعلیق «میرزا عمو» از خوشنویسان عصر ناصری که در ایوان نصب شده و فاقد تاریخ است و ایوان به پوشش آینه کاری مزین شده. وارد گورستان که می شوی، سمت راست یک دکه کوچک قرار دارد محل فروش کتاب های مذهبی، تسبیح، مهر و گلاب است. یک حوض دراز مستطیل شکل روبه روی بقعه شیخ صدوق قرار دارد که دو طرف آن معبر رفت و آمد



محمدرضا قاضی زاهدی

چندی پیش کتاب «داستان نگارش» نوشته آندرو رابینسون با ترجمه دکتر مهر دخت وزیر پور کشمیری و دکتر زهره میرحسینی با ویرایش دکتر مسعود گلزاری از سوی انتشارات کتابدار منتشر شد و در بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران عرضه شد. آندرو رابینسون، پژوهشگر و استاد دانشگاه لندن، این کتاب را با عنوان «the story of writing» اواخر دهه ۹۰ میلادی نگاشته است. «داستان نگارش» بخشی از سرگذشت انسان شدن انسان و داستان خود تاریخ است؛ تاریخ تکامل فکری و ارتباطی که مطالب آن در حوزه علوم میان رشته‌ای رابطه‌ای تنگاتنگ با زبان شناسی، باستان شناسی، تاریخ و ... دارد. مترجمان این کتاب در عین وفاداری به متن، تلاش کرده‌اند تا بخشی از خلأ مطالعاتی در حوزه تاریخچه خط و نگارش را به رشته تحریر درآورند و همت و سلیقه ناشر این اثر (انتشارات کتابدار) موجب شده تا با کتابی مشابه نسخه اصلی مواجه باشیم به گونه‌ای که تصاویر چاپ شده در آن عیناً برگرفته از نسخه اصلی و روی کاغذ گلاسه منتشر شده‌اند.

گفت و گو با مهر دخت وزیر پور کشمیری و زهره میرحسینی، مترجمان «داستان نگارش» نوشته آندرو رابینسون

## داستان نگارش از کجا آغاز شد؟

درباره خط ژاپنی مباحث جالبی را در این کتاب ذکر کرده و انواع خطوط ژاپنی را بررسی کرده است. می‌دانیم که خط ژاپنی دشوارترین خط موجود در دنیا است که وضعیت امروزش بررسی شده است. چون ژاپنی‌ها در دوران معاصر از گونه جدید خطی استفاده می‌کنند که تلفیقی از لاتین و خط کهن ژاپنی (رمانجی) است و به سوی سادگی رفته است که این تحولات را حتی در دوران جدید نشان می‌دهد و به نظر بسیار روشنگرانه است.

با توجه به سخنان شما و با توجه به ماهیت این گونه متون انگلیسی که در بردارنده جملات بلند و قیدهای فراوان هستند، خوشبختانه متن ترجمه شده به زبان فارسی نسبتاً خوشخوان است، اما کاش از پانویس برای توضیح برخی مباحث استفاده می‌کردید.

شاید دلیل روان بودن متن این باشد که برای ترجمه هر جمله‌ای بسیار وقت می‌گذاشتم و پس از آن هم متن را یک بار ویرایش کردم و پس از آن هم به وسیله آقای دکتر گلزاری ویرایش شد و ایشان هم انصافاً زحمت کشیدند. اما در مورد پانویس باید بگویم که من به عنوان مترجم، وظیفه برگردان متن به زبان فارسی را به عهده داشتم که به نظر من در این کار هم موفق بوده‌ام اما وظیفه ویراستار کتاب است که تشخیص دهد اگر جایی از متن با ابهام روبه‌روست از پانویس استفاده کند در نتیجه به نظر من این موضوع به روند ویرایش بازمی‌گردد نه ترجمه.

برخی پژوهشگران معتقدند که زبان نوشتاری و گفتاری، شامل فرآیند پیچیده‌ای است که برای ما خیلی ساده به نظر می‌رسد. نظر شما در این باره چیست؟

اساساً خط در طول تاریخ رو به سادگی رفته و پس از مدتی، نشانه‌ها به الفبا تبدیل شده‌اند که نشانگر تحول زندگی و نگرش انسان است و همین تکامل ذهن انسان نشان‌دهنده حرکت او به سوی جلو است که در روزگار ما دوباره با خواندن این خطوط باستانی با گذشته خودشان آشنا می‌شوند و از آن استفاده‌های فراوانی می‌کنند. چرا که یکی از لازمه‌های رشد و بلوغ شخصیت‌ها و ملت‌های گوناگون، میزان آشنایی آنها با گذشته‌شان است.

منظورتان از استفاده از خطوط تصویری در روزگار کنونی چیست؟ شناخت خطوط باستانی در دوران کنونی به بسیاری از وجوه زندگی انسان‌ها کمک کرده است. شما با کشف این خطوط فرهنگ و آداب و رسوم و شیوه زندگی انسان‌ها در قرون گذشته آشنا می‌شوید و از طرفی سادگی و همه‌فهم بودن این خطوط باعث شده در مسائل مختلفی کاربرد داشته باشند مانند اغلب تابلوهای هشدار دهنده مانند تابلوهای راهنمایی و رانندگی برگرفته از تصاویر هیروگلیف است. مثلاً در جاده وقتی تابلویی نصب شده و روی آن تصویر یک قاشق و چنگال نقش بسته، به مخاطب این معنا را انتقال می‌دهد که احتمالاً در نزدیکی آن تابلو، رستوران یا غذاخوری وجود دارد یا انسان‌هایی که به گرات دیگر سفر کردند، در آنجا تابلوهایی را نصب کردند که روی آن علامتی درج شده است و نشانی و آدرس می‌دهد که در کهکشان راه‌شیری، منظومه شمسی و سیاره زمین، انسان‌هایی زندگی می‌کنند تا چنانچه موجوداتی در آن گرات زندگی کردند یا به آنجا آمدند بتوانند متوجه مفهوم این تابلوها بشوند.

الفباهای نوین از دیرزمان، نگارش چینی و ... آمده که به گمانم اطلاعات قابل توجه و مفیدی به خواننده ارائه می‌دهد.

بعضی از مباحث مندرج در کتاب به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد نیاز به شرح و بسط بیشتری داشته باشد. چرا شما به عنوان مترجم این اثر، برای روشن تر شدن موضوع، مطالبی را با ذکر منبع به آن اضافه نکردید؟

به نظر من می‌بایست در این کار نهایت امانت را رعایت می‌کردیم چراکه مطالب این کتاب مخاطبان گوناگونی را پوشش می‌دهد، به عنوان مثال زبان شناسان، باستان شناسان و ... می‌توانند جزو مخاطبان آن محسوب شوند به همین منظور فرضاً اگر توضیحاتی فراتر از متن رابینسون می‌آوردیم، قاعدتاً می‌توانست یکی از حوزه‌های مرتبط با نگارش مانند زبان شناسی را پوشش دهد. از طرفی، شرح و وضوح مطالب به حدی است که هر مخاطب پژوهشگری می‌تواند از محتوای آن کمال استفاده را ببرد.

### زهره میرحسینی: خطوطی که رمزگشایی نشده‌اند



چه شد که با این کتاب آشنا شدید؟ چگونگی آشنایی من با این کتاب، به سفری برمی‌گردد که چند سال پیش به انگلستان داشتم. در بریتیش میوزیم، هنگامی که کتاب‌های حوزه خط، زبان و ... را بازدید می‌کردم به این کتاب برخورد کردم که توجه مرا به خود جلب کرد چرا که تلفیقی از تاریخ، زبان شناسی و ... بود و این مباحث را در جوامع گوناگون از ابتدای تاریخ تا دوران معاصر پی گرفته بود. به همین دلیل مشتاق به مطالعه و ترجمه این کتاب شدم و پس از مدتی، همراه دکتر وزیر پور ادامه کار را پی گرفتیم.

وجه تمایز یا شاخصه خاصی باعث شد که اقدام به ترجمه این کتاب کنید؟ یکی از خصوصیات این کتاب این است که تمامی زبان‌های گوناگون از ابتدا یعنی از دوران تصویر نگاری تا خطوط الفبایی را در مناطق گوناگون، هر جایی که تمدنی شکل گرفته یا گروهی از انسان‌ها زندگی می‌کرده‌اند مورد بررسی قرار داده و منحصر به منطقه یا بازه زمانی خاصی نیست و حتی خطوطی که هنوز رمزگشایی نشده‌اند را هم بررسی و معرفی کرده است.

دقیقاً منظورتان از خطوط رمزگشایی نشده چیست؟ یکسری از خطوط باستانی در طول تاریخ از سوی افراد مختلف و با تلاش کاوشگران و پژوهشگران رمزگشایی شده‌اند مانند هیروگلیف، خط میخی، خط مایاها، خط آرتک‌ها و ... اما بعضی از خطوط هم هستند که شناخته شده‌اند اما رمزگشایی نشده‌اند یعنی در واقع هنوز نمی‌توان معنایی از آنها دریافت یا استنباط کرد.

گفتید که آندرو رابینسون درباره خط و زبان‌های امروزی هم مباحث فراوانی را مطرح کرده است. این خطوط از چه زاویه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند؟

خب اساساً هر خط امروزی هم ریشه در تاریخ دارد و دفعتاً به وجود نیامده است اما درباره شیوه کار مولف مثالی می‌زنم. مثلاً رابینسون



مهر دخت وزیر پور کشمیری، دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی، عضو پیشین هیأت علمی مرکز مدارک علمی ایران و مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال.

به عنوان نخستین سوال، درباره انگیزه‌تان از ترجمه این کتاب برایمان بگویید.

تحصیلات من در حوزه اطلاع‌رسانی است و از کودکی هم با زبان انگلیسی آشنا بودم از طرفی، با لاتین، فرانسه و آلمانی هم آشنایی داشتم. به هر حال به دلیل علاقه‌ام به کتابداری و اطلاع‌رسانی این کتاب را برای ترجمه انتخاب کردم. ناگفته نماند که در حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، نبود چنین اثری همیشه احساس می‌شد و دانشجویان هم مجبور بودند برای مطالعه و آگاهی از مباحث این حوزه به آثاری مراجعه کنند که آنچنان با علم روز و گستره دانش آنها همخوانی نداشت. تمامی این موضوعات به اضافه گرایش به تحقیق و پژوهش، دلیل پرداختن من به ترجمه این اثر شد.

به نظر شما اساساً پرداختن به چنین موضوعی چه ضرورتی داشت؟

من سال‌ها در دانشگاه تدریس کرده‌ام و در طول این سال‌ها باید اعتراف کنم که پیش از این کتاب، چنین متن جامعی درباره خط و مسائل مربوطه به آن در ایران منتشر نشده بود، حتی وقتی کتاب را به دانشجویان پیشنهاد دادم، بلااستنا از روان بودن متن تعریف می‌کردند و از سوی دیگر، مباحثی که رابینسون در این اثر مطرح کرده برایشان روشنگر و جذاب بود. به نظر رابینسون، نگارش، بزرگترین اختراع بشر بوده چون به واسطه آن، تاریخ به وجود آمده است و اگر درست بنگریم می‌بینیم بدون نگارش هیچ تاریخی وجود نخواهد داشت و در تمامی تمدن‌ها کاتبان که منتقل‌کننده فرهنگ بوده‌اند، خود جزو نخستین تاریخ نگاران بوده‌اند از طرفی می‌توان به جرأت گفت که رابینسون هیچ مطلب ناگفته‌ای را درباره نگارش از قلم نینداخته است و این کتاب هم دربرگیرنده آخرین یافته‌های حوزه زبان، خط و ... است.

خود شما به عنوان پژوهشگر حوزه کتابداری و اطلاع‌رسانی، داستان نگارش را از کجا آغاز می‌کنید؟

با توجه به متن این کتاب و نظر آندرو رابینسون باید بگویم که در روزگار کنونی، اغلب پژوهشگران پذیرفته‌اند که نگارش با حسابداری آغاز شده است گرچه نگارش‌های به‌جای مانده در مصر باستان، چین و آمریکای مرکزی کمتر به حسابداری تعلق دارند اما طبق نظریه‌ای می‌توان گفت که نگارش، لازمه و نتیجه مستقیم و ناگزیر یک اقتصاد رو به گسترش است البته پس از آن نظریاتی مبنی بر اعتقاد به ریشه خدایی نگارش. که تا قرن هجدهم ادامه داشت. نظریه تصویر نگاری، جرقه‌ای از الهام و ... وجود داشتند اما به گونه‌ای روشن و آشکار توضیحی در این باره وجود ندارد که «نوشتن» چگونه از «نوشتن» به وجود آمده است هر چند در کتاب «داستان نگارش» مباحث مبسوطی درباره نگارش منسوخ شامل خط میخی، هیروگلیف‌های مصری، گلیف‌های مایایی و ... و نگارش زنده شامل

### یادداشت

مسعود گلزاری  
ویراستار و دکترای باستان‌شناسی



### دایرةالمعارفی درباره نگارش



«داستان نگارش» متنی جذاب و خواندنی درباره سرگذشت زبان، گفتار، نگارش آغازین خط، الفبا و منشاء آن و چگونگی رمزگشایی آنها از گذشته‌های دور تاکنون است.

رابینسون -نویسنده کتاب- در زمینه‌های گونه‌گون باستانی شناسی، تاریخ، زبان شناسی و جامعه شناسی صاحب نظر و پژوهشگری

تا با پژوهش و بررسی بیشتر به دنبال واقعیت‌های موجود بود، به ویژه واقعیت‌هایی که درباره ایران و فرهنگ و تمدن باستانی آن وجود دارد، پیش از آن که دیگران به گونه دلخواه آن را تحریف شده ارائه دهند.

کوشش مترجمان برای ترجمه کتاب با توجه به مطالب گونه‌گون آن - هر بخش تخصصی را کارشناسان متخصص آن بخش دیده و تایید کرده‌اند - بسیار ارزنده و کارشناسانه است.

چاپ کتاب نیز اگر از اصل آن بهتر نباشد کمتر نیست، به گونه‌ای که کوشش شده تا تمامی صفحه‌های ترجمه با صفحه‌های متن اصلی برابر و یکسان باشد و عکس‌ها و مطالب مربوط به آنها، دقیقاً در جای خود قرار گیرد، قطع کتاب برابر قطع اصلی باشد و عکس‌ها به گونه چهاررنگ چاپ شود و کوشش ناشر در پیاده کردن تمامی این موارد ناگفتنی است.

خستگی ناپذیر است (آن گونه که مقاله‌ها و کتاب‌های دیگر نشان می‌دهد).

داستان نگارش برای رشته خاصی نوشته نشده است. سرگذشت بزرگ‌ترین اختراع بشر است، به گونه‌ای که هم برای زبان شناسان و علاقه‌مندان به تاریخ خط و نگارش جذابیت دارد و هم برای تمامی افرادی که ذهنی پرسشگر و خلاق درباره زبان و تفکر، تکامل تاریخی انسان، باستان‌شناسی، تاریخ و تاریخ فرهنگ و تمدن دارند.

داستان نگارش خواننده را از دوران پیش از تاریخ به دوران تاریخی می‌آورد و سرگذشت دانشمندی را می‌شناساند که با تلاش شبانه‌روزی خود در سال‌های طولانی، بر بسیاری از ناشناخته‌های فرهنگ‌ها و تمدن‌های بشری پیروز شده‌اند. مطالعه «داستان نگارش» حق مطلب را در هیچ یک از مواردی که به آن اشاره رفت، به طور کامل ادا نمی‌کند، ولی دایرةالمعارف گونه‌ای است که خواننده را وامی‌دارد

نگاهی به کتاب «سیاست خارجی اسرائیل» اثر محسن اسلامی

# بن بست پر دغدغه اسرائیل - آمریکا

می پردازد.

وی بعد از این که مبانی تقسیم بندی احزاب این رژیم را بیان می کند، به تفسیر احزاب دست چپی شامل مپای، کارگر و میام، احزاب دست راستی نظیر لیکود، مترقی، تسویت و کادیما و همچنین احزاب مذهبی مشغول می شود.

فصل چهارم با عنوان «بررسی موردی؛ ایالات متحده و فلسطین» به مباحث مهمی نظیر بررسی سیاست خارجی اسرائیل در برابر ایالات متحده آمریکا، حضور یهودیان و گروه های صهیونیستی در ایالات متحده آمریکا و اعمال نفوذ در قالب لابی صهیونیسم و استراتژیک بودن اسرائیل برای ایالات متحده در قالب دولت کارکردی در جهت تامین منافع آمریکا می پردازد.

در این بخش تاریخچه روابط خارجی رژیم صهیونیستی و آمریکا در دو بخش روابط نظامی و اقتصادی به نقد کشیده می شود. در بخش روابط نظامی این دو رژیم، ارتباط نظامی اسرائیل و آمریکا در ۹ دوره ریاست جمهوری کنندی، جانسون، نیکسون، فورد، کارتر، ریگان، جورج بوش، کلینتون و جورج دابلیو بوش بررسی شده است.

بررسی سیاست خارجی اسرائیل در برابر فلسطین نیز پایان بخش این کتاب است که شامل دو دوره قبل و پس از تاسیس دولت صهیونیستی می شود.

اسلامی معتقد است: «بررسی و مطالعه سیاست خارجی اسرائیل به صورت موردی، این امکان را فراهم می آورد که کاستی ها و نقاط قوت مدل تحلیل کتاب مورد توجه قرار گیرد. در راستای مدل ارائه شده، تاثیر مهابت دولت اسرائیل در سیاست خارجی این کشور در برابر ایالات متحده آمریکا و فلسطین به تصویر کشیده شده است. سیاست خارجی اسرائیل در برابر ایالات متحده متأثر از دولت بوده و این کشور را به یک دولت کارکردی در جهت تامین منافع آمریکا تبدیل کرده است. از سوی دیگر سیاست خارجی این کشور در برابر فلسطین، این کشور را به یک کشور قوم محور در برابر فلسطینی ها تبدیل نموده است.»

چاپ نخست کتاب «سیاست خارجی اسرائیل» اثر محسن اسلامی در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه، ۴۳۳ صفحه و بهای ۵۷۰۰۰ ریال از سوی انتشارات امیر کبیر منتشر شده است.



خارجی از یک عامل مجزا تشکیل نمی شود بلکه مجموعه ای از عوامل، منجر به شکل گیری سیاست می گردد. دولت ها در یک محیط پیچیده بین المللی دست به تصمیم گیری می زنند و هم محیط داخلی و هم محیط بین المللی برای دولتمردان و رهبران کشورها مجموعه ای از فرصت ها و تهدیدات و محدودیت ها را به ارمغان می آورند و وظیفه دولتمردان در وهله اول آن است که در برابر این دسته محدودیت ها و فرصت ها عکس العمل نشان دهند و به دنبال آن در جهت تامین منافع خویش تصمیم سازی کنند.»

ناگفته نماند که ادبیات به کار رفته برای نگارش این اثر توسط محسن اسلامی، به گونه ای است که مخاطب را به مطالعه اثر تشویق می کند، اما در عین حال طول برخی مباحث، قدری از شوق خواندن را از بین می برد. البته این اثر را که انتشارات امیر کبیر منتشر کرده است، می توان در زمره آثار خوب این حوزه قلمداد کرد.

در فصل سوم این کتاب، نویسنده به بررسی ساختار نظام بین الملل، اقتصاد، اتحاد های منطقه ای و جهانی، صنایع نظامی، روابط با نهاد های بین المللی و حقوق بین الملل و همچنین بررسی خصوصیات جغرافیایی و تجزیه و تحلیل احزاب این رژیم

و حمایت های سیاسی - اقتصادی این کشور از آن، از جمله مباحث مهم در مطالعه سیاست خارجی رژیم صهیونیستی به حساب می آید.

چنین مطالبی به خوبی روشن می سازد که روند مطالعه سیاست خارجی اسرائیل با وجود تمامی گستره هایش، در بن بست قابل بررسی به نام اسرائیل - آمریکا قرار دارد؛ بن بست که با درگیر کردن منطقه حساس حضور دولت اسرائیل در آن و تهدیدات منطقه ای و جهانی ناشی از این رژیم، به ظاهر بسیار گسترده می نماید. البته رژیم صهیونیستی در چنین سیاستی، هم به تامین منافع خودش می اندیشد و هم نیم نگاهی به یهودیان پراکنده سراسر جهان دارد.

آنچه مسلم است، فقدان یا کمبود ارائه چارچوبی تئوریک برای درک سیاست خارجی اسرائیل، یکی از آسیب های وارد به اغلب پژوهش ها و تحقیقات مکتوب این حوزه به شمار می آید ضمن این که محصور کردن اسرائیل به عنوان کشوری که از سال ۱۹۴۸ به بعد تشکیل شد، نمی تواند آینه ای تمام نما را از سیاست خارجی این رژیم ارائه دهد.

سوالی که نویسندگان و پژوهشگران این حوزه به اشکال مختلف در پی جوابگویی به آن برآمده اند، این بوده که سیاست خارجی اسرائیل چه تاثیری بر روابط این رژیم با اعراب داشته است و آیا اساساً نوع رابطه اسرائیل با اعراب می تواند بیانگر محوریت سیاست خارجی این رژیم باشد؟

کتاب «سیاست خارجی اسرائیل» سعی دارد پارا فراتر از این محدوده ها بگذارد تا نمایی روشن از سیاست این رژیم ارائه کند.

نویسنده در این اثر، در پی دستیابی به یک چارچوب تئوریک صحیح برای مطالعه سیاست خارجی اسرائیل با مطالعه تئوری ها و مدل های ارائه شده توسط نظریه پردازان سیاست خارجی آن رژیم است، بنابراین توجه ویژه ای به سه الگوی «خرد، کلان و تلفیقی (خرد و کلان)» دارد.

بررسی متون سیاست، یکی از بخش های مهم این کتاب است که مخاطب را آماده مطالعه عوامل مؤثر در شکل گیری سیاست خارجی اسرائیل می کند؛ عواملی که به نوعی پارا فراتر از محدوده سه الگوی «خرد، کلان و تلفیقی» می گذارد و وارد عرصه تحلیل های چند علیتی می شود.

اسلامی معتقد است: «شکل گیری سیاست

بسیاری از کشورهای جهان، شهرت جهانی خودشان را مدیون اقدامات مثبتی نظیر پیشرفت در حوزه های گوناگون علمی اند. در نقطه مقابل، برخی کشورها هم وجود دارند که در جهان به خاطر عملکرد نامناسب و شیونت آمیزشان شهره اند. حال اگر این عملکرد تنها به خود این کشورها محدود شود، شاید موضوع مهمی به نظر نرسد، اما از آنجا که در دنیا همه کشورها از سیاست خارجی مشخصی پیروی می کنند که نتیجه روش های پیچیده حوزه سیاست و روابط بین الملل است، عملکرد یک دولت در عرصه سیاست خارجی به یقین می تواند بر شرایط و وضعیت یک منطقه، قاره یا حتی کل جهان تاثیر بگذارد.

کتاب «سیاست خارجی اسرائیل» اثر محسن اسلامی به تشریح اساس و بنیان سیاست خارجی رژیم اشغالگر قدس می پردازد.

آنچه محور اصلی این کتاب را تشکیل می دهد، بررسی این نکته است که نقش «ماهیت دولت اسرائیل» در شکل گیری سیاست خارجی این رژیم چیست؟ از آنجا که ساختار اصلی و ماهیت این رژیم وابستگی بسیار زیاد و پیچیده ای با دولت آمریکا دارد، لذا بررسی ساختار حکومتی و احزاب رژیم صهیونیستی، کمک شایانی به تشریح دقیق سیاست خارجی این دولت است.

اسلامی، نویسنده این اثر، اعتقاد دارد که عملکرد اسرائیل ناشی از ماهیت این دولت است و عوامل داخلی و بین المللی چندان تاثیری بر سیاست خارجی آن ندارند.

بر اساس چنین تفسیری می توان نتیجه گرفت که هرگونه تغییر در سیاست خارجی رژیم صهیونیستی منوط به تغییر ماهوی این دولت است.

اما به راستی چگونه می توان سیاست خارجی رژیم صهیونیستی را از نظر تئوریک بررسی کرد؟ برای این کار، شناخت داشتن از لوازم تئوریک مطالعه سیاست خارجی اسرائیل، یک ضرورت انکارناپذیر است و نویسنده کتاب نیز در گام اول، مخاطبانش را با چنین لوازمی آشنا و خیلی صریح به آنها گوشزد می کند که تحلیل سیاست خارجی دولت صهیونی اسرائیل بسیار متفاوت از دیگر کشورهاست.

البته بررسی منطقه ای که اسرائیل در آن قرار دارد، همراه با روابط استراتژیک با ایالات متحده آمریکا

## معرفی کتاب «سیاست و خردمندی

خاطرات تاریخی سیاسی دکتر علی شریعتمداری»

## تلفیق معنابخش فرهنگ و سیاست



پویا راد؛ خاطرات تاریخی - سیاسی دکتر علی شریعتمداری در قالب کتابی با عنوان «سیاست و خردمندی» اثر این شخصیت فرهنگی، سیاسی گردآوری شده توسط علی محمدگودرزی از سوی انتشارات امیر کبیر منتشر شده است.

علی شریعتمداری که از مشاهیر ایران در حوزه قلم به شمار می آید، ۱۵ دی ماه ۱۳۰۲ در

شیراز متولد شد. خودش درباره زندگانی اش در بخش شرح حال این کتاب می نویسد: «در دوره ابتدایی در مدرسه کمالیه که بعداً به نام هدایت نامیده شد، درس خواندم. دوره دبیرستان را در دبیرستان سلطانی تحصیل کردم و پس از گرفتن گواهی سوم متوسطه، وارد دانشسرای مقدماتی شدم و پس از فراغ از تحصیل در شهریور ۱۳۲۱ در اردکان فارس، به خدمت آموزگاری مشغول شدم...»

وی با قلمی روان و روایت گونه شرح می دهد که چگونه به تحصیل

وی در جملاتی تامل برانگیز می نویسد: «متأسفانه در ایران، ما عادت به توافق نداریم. اصلاً به محض این که اندک اختلافی با کسی پیدا کردیم، تصور می کنیم او دشمن ماست! دیگر از او جدا می شویم! در مقابل او جبهه می گیریم و خیال می کنیم که باید او را از بین ببریم و همین اشتباهات هم سبب شد که در مشروطیت، به اصطلاح مشروطه خواهان واقعی، حمایت مردم را از دست بدهند و بعد همین جدایی ها و بی اعتنائی ها و بی توجهی ها و بلافاصله ترک کردن و نفی کردن ها سبب شد که به اصطلاح این دو دسته در مقابل هم قرار بگیرند و نهضت ملی نتواند از وجود فدائیان اسلام استفاده بکند.»

وی سپس طی دو فصل با عناوین «نهضت مقاومت ملی و فعالیت در دانشگاه شیراز و اصفهان» و «استمرار فعالیت های فرهنگی - سیاسی تا پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی» به تشریح وقایع مهم این سال ها تا زمان پیروزی انقلاب می پردازد و پس از آن ۲۰ صفحه از این کتاب ۱۷۱ صفحه ای به بیان عملکرد و نظرات دکتر شریعتمداری پس از پیروزی انقلاب اسلامی و همچنین درباره موضوع مهم «انقلاب اسلامی و احیای ارزش های انسانی» اختصاص می یابد.

چاپ نخست کتاب «سیاست و خردمندی» از سوی کتاب های سیمیرغ وابسته به موسسه انتشارات امیر کبیر، در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه، ۱۷۱ صفحه و قیمت ۳۴۰۰۰ ریال روانه بازار شده است.

در رشته علوم دینی پرداخت، با خواندن کتاب اصول مقدماتی فلسفه اثر «ژرژ پولیستر» متوجه بی پایگی تبلیغات حزب توده شد، انجمن پیروان اسلام را در شیراز پایه گذاشت، سال ۱۳۲۶ در دانشکده حقوق دانشگاه تهران و در دانشگاه ادبیات آن دانشگاه در رشته فلسفه و علوم تربیتی پذیرفته شد و به ادامه تحصیل در رشته فقه و اصول در مدرسه مروی تهران پرداخت، اردیبهشت سال ۱۳۲۸ تا آستانه زندانی شدن به دست رژیم شاه پیش رفت، سال ۱۳۲۹ به عضویت کمیته نهضت مقاومت ملی درآمد و...»

سوابق پژوهشی، آموزشی و اجرایی، فصل نخست این کتاب را پس از مقدمه و «شرح حال» تشکیل می دهد و پس از آن در فصل نکات تاریخی «فعالیت حزب توده، ملی ها و گرایش های اسلامی» و «پیدایش جبهه ملی و نقش آیت الله کاشانی» بیان می شود.

از آنجا که دکتر شریعتمداری در حوزه فرهنگ و سیاست دغدغه ها و کارهای فراوانی داشته است، حکایت های مستندی که در این کتاب درباره اختلاف جناح های نهضت در کودتای ۲۸ مرداد بیان می شوند، روایاتی خواندنی اند.

در این کتاب که به صورت سوال و جواب به رشته تحریر درآمده، دکتر شریعتمداری توضیح می دهد که چگونه به تدریج، اختلاف میان فدائیان اسلام و دولت شدید شد.





دستاورد بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب برای آثار حوزه‌های تئاتر و سینما

# پیر و جوان در پی نمایشنامه‌های خوب

بیست و سومین نمایشگاه بین المللی کتاب تهران در شرایطی به پایان رسید که تازه‌های نشر معرفی شده در آن، از این پس در فروشگاه‌های کتاب در دسترس علاقه‌مندان قرار خواهند گرفت. در حوزه کتاب‌های سینما و تئاتر نیز نکات مثبت و منفی در جریان برگزاری نمایشگاه به چشم آمدند. در نمایشگاه امسال نشرانی نظیر افراز، ثالث، چشمه، نیلوفر، سبزان، نمایش، سوره مهر، سروش، ساقی، حرفه هنرمند، نی، نیستان، قطره، هرمس، منظومه خرد، فرهنگستان هنر، روزنه کار، هزاره سوم اندیشه، پرسش، فرهنگ جاوید، فتنوس، سپیده سحر و نوروز هنر، کتاب‌های حوزه سینما و تئاتر را عرضه کرده بودند که با وجود کمبودها می‌توان این امیدواری را داشت که هنوز هنر به ویژه سینما و تئاتر جایگاه خاص خود را در میان اهالی کتاب دارد.

در این گزارش برای دستیابی به شناخت مخاطب در این حوزه‌ها با مدیران انتشارات و مسؤولان غرفه‌های کتاب درباره استقبال و کیفیت آثار ارائه شده گفت و گو شده است.

وحید عزیزی، مدیر غرفه انتشارات سوره مهر، از استقبال مخاطبان از کتاب‌های ایرانی و نمایشنامه «قطار» توفیق الحکیم و این که عرضه و تقاضای خوبی صورت گرفته، ابراز خرسندی می‌کند.

بابک محقق در غرفه فرهنگستان هنر درباره این که چرا امسال تنها یک کتاب در حوزه سینما از طرف این فرهنگستان به چاپ رسیده می‌گوید: «گروه‌های سینما و تئاتر فرهنگستان فعال نیستند و البته پیشنهاد کتاب خوب و مترجم خوب هم کمتر وجود دارد. اگرچه تقاضای کتاب از طرف مخاطبان بسیار زیاد است، اما متأسفانه در حوزه تئاتر و سینما از سال‌های قبل تاکنون کتاب‌های محدودی را تولید کرده‌ایم. میثم بهیستی در غرفه انتشارات ثالث می‌گوید: «این کتاب‌ها مخاطبان خاص خود را دارند که یا دانشجوی سینما و تئاترند، یا اهل فیلم. با این حال کتاب‌های کمی برای چاپ و عرضه وجود دارد.»

اکبر قدیمی هم در انتشارات نیلوفر از استقبال کم

مخاطبان ابراز تأسف می‌کند. در غرفه نشر نی، حسین شریفی از استقبال خوب کتاب‌هایشان که توسط تینوش نظم جو در حوزه ادبیات نمایشی ترجمه شده، می‌گوید و مسعود نبوی در حوزه سینما تنها آدم‌های مرتبط با هنر سینما و جوانانی را که علاقه مند به این کتاب‌ها هستند را مورد اشاره قرار می‌دهد و این موضوع را به دلیل آگاهی کم افراد از سینما می‌داند و می‌گوید که هنر با مطالعه کتاب می‌تواند اشاعه بیشتری بیابد.

اما لطف الله ساغروانی، مدیر انتشارات هرمس، از پایین بودن شمارگان کتاب‌هایشان اظهار نارضایتی می‌کند و می‌گوید: «چرا باید ناشرانی که در غرفه‌هایشان تعداد محدودی کتاب وجود دارد، با شمارگان بالا کتاب منتشر کنند، اما کتاب‌های ما که با استقبال خوبی روبه‌رو می‌شوند، کمتر این امکان را داشته باشند.»

حبیب فروغی مدیر انتشارات سبزان که در حوزه تئاتر بیشتر آثار ترجمه دادویی را به چاپ رسانده، از استقبال مخاطبان ابراز خشنودی می‌کند و می‌گوید: «می‌خواهیم امسال آثار نویسندگان و مترجمان دیگر را نیز به چاپ برسانیم.»

نشر قطره که در سال‌های اخیر، آثار قابل توجه و ارزشمندی را در حوزه سینما و تئاتر با نظارت دکتر قطب‌الدین صادقی منتشر کرده است، امسال هم جزو پراستقبال‌ترین غرفه‌های نمایشگاه بود.

صفر علی نژاد، مسؤول غرفه این نشر، در این باره می‌گوید: «سال‌های پیش نمایشنامه خوان کمتر وجود داشت، اما اکنون پیر و جوان برای تهیه کتاب‌های ادبیات نمایشی به نمایشگاه می‌آیند و نمایشنامه خوانی مثل رمان رواج پیدا کرده است که دلیل آن شاید کم‌اجرا شدن تئاتر و آثار نمایشی منتشر شده باشد.»

در انتشارات نمایش، گیتا بهادری از این که فکر نمی‌کرده‌است کتاب‌های تئاتر اینچنین مورد استقبال قرار گیرد، اظهار خرسندی می‌کند و می‌گوید: «به دلیل این که ما تنها ناشر تخصصی در حوزه تئاتریم، تنها با افراد مرتبط با آن در ارتباطیم، اما با این حال



امسال نسبت به سال گذشته استقبال خوبی از آثارمان صورت گرفته است، هر چند من فکر می‌کردم کمتر از این باشد.»

بهادری در پاسخ به این سوال که چرا انتشارات نمایش نسبت به نشر قطره کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد می‌گوید: «به دلیل این که ما بیشتر ناشناخته‌ها را در حوزه نمایشنامه نویسی ایران به چاپ می‌رسانیم، اما نشر قطره با آثار معروف ادبیات نمایشی جهان را منتشر می‌کند.»

انتشارات سروش هم که اغلب، آثار مرجع و منابع درسی دانشکده‌های هنری را به چاپ می‌رساند، چاپ دوباره کتاب‌های مورد نیاز دانشجویانی و پژوهشگران سینما و تئاتر را که کمتر در بازار کتاب موجود است، روانه نمایشگاه کرده بود. کتاب‌های حوزه سینما و تئاتر در انتشارات سروش از پر فروش‌ترین و بالاترین سطح استقبال مخاطب برخوردار بودند. اگرچه عناوین تازه‌های کتاب‌های سینمایی و تئاتری کمتر به چشم می‌خورد، اما همین

کتاب‌های موجود از مهم‌ترین منابع دانشجویان به حساب می‌آیند و این به گونه‌ای است که همان استادان، کتاب‌های تالیفی خود را به عنوان منبع درسی دانشجویان خود معرفی می‌کنند!

جواد ذوالفقاری که از مترجمان و نویسندگان ادبیات نمایشی است، مدیریت انتشارات نوروز هنر را هم برعهده دارد. او تاکنون نمایشنامه «بزن نگوله پا»، «کدو قلقله زن»، «خرمشیر»، «دم دوز» و «بازی پسر و گرگ» را در شاخه نمایش‌های عروسکی و کتاب‌های «تجیر ۱ و ۲»، «سیاوش، فرنگیس»، «بازی در شب»، «دنیای استثنایی آلفرد ژاری» را نوشته و آثار دیگری نظیر «هنر عروسکی» اثر بیل برد، «حرفه من» اثر سرگئی ابراستف، «تئاتر مردم ستمدیده» و «تئاتر قانون گذاری» اثر آگوستو بوآل، «بازگشت استاد رقص» اثر هنینگ مانکل، «آشپزخانه» اثر بانا یوشیموتو و پنج نمایشنامه از فدریکو گارسیا لورکا را ترجمه کرده است.

ذوالفقاری درباره استقبال و نشر کتاب‌های حوزه سینما و تئاتر می‌گوید: «ما در حوزه تئاتر، کتاب‌های محدود، اما تخصصی و کارشناسی شده را چاپ می‌کنیم. به طور مثال کتاب‌های آگوستو بوآل را با تحقیق و پژوهش منتشر کرده‌ایم تا خوانندگان اطلاعات مناسبی از وی به دست بیاورند.

یکی از مشکلات در کتاب‌های تئاتر، چگونه نگاه کردن به تئاتر است؛ از همین رو، ما کتاب‌های علمی و کاربردی را به چاپ می‌رسانیم که می‌توان به «چگونه نمایشنامه‌های مدرن را بخوانیم؟» اثر کنت پیکرینگ با ترجمه آیتا‌هایر اپتیان و «فراسوی متن، فراسوی شگرد» اشاره کرد. همچنین کتاب «کارگاه نمایش» اثر حمیدرضا ری شهری نگاه‌های تحلیلی به تئاتر را بررسی می‌کند.»

انتشارات نوروز هنر که ذوالفقاری در آن بیشتر در شاخه تئاتر عروسکی فعالیت چشمگیری داشته است، بعد از انتشارات نمایش، بیشترین کتاب‌ها را در این حوزه تولید کرده است که بسیاری از آنها منابع مورد استفاده در طرح سوالات کنکور کارشناسی ارشد هم بوده‌اند.

وی می‌افزاید: «درام بدون نمایشنامه خوب راه به جایی نمی‌برد. ما در حوزه تئاتر، در حوزه‌های بازیگری، کارگردانی، طراحی و موسیقی پیشرفت کرده‌ایم، اما هنوز نمایشنامه خوبی نداریم و این به دلیل آن است که کمتر به پژوهش می‌پردازیم و بیشتر افراد می‌خواهند در کار اجرا قرار بگیرند. درست است که نهایت تئاتر، اجراست، اما اصول و ساختار درام در نمایشنامه متجلی است که بر مبنای متن خوب استوار است. از این رو، آثار نمایشنامه‌نویسان مطرح جهان را می‌توان بارها مطالعه کرد، ولی موفقیت تئاتر امروز ایران در فرم و شکل اجرایی آن است نه در نگارش متون نمایشی.»

امیر کاووس بالازاده، مدرس و پژوهشگر تئاتر هم که کتاب «فرهنگ نام‌های ایرانی» او توسط انتشارات صدای معاصر در نمایشگاه عرضه شد، درباره آثار منتشر شده تئاتر و سینما می‌گوید: «نسبتاً کتاب‌های خوبی عرضه شدند، اما از آنها کمتر استقبال می‌شد.»

بالازاده در پاسخ به این سوال که آثار منتشر شده در حوزه سینما و تئاتر تا چه حد برای دانشجویان این رشته‌ها کاربرد دارد، می‌گوید: «اگر این کتاب‌ها را به عنوان منبع درسی قلمداد کنیم، باید بگوییم که کمتر مورد توجه‌اند و بدون شک بسیاری از این کتاب‌ها امکان تجزیه و تحلیل در کلاس‌ها را برای دانشجویان نخواهند داشت. باید به آثار ارزشمندتر بیشتر توجه کرد تا در نتیجه آن، زمینه آموزش برای دانشجویان بیشتر فراهم شود.»

وی همچنین اظهار داشت: «به عنوان مثال، انتشارات سوره مهر و کتاب نیستان آثار بعضی از نمایشنامه‌نویسان و فیلمنامه‌نویسان را منتشر کرده‌اند که کمتر کسی برای مطالعه سراغ آنها خواهد رفت.»

چگونه است، می‌گوید: «نشر این کتاب‌ها، اقدامی خوب و معتبر است، اما توزیع آن مشکل دارد و به خوبی در دسترس علاقه‌مندان قرار نمی‌گیرند. درست است که ناشرانی در این حوزه‌ها فعالیت می‌کنند، اما تعدادشان کافی نیست.» او می‌افزاید: «کار ناشر تولید کتاب است و درباره کیفیت آثار منتشر شده، نمایشنامه نویسان هستند که می‌بایست آثار خوبی خلق کنند.» انتشارات نمایش از پژوهشگران با آثار خوب حمایت و به مناسبت‌های مختلف مثل جشنواره‌ها و سمینارها، کتاب‌هایشان را چاپ می‌کند. شورای تشخیص چاپ متون انتشارات نمایش اگر آثاری را رد می‌کند، اشکال به خود هنرمندان و نویسندگان برمی‌گردد که کمتر به پژوهش می‌پردازند؛ چرا که کار خوب نیاز به پژوهش دارد. ناشر که نمی‌تواند کتاب بنویسد، بلکه نویسنده باید خوب بنویسد، وگرنه جای نقد همیشه باقی است. از همین رو اگرچه این آثار ایده‌آل نیستند، اما خیرالموجودین هستند.

دکتر صالح پور در پاسخ به این سوال که چرا کمتر به پژوهش توجه می‌شود می‌گوید: «آموزش باید از دانشگاه‌ها شکل بگیرد اما متأسفانه امروزه کمتر و به شکل نامطلوب اتفاق می‌افتد. باید در دانشگاه‌ها به کیفیت آموزش و پژوهش توجه بیشتری شود تا از برآیند آن تولید مناسبی شکل بگیرد. دانشجویان منابع خوبی ندارند و همین مشکل بر روند کارشان تأثیر می‌گذارد. از بین این همه فارغ‌التحصیل رشته ادبیات نمایشی، هنوز نمایشنامه نویسان کمی را می‌توان سراغ گرفت که آثارشان مثل محمد چرمشیر، علیرضا نادری، نغمه ثمنی و محمد رحمانیان باشد و هنوز نمایشنامه‌نویسان مطرحی نظیر اکبر رادی، غلامحسین ساعدی و بهرام بیضایی مورد نظرند.»

## نگاه مدرسان تئاتر به نمایشگاه

دکتر اردشیر صالح پور، مدرس و پژوهشگر تئاتر که دو کتاب «پیش‌خوان در تعزیه» و «به نقش‌های سوگوار» او در نمایشگاه عرضه شد، در زمان برپایی نمایشگاه درباره موضوع تعزیه که نشست آن از سوی سرای اهل قلم برگزار شد، سخنرانی کرد. او موضوع سخنرانی خود که تحت عنوان تعزیه نمایشنامه ایرانی بود را چنین مطرح می‌کند: «هویت، ویژگی‌ها، ساختار و فرآیندهای شکل‌گیری هنر تعزیه و مولفه‌های تشکیل دهنده آن که اغلب از مبانی فرهنگ ایرانی اعم از آثار ادبی، حماسی و آیینی برخوردار است، موضوع سخنرانی ام بود؛ همچنین بخش‌های مختلف فرهنگ عامه و تأثیر جغرافیایی اقلیمی و بومی بر تعزیه‌های ایرانی و تفاوت‌ها و تمایزهای آن و نیز ارکان و بنیان‌های فرهنگ ایرانی و شعر به عنوان زبان هستی‌شناسانه در ارتباط با تعزیه.»

وی می‌افزاید: «کتاب‌هایی که تأثیر مستقیمی در تعزیه دارند؛ اعم از مقتل‌ها، حمله‌ها، قصه‌های عامیانه، روضه‌ها و اشعار (مراثی) شاعران که اغلب از عهد کلاسیک تا قاجارند، منبع مورد استفاده این سخنرانی بودند که شامل کتاب‌هایی نظیر «خاوران‌نامه»، «دلگشا‌نامه»، «روضه‌الشهدا»، «حمزه‌نامه»، «حملة راجی»، «طوفان البكاء»، «امیر ارسلان» و «مراثیه‌های کلیم کاشانی» می‌شوند.»

دکتر صالح پور، کتاب «به نقش‌های سوگوار» را پژوهشی تطبیقی در مجالس تعزیه و پیشخوانی و نعمات آوایی و مبنای و فرهنگ ایرانی معرفی می‌کند.

وی در پاسخ به این سوال که جایگاه نشر در حوزه‌های تئاتر و سینما



مرضی قدیمی

منصور ضابطیان را بیشتر به عنوان یک روزنامه‌نگار می‌شناسیم که گفت‌وگوهایش با چهره‌های هنری و سیاسی، در روزنامه‌ها و نشریات مختلف، منتشر می‌شد. او همچنین بخشی از مطالب خود را در مطبوعات به گزارش‌هایی اختصاص داده که حاصل سفرهایش به شهرهای مختلف است. بازنویسی این گزارش‌ها، به همراه عکس‌هایی از این سفرها که در طول شش سال صورت گرفته‌اند تبدیل به کتابی شده است تحت عنوان «مارک و پلو» که در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از آن رونمایی شد. این کتاب توسط نشر مثلث روانه بازار شده است.

گفت و گو با منصور ضابطیان درباره کتاب «مارک و پلو»

# آدم‌ها مهم‌ترین بخش سفر هستند

چرا مارک و پلو؟

سعی کردم با اسم مارک و پلو یک نوع بازی داشته باشم که می‌تواند برای مخاطب جالب توجه باشد. البته ما ایرانی‌ها وقتی به سفر می‌رویم دو نکته برایمان قابل تأمل می‌شود؛ اول این که در کشورهای خارجی با چقدر مارک و مقوله تبلیغاتی مواجه می‌شویم و دیگر این که در این سفرها اغلب با کمبود پلو مواجه می‌شویم و مجبوریم غذاهای جدید را تجربه کنیم.

عنوان کتاب این تصور را ایجاد می‌کند که احتمالاً با یک کتاب در حوزه طنز مواجه هستیم؟

فکر نمی‌کنم این طور باشد چرا که روی جلد نوشته شده مجموعه‌ای از سفرنامه و عکس.

چطور شد که تصمیم گرفتید چنین کتابی بنویسید؟

وقتی شما به طور مرتب می‌نویسید و تولید داری به مرور به این نتیجه می‌رسی که چه مطالبی برای مردم و مخاطبان جذاب است. من تجربه سفرنامه نویسی را در مطبوعات داشتم و با توجه به استقبال که از آنها شد تصمیم گرفتم آنها را تبدیل به یک کتاب کنم.

یعنی همه این گزارش‌ها قبلاً چاپ شده است؟

برخی از آنها بله و برخی جدید هستند. البته آنهایی که قبلاً چاپ شده بودند مجدداً بازنویسی شدند و مطالبی نیز به آنها اضافه شد و تصور می‌کنم در کنار هم قرار گرفتن این گزارش‌ها بتواند مجموعه جالب توجه‌ای شود.

مارک و پلو گزارش چند سفر است؟

مجموعه ۱۰ سفر به فرانسه، اسپانیا، سوریه، لبنان، ایتالیا، اتریش، کره جنوبی، هندوستان، ارمنستان و آمریکا است.

آیا این گزارش‌ها وجه اشتراکی با هم دارند؟

قطعا هر یک از این گزارش‌ها حال و هوای خاص خودشان را دارند. اما در عین حال یک وجه مشترک مهم دارند. من در همه سفرهایم به آدم‌ها خیلی توجه کرده‌ام و این موضوع همیشه بیش از موزه‌ها، مراکز



خرید و اماکن دیدنی برایم مهم بوده است. در سفرها سعی کرده‌ام آدم‌ها را بیشتر ببینم و آنها را بیشتر بشناسم.

یعنی این کتاب می‌تواند کمک کند تا مثلاً فرانسوی‌ها را بهتر بشناسیم؟

ببینید هیچ کتابی به تنهایی نمی‌تواند در شناخت آدم‌ها کمک کند و چنین شناختی، قاعدتاً نیازمند مطالعات متوالی و تجربیات شخصی است. البته معتقدم با این کتاب مانند دیگر کتاب‌هایی مشابه می‌توان با بخشی از حس و حال و خلق و خوی هندی‌ها، فرانسوی‌ها، آمریکایی‌ها و ... آشنا شد.

برای هر گزارش چه تعداد عکس انتخاب کردید؟

حجم گزارش و تعداد عکس‌ها به مدت زمان حضور در آن کشور بستگی دارد و با هم متفاوت هستند.

در عکس‌ها هم خبری از موزه و اماکن دیدنی نیست؟

دقیقاً. در عکس‌ها هم دنبال آدم‌ها بوده‌ام؛ شکار کردن لحظه‌های زندگی آنها و از دور دیدنشان. آیا مشابه این کتاب را دیده‌اید؟

حداقل در ایران ندیده‌ام. سفرنامه‌هایی که در دسترس هست اغلب آثار متأخرین است که جایگاه خاص خود را دارند و سفرنامه‌های متقدمان نیز شاید نتوانند تا این حد متنوع باشند. در این کتاب گزارش‌هایی را از شرقی‌ترین کشور، یعنی کره جنوبی تا غربی‌ترین کشور یعنی آمریکا، می‌خوانیم.

آیا سعی کرده‌اید تا متن و زبان کتاب ویژگی خاصی داشته باشد؟

سعی کرده‌ام که متن گزارش‌ها خواندنی و راحت باشد. به عبارت دیگر به هیچ عنوان سعی نکردم زور آزمایی ادبیاتی داشته باشم. کتاب و گزارش‌ها تلاش می‌کنند تا آنچه را که در سفر دیده شده، بتوان به تصویر کشید.

نوشتن کتاب چه دشواری‌هایی برایتان داشت؟

فکر می‌کنم با کمی زحمت همراه شد، چرا که باید همه مطالب از نو دیده و نوشته می‌شد. همه عملکرد این ۶ سال را بازمینی کردم. ضمن آن که گرافیک سختی اجرا شد که زحمت آن را فرهاد رستمی کشیده است.

چقدر این کتاب می‌تواند دیگران را به نوشتن خاطرات سفرهایشان و احتمالاً تولید کتاب سفرنامه ترغیب کند؟

شاید بتواند جرقه خوبی برای نوشتن باشد. البته باید دقت کنیم که اگر می‌خواهیم سفرنامه بنویسیم نباید زمان را از دست بدهیم. خود من اغلب سفرنامه‌ها را در حین سفر و در فاصله کمی بعد از سفر نوشته‌ام چرا که به مرور، لحظات و اتفاقات را فراموش می‌کنیم.

به ویژه ادبیات جهان را همواره دنبال می‌کنم. من در داستان نویسی به رئالیسم اعتقاد زیادی دارم. باور من بر این است که دیگر دوره نوشتن رمان‌های فراواقعگرا گذشته است و جامعه ما به رمان‌های واقعگرا نیاز دارد. نوشتن داستانی که مورچه‌ها از کف دست کسی بیرون بزنند، کمکی به ما نمی‌کند.

به همین دلیل من تحت تاثیر نویسندگانی چون فلورب، استندال، رومن گاری، ناباکوف و چخوف بوده‌ام.

این کتاب تا چه اندازه به زندگی شما نزدیک است و اسم‌هایی که در آن آمده چطور انتخاب شده‌اند؟

البته بیشتر شخصیت‌ها اسم ندارند... بخش‌هایی از کتاب به من نزدیکی زیادی دارد، از جمله اپیزود اول آن. اما در بخش‌های دوم، شخصیت‌هایی وارد داستان شده‌اند که شباهت کمی به من داشتند. به هر حال یک نویسنده هر جور که بخواهد بنویسد، شخصیت‌هایش کمی به او شباهت خواهند داشت. البته شخصیت‌های مرد این داستان ما به ازای خارجی‌ها ندارند و از تخیل من آمده‌اند. علاوه بر آن هیچ‌یک از ماجراهای این رمان واقعا اتفاق نیفتاده و ساخته و پرداخته ذهن من است. در مورد اسم شخصیت هم همان طور که

شما اشاره کردید، به جز شهلا و رافائل، کسی اسمی ندارد. البته رافائل هم اسم واقعی نیست و در واقع لقبی است که خانم داستان به نقاش داده است، چرا که به نظرش چهره او شبیه نقاش‌های کلاسیک است. این گونه خودم را تا اندازه‌ای از نامگذاری خلاص کرده‌ام.

بهره زیادی گرفته‌اید، ادبیات ایران و جهان چقدر در کار شما تاثیر داشته است؟

تاثیر من از سینما، علاوه بر فرم روایی، تصویرهایی است که در کارم می‌آورم. ولی این نکته به این معنی نیست که به ادبیات بی‌توجه باشم، چرا که به هر حال در خلق یک اثر ادبی هستم. ادبیات را

گفت و گو با آرام شاد درباره «به پشت سر نگاه نکن»

## قصه‌هایی از آدم‌های معمولی

کاوه رحمانی: نسل جدید داستان‌نویسی ایران همچنان به کار خود ادامه می‌دهد و حاصل این تلاش در قالب مجموعه‌های مختلف به چاپ می‌رسد. متنی که در ادامه می‌آید، حاصل گفت‌وگو با یکی از این داستان‌نویسان جوان است. آرام شاد که سابقه کار نمایشنامه‌نویسی هم دارد، نخستین رمان خود را به تازگی منتشر کرده است. این رمان «به پشت سر نگاه نکن» نام دارد. وی همچنین مجموعه داستانی دیگری را در دست انتشار دارد.

علاقه مندم و از همین رو تا جایی که ممکن است سعی می‌کنم بیشتر فیلم ببینم. من فیلم‌های زیادی دیده‌ام و اطلاعات خوبی در عرصه سینما دارم. در

همان روزهایی که روی پنج داستانی که برای مجموعه آماده کرده بودم، کار می‌کردم، فیلم «بابل» را دیدم. روایت این فیلم برای من خیلی جالب بود. کارگردان خرده‌روایت‌های مختلفی را کنار هم گذاشته بود و مجموع این روایت‌ها، فیلم را شکل داده بود. من داستان‌ها را دوباره بازنویسی کرد و البته



بله. من خط‌های کوچکی در داستان داده‌ام که شاید مخاطب بتواند حدس بزند که در ادامه چه روی خواهد داد. اما تا کنون کسانی که این کتاب را خوانده‌اند، چه مخاطب حرفه‌ای و چه مخاطب عام، نتوانسته‌اند پایان داستان را حدس بزنند. شاید به همین دلیل باشد که ۱۰ صفحه پایانی کتاب بیشترین توجه را به خود معطوف داشته است و نقد و بررسی که در مورد کتاب انجام شده، به این قسمت اختصاص دارد.

بهره زیادی گرفته‌اید، ادبیات ایران و جهان چقدر در کار شما تاثیر داشته است؟

تاثیر من از سینما، علاوه بر فرم روایی، تصویرهایی است که در کارم می‌آورم. ولی این نکته به این معنی نیست که به ادبیات بی‌توجه باشم، چرا که به هر حال در خلق یک اثر ادبی هستم. ادبیات را

با این مشکل مواجه شدم که آنها را چگونه به هم پیوند دهم، آن هم به گونه‌ای که مخاطب کتاب، تا قسمت‌های پایانی نماند که فصل مشترک این قصه‌ها چیست.

البته بعد از فصل یا قصه اول شما نوشته‌اید که این قصه ادامه دارد...

چند سال است که می‌نویسید؟

نوشتن برای من از نمایشنامه‌نویسی شروع شد. من سابقه ۸ سال کار حرفه‌ای در تئاتر و تجربه کارگردانی، بازیگری و نویسندگی برای نمایش‌ها دارم. نخستین نمایشنامه حرفه‌ای من با عنوان «کوته

در شیراز، حافظ در وایمار» نوشته شد. این نمایشنامه را بیشتر برای کار اجرایی نوشته بودم، در نتیجه تاکنون نسبت به انتشارش کاری صورت نداده‌ام. نمایشنامه دیگری که نوشته‌ام و «پنجره‌ای رو به دیوار» نام دارد. اقتباسی نمایشی از یکی از قصه‌های

کوتاه آنتوان چخوف است. با همه اینها، من همیشه به داستان‌نویسی علاقه داشته‌ام و به طور جسته و گریخته می‌نوشتم. اما از شش سال قبل تصمیم گرفتم داستان‌نویسی را جدی بگیرم.

این رمان به هر حال اولین کتاب شماست؟

بله، اما پیش از آن داستان‌های کوتاهی نوشته‌ام که بیشتر آنها در مطبوعات منتشر شده‌اند. حس می‌کنم که باید برای انتشار قصه‌ها در یک کتاب، تجربه بیشتری داشته باشم. شروع رمان «به پشت سر نگاه نکن» به چهار سال قبل برمی‌گردد. قرار بود این مضمون یک مجموعه داستان کوتاه را شکل بدهد.

این رمان همان ساختار مجموعه قصه‌ای را دارد که از تپاطی جدایی ناپذیر با هم دارد. در نهایت چطور شد که این ساختار را انتخاب کردید؟

در وهله اول من چند داستان کوتاه نوشته بودم و همان طور که گفتم هدفم این بود که یک مجموعه داستان منتشر کنم. از سویی من به سینما بسیار



آسیب شناسی کتاب های حوزه عرفان پژوهی

# ترویج جذابیت های فطری برای کمال جویی

شده که مخاطب عام با پس زدن آنها به این حرکت واکنش نشان دهد و این یکی از مهم ترین نقاط ضعف آثار منتشر شده در حوزه عرفان اسلامی و به خصوص شیعی است.

دکتر شیخ، آشنا نبودن افرادی که به بازنویسی آثار عرفانی می پردازند با قالب های ادبی روز و نوع ارائه مطالب را دلیل دیگر رویگردانی از آثار بازنویسی شده عرفان اسلامی می داند و می افزاید: «یکی از جذابیت هایی که عرفان های وارداتی دارند، این است که یک مدل خیلی ساده از هستی ارائه می دهند که مخاطب می تواند در این مدل پاسخ هایش را به شکل حداقلی دریافت کند. مانمی توانیم زندگی نامه آیت الله قاضی را به عنوان یک عارف تدوین و چاپ کنیم؛ ولی در آن به مقدمات جهان شناختی و انسان شناختی عرفان آقای قاضی نپردازیم. توجه بیش از حد به بعد شریعت مدارانه و فقهاتی زندگی بزرگان عرفان اسلامی، موجب شده که مخاطب نتواند به راحتی به روش زندگی آنها نزدیک شود.

کشورهای غربی، مفاهیم جهان شناسی عرفان مسیحی را در قالب تمثیل و نماد برای کودکان به تصویر می کشند. همین ساده شدن مفاهیم رازموقیت است. دکتر قنبری با اشاره به این که قبل از انقلاب اسلامی، چنین حساسیتی درباره ساده سازی بعضی از متون وجود داشته اما موج دین خواهی که بعد از انقلاب جریان پیدا کرد، مدتی باعث غفلت از آن شد. تنها کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در این زمینه خیلی فعال بود که مدتی است در این زمینه اثری ارائه نداده است. نویسنده هایی هم بودند که مفاهیم را بدون شخصیت ها، بدون این که روی سنت خاصی تاکید کنند، توضیح دادند؛ مثلا کتاب فریبا کلهر با عنوان «امروز چلچله من، فردا چلچله تو» بر پاکی تاکید می کرد. لذا باید اصول آموزه های اسلامی را عرضه کنیم؛ زیرا به خودی خود جذابیت فطری دارند، مفاهیمی مانند سلامتی، اعتدال، پاکی، رشد و خداخواهی (کمال جویی در همه ابعاد) را هیچ کس نمی تواند منکر شود. این اصول را در هر کلمه، تصویر و نقشی می توان ارائه داد. لازم نیست حتما بگوییم حبیب بن مظاهر، آیت الله قاضی، آقای مجتهدی و ... چنین بوده اند و چنین گفته اند.

مطرح شدن اصول، خود به خود جامعه را به سوی اسلامی شدن پیش می برد. یعنی با ترویج این اصول در قالب های متنوع و جذاب، جامعه تسلیم امر خدا و سلامت خواهد بود. نباید اصرار خاصی بر فرم و قالب خاص داشته باشیم. خیلی مهم نیست که برای ترویج این اصول از یک شخصیت استفاده شود؛ باید بر مفاهیم تاکید کنیم تا واکنش متقابل نداشته باشیم. البته تلاش هایی هم انجام شده، اما هنوز دغدغه سازمانی بودن آنها باقی است. با وجود سازمان های متعدد در حوزه فرهنگ، این بخش هنوز آن طور که باید مورد توجه نیست. البته سازمان هایی مثل سازمان تبلیغات اسلامی کارهایی انجام داده اند؛ مثلا در حوزه نوجوانان، مسابقه ای با عنوان وبلاگ نویسی برگزار شد که حاصل آن راه اندازی تعداد بالایی وبلاگ با محتوای اسلامی و معنوی است.

نکته دیگری که این دو پژوهشگر و عرفان پژوه به آن اشاره می کنند، وارد کردن نسنجیده ترجمه های شبه عرفانی به بازار فرهنگ است؛ مسأله ای که در هیچ یک از کشورهای خاورمیانه با آن مواجه نیستیم که شاید آشنا و متخصص نبودن برخی افراد متصدی این امور با مباحث دینی و عرفانی، یکی از دلایل آن باشد.



و معناگراست. فکری می کنم در مقابل زبان و آموزه های ساده و قابل دسترس این عرفان های غیراصیل، ما هنوز اقدام درستی را انجام نداده ایم. ما باید ابتدا متن ها را ساده سازی کنیم. البته در این زمینه کارهای اندکی در عرصه کتاب انجام شده است. اغلب سازمان های ما در این مورد خیلی خفته و ناکارآمد بوده اند. حوزه نیز به موضوع عرفانی توجهی نداشت و دانشگاه ها به تازگی این رشته را دایر کرده اند و نوپا به حساب می آیند و استناداتی قوی و ماهر در حوزه جنبش های نوپدید دینی ندارند، حتی دو واحد درسی در دانشگاه ها با این عنوان وجود ندارد. این مسایل باعث می شود که ما به صورت سازمانی از این حوزه غافل بمانیم. نمی شود ادبیات خاص مثلا ابن عربی و خواجه عبدالله انصاری و حتی جنید بغدادی را برای ایران امروز، برای جوانی که حتی از مطالعات عادی زبان و ادبیات فارسی فاصله گرفته، توصیف کنیم و انتظار داشته باشیم که او به آنها علاقه مند شود. کافی است به آثار عرفان های شرقی که در ایران ترجمه شده اند نگاه کنید. نویسندگان این کتاب ها کمتر از اصطلاحات فنی استفاده کرده اند و بیشتر سراغ جنبه های عملی رفته اند و به طور دقیق شیوه بیان دینی یعنی تمثیل و حکایت و بیان عامیانه را به کار گرفته اند.»

دکتر محمود شیخ نیز آوردن اسلام به متن زندگی مردم و تقویت چهره معنوی اسلام را راهکار مقابله با این جریان می داند و می افزاید: «در عرفان، الگوها مهم تر از متن اند، به طور مثال، متنی که مولانا تولید کرده، بدون شناختن مولانا و آشنا بودن با زندگی شخصی او، شاید خواننده و فهمیده نشود. فکر می کنم باید در مورد معرفی الگوهای رفتاری، دقت بیشتری شود. صداوسیما اخیرا کارهای خوبی درباره عرفا انجام داده است، اما همچنان از یک نکته غافل مانده ایم و آن معرفی الگوهای متنوع برای اقشار مختلف است. برای نمونه، باید شیخ رجبعلی خیاط را برای گروهی و آیت الله علی قاضی را برای گروه دیگری معرفی کرد.»

دکتر قنبری درباره معرفی شخصیت های عرفانی، به نکته مهمی اشاره می کند و آن این است که: «ارگان های ما به صورت نامتعادل این کار را می کنند. در آثاری که در حوزه معرفی چهره های عرفان اسلامی با آن برخورد می کنیم، مطلق انگاری، کیش شخصیت و تجلیل بیش از حد به جای تعریف، باعث

اجتماعی تبدیل می شوند. در فضایی که فردگرایی رشد می کند، در زمانه ای که مدرنیته برای جهان سوم التهاب آوراست و مردم این جوامع نمی توانند خود را با مدرنیته تطبیق دهند و از مجاری مختلف، تسکین دهنده های متفاوتی را جست و جو می کنند، اگر نتوانیم به این نیاز آنها پاسخ دهیم، به یقین افراد از جای دیگر و از فرهنگ های دیگر آن را تامین خواهند کرد.»

سردبیر سایت معناگرا، بازاریابی کتاب، تبلیغات و تهاجم های فرهنگی و نیز برخی مسائل دیگر را از عوامل رجوع بیش از حد انتظار به این آثار معرفی می کند. او این موارد را با دو مثال توضیح می دهد: «به طور مثال مترجم یکی از کتاب های فردی که کل طرفداران او در سراسر دنیا، سیصد هزار نفر تخمین زده می شوند، در ابتدای کتاب می نویسد که در محل ارائه مطالب این نویسنده، بزرگ ترین معبد معنوی جهان شکل گرفته است.»

درجه چنین جمله ای یعنی القای جذابیت. همچنین می توان به برخی اندیشه هایی که تقریبا گونه ای مد تلقی می شوند، اشاره کرد. به عنوان مثال گرایش فمینیستی به دلیل وضعیت اجتماعی در میان خانم ها مد می شود. در این چنین جوامعی کتابی از او شو به بازار می آید که در آن چنین جملاتی درج شده است: «باید جهان را به دست زن ها بسپاریم، ۵۰۰۰ سال است که مردها مگر چه کار کرده اند؟» و ... وی می گوید: «باید جنبه های سیاسی و اجتماعی را نیز به عوامل جذابیت این آثار اضافه کرد. برای نمونه، وقتی یکی از موسسان این فرقه های جدید می گوید که من هیچ دینی را قبول ندارم و مذهب خود را دارم، کسی که قرائت درستی از اسلام نداشته، این فرقه را نقطه درستی می بیند؛ در حالی که او کاملا در اشتباه است.»

این عرفان پژوهان با اشاره به این که فعالیت بیش از حد این گروه ها و رواج اندیشه ها و آثار معرف این گروه ها، فضای فرهنگی جامعه را با نوعی خروج از هنجار و ربه رو با بحران مواجه می کند، راهکارهایی را برای خروج از این وضعیت معرفی می کنند.

دکتر قنبری معتقد است تلاش های سازمانی لازم در این باره صورت نگرفته و باید سازمان ها برنامه های جدی تری در این زمینه تدوین و پیاده کنند. یکی از مهم ترین مباحثی که باید مورد توجه برخی سازمان ها قرار گیرد، بحث ساده سازی متون عرفانی

عرفان اسلامی و مباحث مربوط به آن، در طول تاریخ، همواره طرفداران بی شماری را به خود جلب کرده؛ تا آنجا که این گروه، از تاثیرگذارترین جریان های فکری ایرانی به شمار آمده اند؛ اما با وجود غنای محتوایی و اصالت ممتازی که آموزه های عرفان اسلامی به مخاطبان خود عرضه می کند، شاهد حضور و فعالیت فرقه ها و جنبه های نوپدید دینی و عرفانی در سده اخیر و به ویژه دو دهه اخیر در ایران بوده ایم؛ به گونه ای که آثار مربوط به این جنبش ها در رده پر فروش ترین آثار بازار نشر و کتاب به شمار آمده اند. در این گزارش تلاش خواهیم کرد تا دلایل اقبال مخاطبان عام و خاص را به آثار مربوط به این جنبش ها از سویی و رویگردانی مخاطبان از آثار عرفان عمیق را از سوی دیگر بباییم.

دکتر قنبری، سردبیر سایت «معناسرا» قبل از تشریح دلایل جذابیت این آثار می گوید که مسائل باطنی، جذابیت خاصی دارند که از زمان خاصی آغاز و به دوران خاصی محدود نمی شوند، بلکه از آن هنگام که انسان خود را می شناسد. بر اساس بینش اسلامی با اسماء خداوند آشنا می شود. یکی از این اسم ها، «اسم الباطن» خداوند است. بر این اساس انسان ها به باطن گری میل دارند؛ اما این باطنی گری در دوره هایی خاص ظهور اجتماعی متفاوتی به خود می گیرد که باید با توجه به اوضاع جامعه آن را تحلیل کرد.

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی عواملی را که موجب گرایش عمومی جامعه به سوی جریان های نوپدید دینی، عرفان های وارداتی و اغلب غیر اصیل و کاذب می شود، چنین برمی شمارد: «جهانی شدن، تغییر گروه های مرجع، واکنش های اجتماعی به قرائت های رسمی از دین، پاسخ نگرستن نیازهای فردی در شاخه های شناخته شده و اصیل عرفانی و دینی و پاسخ گیری در شاخه های تقریبا نوظهور. وی در ادامه به ترسیم نمایی کلی از جامعه مدرن و پدیده ای با عنوان جهانی شدن می پردازد و می گوید: «از ویژگی های این پدیده، عرضه کالا های دینی در دوره مدرن است.

در دوره مدرن به جای این که عرفان راهی باشد که انسان را به تعالی و به مقصد عالی برساند، به صورت یک کالا مطرح می شود؛ کالایی که انسان مدرن با آن آرامش و طول عمر پیدا می کند. این کالا به انسان مدرن عرضه می شود تا شخص در سایه آرامش زندگی شاداب تر و با رضایت بالاتری داشته باشد. درباره گروه دیگر که کمی معناگرا ترند، عرفان کمک می کند تا رضایت نسبی از معنای زندگی داشته باشند و خود را متعلق به جریانی خاص ببینند که به یاری آن از روزمرگی صرف، خسته کننده و فرسایشی فاصله بگیرند.»

دکتر محمود شیخ، پژوهشگر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی نیز ضمن تایید گفته های دکتر قنبری، تاکید بیش از حد بر جنبه های سیاسی و فقهاتی دین اسلام و نیز شرایط التهاب آور مدرنیته برای انسان معاصر را مهم ترین ریشه های جذابیت آثار متعلق به عرفان های نوپدید معرفی و این مسأله را چنین تشریح می کند: «ممکن است معرفی بیش از حد اسلام سیاسی و بهادادن به این بعد اسلام در جوامع اسلامی، باعث کم رنگ شدن وجهه معنوی آن شده باشد و مقدمات ورود هویت های چهل تکه موجود در دنیای شرق به ایران را فراهم کند و به راحتی وارد حوزه فرهنگ ما شوند و بدون هیچ مانعی ترجمه و به بازار نشر راه می یابند؛ مخاطبان آنها آرام آرام یکدیگر را یافته و به جریانی فرهنگی و

این سه زن

# وقتی زنان کاخ سفید دست به قلم می شوند

را با جهان در میان بگذارد، رمانی دیگر با نام «از دل برآمده» منتشر کرد که شرح تجربیات و خاطراتش است. وی در این کتاب از خاطرات کودکی خود شروع می کند تا تصادفی که سبب کشته شدن دوستش شد و غصه های فروخورده اش در تمام این سال ها. بعد زمان را جلوتر می کشد و از نخستین قدمی که در کاخ سفید گذاشته و تمام برخوردها و تنش هایی که هنگام وقوع حادثه یازده سپتامبر تحمل کرده، می گوید. گاه به بیان احساساتش می پردازد و گاه تنها به بازگویی تجربیاتش در سفرهایی که داشته اکتفا می کند. رمان «از دل برآمده» در مقایسه با کتاب های کوچکی که همسر جورج بوش برای کودکان نوشته و به دست تصویرسازان آمریکایی تصویرسازی شده، حرف جدیدی می زند و در مطبوعات بازتاب بیشتری داشته است.



**میشل اوباما** همسر باراک اوباما رییس جمهور کنونی آمریکا هم از این قافله عقب نمانده. او که ۴۶ سال دارد، تحصیلاتش را در زمینه حقوق تمام کرده و در خانواده ای بزرگ شده که خود نام «خانواده معمولی» را بر آن گذاشته؛ «از آن دست خانواده هایی که پدر کار می کند و مادر در خانه است و غذا همیشه سر میز حاضر و آماده است.»

میشل اوباما در میان همسران رؤسای جمهور آمریکا شاید جزو زنانی باشد که کمتر دست به قلم برده و کتاب های منتشر شده از او یادر حیطه وضعیت سیاه پوستان در دیاست، یا مجموعه های سخنرانی هایش که بیشتر به زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برمی گردد. وی حدود یک سال پیش کتابی با عنوان «میشل اوباما؛ در عبارت خودش» منتشر کرد و در آن مثل هیلاری کلینتون و لورا بوش به توضیح و تفصیل عقاید و خاطراتش پرداخت. اما این کتاب صرفا تاریخچه ای است از یک سال آمریکا از نگاه وی. بسیاری از منتقدان، استفاده بیش از حد از مطالب روزنامه ها و نقل قول هایی که عینا در این کتاب منتقل شده را بی ارزش دانسته و معتقدند که میشل اوباما صرفا خواسته تاریخ را از دید خود جمع آوری کند. یا شاید هم خواسته از همسران دیگر رییس جمهورهای آمریکا عقب نماند و او هم بالاخره کتابی اجتماعی داشته باشد! وی در این کتاب، هم مشکلات آمریکا و دنیا را بیان می کند و هم از کودکی و خاطراتش سخن می راند.

در کل، بسیاری از منتقدان، این کتاب ها را که به دست همسران چهره های برتر سیاسی نوشته شده اند، فاقد ارزش ادبی دانسته و تنها آنها را مروری بر تاریخ می دانند. اما در کنار این انتقادات شاید بتوان با خواندن تمام این کتاب ها با دیدگاه های متفاوت که گاه با احساسات در آمیخته، تفاوت های دوره های مختلف ریاست جمهوری آمریکا را بررسی کرد.

«دعوتنامه ای برای کاخ سفید: در خانه با تاریخ». وی در این رمان به بازگویی خاطراتش در کاخ سفید پرداخت و سعی کرد در آن، از بعد سیاسی کاخ سفید کمتر صحبت کند و بیشتر به «خانه» بودن آن اشاره کرد. در همان سال ۲۰۰۰ انتشارات سیمون و شوستر هشت میلیون دلار به عنوان پیش پرداخت به هیلاری کلینتون داد تا کتاب دیگری بنویسد! چیزی که برای نویسندگان حرفه ای هم کمتر اتفاق می افتد. اما همسر رییس جمهور آمریکا از این مواجب برخوردار است.

در این کتاب که قرار بود با عنوان «تاریخ زندگی» منتشر شود، هیلاری کلینتون چهار نفر از افرادی را که به او بسیار نزدیک بودند، را گرد هم آورد و از آنها نیز در نوشتن کمک خواست. این رمان بعد از انتشارش در همان ماه اول، چیزی حدود یک میلیون نسخه فروش رفت که بسیاری آن را متأثر از تبلیغات پیش از انتشار می دانستند. «تاریخ زندگی» به دوازده زبان ترجمه شد و نسخه صوتی آن با صدای شخص هیلاری کلینتون توانست نامزد جایزه گرمی کتاب های صوتی شود! این است همسر رییس جمهور بودن. البته حالا هیلاری کلینتون باز هم به کاخ سفید راه یافته. این بار بدون همسرش و به عنوان وزیر امور خارجه آمریکا. بعید نیست او باز هم هوس کند کتاب بنویسد!



**لورا بوش**، همسر جورج دبلیو بوش (چهل و یکمین رییس جمهور آمریکا) از دیگر زنانی است که دست به قلم برده و در کنار زندگی در کاخ سفید، داستان هم نوشته است. او، این گونه که خود می گوید از کودکی به کتاب و کتابخوانی عشق می ورزیده و گهگاه چیزهایی هم می نوشته است.

لورا بوش ۶۳ ساله از آن دسته آدم هایی است که اتفاق های بزرگ و کوچک بسیاری زندگی اش را مدام متحول کرده است. نخستین بن بست زندگی اش این گونه که خود می گوید زمانی اتفاق می افتد که او ۱۷ سال بیشتر نداشته و تنها با رد کردن یک چراغ قرمز با اتومبیل دیگری تصادف می کند؛ تصادفی که ناخواسته جان دوست صمیمی اش را که راننده اتومبیل دیگر بوده، می گیرد. خود بارها در مصاحبه های مطبوعاتی اش گفته: «آن اتفاقی بود که باعث شد تا سال ها ایمانم را به زندگی از دست بدهم».

او در سال ۲۰۰۸ میلادی کتابی با عنوان «تدی روزولت و گنج اورسوی بزرگ» را برای کودکان نوشت. وی در این کتاب سعی کرده تمام توان خود را به کار گیرد و کتابی قابل توجه بنویسد اما کودکان آمریکایی از این اثر استقبال زیادی نکردند.

لورا بوش پس از انتشار این کتاب، برای آن که خاطرات و تجربیاتش

از میان زنان سرشناس در دنیای سیاست، همیشه همسر رییس جمهورهای آمریکا بیشتر به چشم می آید و این، دلیل خاصی ندارد جز این که همسر مرد شماره یک شیطان بزرگند! به جز کارهای حاشیه ای از قبیل راه اندازی بنیادهای خیریه و ارگان هایی که به فعالیت های اجتماعی می پردازند، نوشتن زندگینامه و داستان های کوتاه و بلند بنا به استعداد و سلیقه نویسنده در بین همسرانی که قدم به کاخ سفید می گذارند، امری متداول است. شاید شهرت این زنان، به عنوان کسانی که از نزدیک در جریان تمام رویدادهای سیاسی کاخ سفید قرار دارد، کافی باشد تا دیگر نه به قلمی محکم نیاز باشد و نه استعداد خارق العاده ای برای نویسنده شدن. کتاب های همسران رییس جمهورهای ایالات متحده آمریکا را فارغ از نویسنده شان، نمی توان بررسی کرد. این کتاب ها دیده می شوند، چون نویسنده آنها همسر رئیس جمهور است.



**هیلاری دایان ردهام کلینتون** که دنیا او را به نام هیلاری کلینتون می شناسد، از آن دسته زنانی است که نامش را در دنیای سیاست همه حداقل یک بار شنیده اند. وی ۶۲ سال دارد و تحصیلاتش در رشته حقوق است. او بین سال های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۱ میلادی همیشه در کنار بیل کلینتون، رییس جمهور اسبق آمریکا دیده می شد و در جریان رسوایی اخلاقی همسرش که درباره رابطه با

مونیکا لوینسکی در سال ۱۹۹۸ به راه افتاد، در دادگاه حاضر شد تا درباره بی گناهی رییس جمهور شهادت دهد؛ شهادتی که دروغ بودنش آشکار شد. او در بین سال های ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۰ در ستونی در روزنامه ای گمنام درباره وضعیت زنان و کودکان می نوشت. بعد از آن در سال ۹۶ میلادی با نوشتن رمان «دنیایی باید بزرگ کردن تنها یک کودک» از سختی بزرگ کردن کودکان در دنیای امروزی نوشت و لایه لای آن از خاطراتش هنگام بزرگ کردن کودکانش گفت. هیلاری کلینتون که برای این کتاب توانست برنده جایزه «گرمی» سال ۱۹۹۶ شود، در کتابش این گونه می نویسد: «برای تربیت یک کودک به راستی یک شهر لازم است. خانواده به تنهایی نمی تواند از پس تربیت کودکش برآید.» پس از انتشار این کتاب، «باب دل»، یکی از سناتورهای آمریکایی در همایشی مطبوعاتی از این جمله هیلاری کلینتون انتقاد کرد. وی معتقد بود که هیلاری کلینتون نهاد خانواده را زیر سوال برده و به شایستگی های خانواده در زمینه تربیت کودکان ایمان ندارد.

در سال ۲۰۰۶ که هیلاری کلینتون دهمین سال انتشار کتابش را جشن گرفت، باز هم همین جمله را تکرار کرد و انتقادهای وارد بر کتابش را بی اساس دانست. او در سال ۲۰۰۰ وقتی آب ها از آسیاب افتاد و بیل کلینتون دیگر در مقام رییس جمهور نبود رمانی دیگر منتشر کرد با عنوان

## اوباما و کلینتون، دو کتاب برای یک مقصود



پس از این رمان، باراک اوباما در پاییز سال ۲۰۰۶ با نوشتن کتابش موفق شد نام اثرش را در جرگه پرفروش ترین کتاب ها در روزنامه نیویورک تایمز قرار دهد. این کتاب نه تنها در زمان چاپش بسیار محبوب شد، بلکه دورنمایی از سیر فکری و رویکردهای باراک اوباما را در برابر مسایل مهم دنیا نشان می داد که هنگام تبلیغات انتخاباتی اش نیز بسیار موثر بود. این اثر که «جسارت امید» نام دارد، توانست برای اوباما قرارداد دو میلیون دلاری برای سه کتاب دیگر هم به ارمغان بیاورد که فعلا نوشته نشده اند! «جسارت امید» کتابی است در برگیرنده مقاله ها و بررسی دیدگاه های سیاسی و مقایسه آنها با نظریات دیگر.

«جسارت امید» در مقایسه با کتاب «زندگی من» کلینتون، سرشار از خودستایی نیست. کتاب کلینتون حتی در عنوانش هم خالی از خودشیفتگی نیست!

را منتشر کرد که عنوان «بخشیدن» را بر خود دارد و بیشتر با محتوای خودشناسی و درون گرایی نوشته شده است. وی در توضیح دورنمای این کتاب می گوید: «معتقدم که هر یک از ما می توانیم دنیا را عوض کنیم.»

این کتاب نیز مانند «زندگی من» در مدت کوتاهی پس از انتشارش فروشی چشمگیر داشت. نام بیل کلینتون را در دنیای ادبیات می توان بین چند کتاب دیگر نیز دید چرا که به جز کتاب هایی که به عنوان مجموعه سخنرانی ها و مقالاتش منتشر شده، کتاب دیگری دارد با عنوان «در میان امید و تاریخ» که این کتاب نیز موضوعی سیاسی دارد و بیشتر به موقعیت دنیا در قرن ۲۱ می پردازد و شرایط مردم آمریکا را بررسی می کند.

باراک اوباما نیز در زمان کشمکش انتخاباتی اش، از همین شگرد استفاده کرد. البته اوباما خیلی هم در زمینه نوشتن بی تجربه نبود چون او هنگامی که ۳۴ ساله بود، در یک رمان ۴۰۰ صفحه ای زندگینامه خود را روی کاغذ آورد. وی هنگامی که این رمان را با عنوان «روایه ای از پدرم» در سال ۱۹۹۵ منتشر کرد، گفت: «فکر نمی کردم بتوانم در دنیای ادبیات جای برای خودم پیدا کنم.» اما او در سال ۲۰۰۴ دوباره این کتاب را با اندکی تغییر نسبت به چاپ قبلی منتشر کرد.

آوریل ۲۰۰۸ میلادی، این رقم صرف نظر از مقدار مالیات به ۱۵ میلیون دلار تغییر کرد.

کلینتون در این کتاب به شرح کودکی اش می پردازد: «هیچگاه در کودکی فکر نمی کردم که بتوانم ساکسیوفونم را کنار بگذارم و رییس جمهور آمریکا شوم. اما در دوران مدرسه بود که فهمیدم چقدر به سیاست علاقه مندم.» بیل کلینتون این گونه که خود می گوید، چیزی حدود دو سال و نیم از زندگی اش را صرف نوشتن این کتاب کرده است. خود در این باره می گوید: «به ناشرم گفتم قدر تک تک این صفحات را بدان چون بعضی از آنها اگر ۹ بار دوره نشده باشند، مطمئن باش سه بار را حتما خوانده شده اند.» و در جایی دیگر نوشتن این کتاب دفتر چه هایم را خط خطی می کردم و وقتی نوشتنم تمام شد، چیزی حدود بیست و دو دفتر چه فطور داشتم که نمی دانستم اصلا به درد می خوردند یا نه.» این کتاب آنقدر فطور است که جورج دبلیو بوش درباره اش می گوید: «کتابی دو هزار صفحه ای!»

کلینتون پس از «زندگی من» که در سال ۲۰۰۴ منتشر شد توانست صاحب ۳۰ میلیون دلار شود اما چند سال بعد در سال ۲۰۰۷ کتاب باریک ۲۷۰ صفحه اش



فقط همسران رییس جمهورهای آمریکا به چاپ کتاب علاقه مند نیستند بلکه خود رییس جمهورها هم زیاد این کار را می کنند.

بیل کلینتون، رییس جمهور اسبق آمریکا نیز با آن زندگی پر از ماجرا از جمله چهره های سیاسی ای است که با نوشتن کتاب «زندگی من» باعث شکفتی ناشران شد. «زندگی من» یک زندگینامه خودنوشت از بیل کلینتون است که در آن به شرح آنچه در زندگی اش گذشته، می پردازد. وی در کتابش، دوره هشت ساله ریاست جمهوری اش را با جزئیات تعریف می کند. این کتاب در زمان کوتاهی پس از چاپ توانست بیش از دو میلیون جلد فروش کند. کلینتون در آن زمان مقدار قابل توجهی به عنوان پیش پرداخت چاپ اثرش دریافت کرد. او در مصاحبه ای مطبوعاتی، این رقم را حدود ۱۲ میلیون دلار تخمین زد. اما در



گزارشی درباره چگونگی حضور آرتور شنیتسلر در ایران

# بازیافت فکری از داستان‌هایی با ظرفیت‌های مدرن

تا پایان داستان، مرد بیوه را در میان همه احساسات قابل درک قرار می‌دهد - آرامش و سکون، درک روحانی، دلسوزی نسبت به همسری که نگرانی‌هایی داشته، بدبینی کلی و سرانجام یک نگرانی مهربان و عجیب ناگهانی که دوستش نباید از کشف او باخبر شود. شنیتسلر هرگز فقط به یک حس، آن هم در جایی که چهار حس متناقض ممکن است در یک نفر جمع شود، بسنده نمی‌کند و این همان چیزی است که از دهان یک شخصیت در یک داستان دیگر خارج می‌شود: «روح یک دامنه گسترده است...» «و چه بسیار احساسات متناقضی که یک اتاق در ما ایجاد می‌کند... و ما سعی می‌کنیم بهترین کار را برای حفظ نظم خودمان انجام دهیم، اما این نظم هم واقعا فقط یک چیز مصنوع است. وجود طبیعی ما بر مبنای هرج و مرج شکل گرفته است.» با توجه به وین دوره او، علاقه شنیتسلر به رشته نوپای روانشناسی قابل انتظار بود. گرچه او کار پدرش را که تخصص بر حنجره بود دنبال کرد، اما او به مرور آثار پیشگام در روانشناسی و عصب‌شناسی که توسط چارکوت، کرفت اینینگ و دیگران انجام می‌شد پرداخت و برای مجله جدیدی که پدرش راه انداخته بود در این زمینه مطلب نوشت. او به طور مشخص و با توجه به آنچه مد روز شده بود، به درمان با هیپنوتیزم علاقه نشان می‌داد و مجذوب برهنه کردن ذهن شده بود و آن را با مقررات خودش برای بیمارانی که صدایشان را از دست داده بودند، به کار می‌برد.

اما او گاه‌اگاه این که آثارش برای عناصر روانشناسانه‌ای که در آنها وجود دارد و ممکن است دیگر عناصر داستان را تحت تاثیر قرار دهد و بیشتر به عنوان بررسی تاریخی خوانده شوند، ناراحت بود. اما همان طور که در موارد متعدد تاریخی آمده، این آثار با توجه زیگموند فروید روبه‌رو شد. او شنیتسلر را به عنوان همپای خود نامید و حسودانه بیان کرد که به نظر می‌رسد او قادر به درک «دانش پنهانی» شده که خود فروید توانسته تنها از پس «آزمون‌های دشوار» به کشفشان برآید. هر چند همه داشتند تملق شنیتسلر را می‌کردند، اما او خود بی میل بود که یکسره از فرویدی هامحسوب شود. او رگه‌ای از حس مضحک به درد نخور بودن را داشت که او را محتاط می‌کرد تا مردم را از آن میزانی که پیچیده بودند، پیچیده تر فرض نکند. یکی از همین موارد احتیاط در خاطرانش قابل بررسی است؛ شنیتسلر از یک بیمار زن یاد می‌کند که نه به دلیل روانشناسی، بلکه تنها به این دلیل به او مراجعه کرده بود تا حس حسادت نامزدش را برانگیزد. او نوشته است: «اینجا چیزی برای روانکاو و وجود ندارد؛ یک مرد ابله، زنی که یک دیو کوچک است و دکتري که وجه المصلحه قرار گرفته است.»

با تغییر قرن و گذار از قرن نوزدهم به بیستم، شنیتسلر به نویسنده‌ای مشهور در اتریش بدل شد و تنها هوگو فون هوفمنشتال با او قابل قیاس بود. در این زمان او مهم‌ترین نوشته‌هایش را با عنوان «وینی جوان» پدید آورد. آثار این نویسنده ریزبین در حوزه خود بسیار گسترده بود. او که از «ایسن» تاثیر پذیرفته بود، پس از دیداری با او در نروژ، سعی کرد تا طیفی از دیدگاه‌های سیاسی و اجتماعی را وارد آثارش کند. بنابراین بر طبقه نظامی‌ها تمرکز کرد و به مساله دولل پرداخت. این موضوع، نخست در نمایشنامه «وحشی آزاد» و سپس در رمان کوتاه طنز با عنوان «ستوان گوستل»، یک مونولوگ کم‌دی مبنی بر جریان سیال ذهن که درونیات یک افسر بی پروا را مجسم می‌کند که باید با یک نانو وارد دولل بشود، تصویر شده است. این داستان خشم روزنامه‌های جناح راست را برانگیخت و موجب شد تا او را از هنگی که در آنجا خدمت می‌کرد، اخراج کنند.



شده، داستان‌ها همه به افکار درونی می‌پردازند. در داستان «بیوه» نخستین داستان از مجموعه «بازی‌های شبانه» شوهری که به تازگی سوگوار همسرش شده، در میان نامه‌های همسرش نشسته که با دیدن دستخط بهترین دوستش روی پاکتی از نامه‌های عاشقانه دچار تعجب می‌شود.

در اینجا شنیتسلر حذف‌های به قرینه صورت داده و با پندهای مناسب برای لحظه‌های بحران - آن هم زمانی که افکار شخصیت از هر سو در حال مسابقه دادن است - لحظه‌ای متفاوت را پدید می‌آورد. او استادانه موضوع‌های مادی موجود در اتاق را از برابر چشم ریچارد عبور می‌دهد و با خلق حالتی زیبا برای قضاوت، تلاش برای تثبیت هر روز خود شخصیت را بیان می‌کند. شنیتسلر به طور مشخص، از واکنش مشاهده خشم و نفرت شروع می‌کند و سرانجام تقریبا

پایان قرن در اروپا، بعدها بسیار مورد استفاده قرار گرفت. خود او نیز در سال‌های بعدی زندگی‌اش از این یادداشت‌ها مکرراً برای خلق شخصیت‌هایش استفاده کرد.

نخستین آثاری که شنیتسلر نوشت، نمایشنامه‌هایی آنقدر خوب بود که در کل زندگی او هرگز از خاطر نرفت. این آثار همانطور که والس‌های اشتراوس توسط آثار شونبرگ کنار گذاشته شدند، برگرفته از خود زندگی در آن دوره است. برعکس داستان‌های او به سختی باقی ماندند. با وجود این که موضوع‌هایی که او به آنها پرداخته یکی است و رفتارهای ناشایست و غیرقانونی رایج در میان بورژوازی وینی را بررسی می‌کند، اما در بیشتر این داستان‌ها فضای گیرای محیطی در برابر صداهای افراطی درونی‌روای به حال خودرها شده است. اگر نمایشنامه‌ها همه بر مبنای دیالوگ تنظیم

از آرتور شنیتسلر، نویسنده اتریشی آثار اندکی به فارسی ترجمه و منتشر شده است. اگر از «گریز به تاریکی» که دو سال پیش منتشر شد بگذریم، دکتر حداد اخیراً او اثر او را به فارسی ترجمه کرده است. در بیست و سومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز نشست‌هایی برای بررسی آثار این نویسنده با حضور مترجم دو اثر اخیر او صورت گرفت. علاوه بر این، در مجموعه ۴۵ داستان آلمانی «نامرئی» که توسط همین مترجم انتخاب و ترجمه شده نیز دو داستان از شنیتسلر جای دارد.

گرچه آرتور شنیتسلر هنوز مورد توجه منتقدان و تاریخ‌نگاران فرهنگی است، اما آنها علاقه دارند تا این نویسنده و آثارش را بیشتر به عنوان نمونه‌ای از مقوله‌ای بزرگ‌تر بررسی کنند؛ به عنوان یک وینی، به عنوان یک علاقه‌مند به روانکاو و فرویدی، به عنوان یک یهودی و به عنوان نمونه‌ای از توجه به فرهنگ پر زرق و برق پایان قرن نوزدهم و... نتیجه این که به او آنقدر به عنوان مردی از یک دوره نگاه می‌کنند که دیگر محتوای آثارش را از یاد می‌برند. یک نمونه از این مطالعات، کتابی از پیتر گی با عنوان «قرن شنیتسلر: ساختن فرهنگ طبقه متوسط» است. گی به شنیتسلر به عنوان نمونه‌ای درجه یک برای اثبات ادعایی جدلی در برابر وجود رفتار زاهدانه در دوره ویکتوریایی استفاده می‌کند و به شنیتسلر بیشتر به عنوان مردی که نگاهی متفاوت دارد توجه می‌کند تا یک نویسنده.

این در حالی است که آثار آرتور شنیتسلر هر ۳۰ سال یک بار تجدید چاپ می‌شود و در قالب نوعی از آثار ادبی جای می‌گیرد که از موج ماندگاری برخوردارند. «بازی‌های شبانه» مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه وی که اخیراً با ترجمه جدیدی از مارگارت شافر از زبان آلمانی به انگلیسی ترجمه شده نیز قصد دارد که غفلت از او به عنوان یک چهره مهم ادبی را جبران کند. همه اینها جای امیدواری دارد.

با این حال حتی اگر خود شنیتسلر هم از خاطر رفته باشد، بسیاری از آثار او به عنوان آثاری مردمی، هنوز برای ساخت فیلم‌ها، مجموعه‌های تلویزیونی و نمایش‌ها مورد توجه است. یکی از مهم‌ترین این توجه‌ها، ساخت فیلم «چشم‌بان باز بسته» بود که استنلی کوبریک با اقتباس از یکی از رمان‌های کوتاه وی با نام «رویا» آن را در فضای نیویورک بازسازی کرد و روی پرده برد. «اتاق آبی» نیز بر مبنای یکی از کم‌دی‌های شنیتسلر اخیراً در فضای لندن بازسازی شده و روی صحنه رفته است. این بازیافت فکری از آثار شنیتسلر با توجه به عناصر مدرنی که در داستان‌های او وجود دارد و اشاره به خوش‌گذرانی‌های منقطع جامعه شهری، افسران اشراف نوپا و... امکان‌پذیر می‌شود.

آرتور شنیتسلر در سال ۱۸۶۲ در وین به دنیا آمد و در شرایط شکوفایی فرهنگ آزدیخواهانه آن روزگار رشد کرد. فرهنگ جهان وطنی آن روزگار که به سرعت در حال رشد بود، به ویژه برای یک خانواده یهودی مثل شنیتسلر، آن قدر به راحتی قابل قبول بود که نسل پیش از آنها تصورش را هم نمی‌توانست بکنند. یوهان شنیتسلر، پدر آرتور، یک حنجره‌شناس مشهور و مادرش دختر یک فیزیکی‌دان برجسته بود، با این حال فضای خانه بیش از این که علمی و پزشکی باشد، هنری بود. او دوره کودکی و نوجوانی‌اش را با فراگیری پیانو، نوشتن شعر و آشنایی با تئاتر سرایان و بازیگران مطرح آن دوره سر کرد که به خاطر صدایشان تحت مراقبت پدرش قرار داشتند.

با این حال خاطرات آغاز دوران جوانی او موجب ناخشنودی پدرش شد، اما همان وقایع نگاری دقیق هشت هزار صفحه‌ای است که به عنوان مدرکی برای اثبات چگونگی فرو ریختن ارزش‌های اخلاقی

## ۱۰ سال انتظار برای تولد نخستین رمان

شنیتسلر ۴۶ ساله بود که اولین رمان بلند خود را با عنوان «راهی به گشایش» نوشت. او این رمان را ۱۰ سال در دست داشت و آن را به عنوان اثری «کاملاً شخصی» می‌نامید. این اثر نیز کاری کاملاً سیاسی و تنها کار اوست که در آن کاملاً تلاش کرده تا تصویری از ورود به جهانی تازه را تصویر کند و یکی از معدود آثاری است که موقعیت مضطربانه یهودی‌ها را در جامعه وین بیان کرده است. این داستان درباره عمل یا بی‌عملی گروهی از جوانان است که بین مذهب یهودی و ملیت اتریشی خود سرگردانند. هر چند از این رمان بیشتر به عنوان یک شکست یاد شده و برخی منتقدان معتقدند که او در بیان تراژدی موفق عمل نکرده، اما شنیتسلر قصد نداشت این رمان را به صورت تراژیک بیان کند، بلکه او اعتقاد داشت که موقعیت یهودیان کاملاً کم‌دی تراژیک بود و می‌خواست رمانی بنویسد که هر دو وجه را دربرداشته باشد. اگر این کار ۳۰ سال بعد در پاریس منتشر می‌شد، خیلی‌ها آن را به عنوان اثری اگزوتانسیالیستی تحسین می‌کردند.

در همان زمان، سبک شنیتسلر به طور مدام خوانندگان را به نوشتن برای او ترغیب می‌کرد. با این حال، برنارد شاو اندک زمانی پس از درگذشت شنیتسلر در سال ۱۹۳۱ درباره‌اش نوشت: «من او را با آن دسته از نویسندگانی از نیمه دوم قرن نوزدهم که توهمات خود را از دست داده‌اند و با خرافات خود شکسته شده و نتوانسته‌اند از آن گریز یابند و پا به قرن بیستم بگذارند، در یک طبقه قرار می‌دهم.» با این که آثار شنیتسلر بسیار نوآورانه است و او یکی از نخستین نویسندگانی بود که از روایت سیال ذهن استفاده کرد، اما سلیقه او همچنان محافظه‌کارانه بود. او وقتی برای مدرن‌گرایی نداشت و نسبت به هر چیزی که پروازی فراتر داشت، مشکوک بود. داستان‌های او که با عناصر ملودراماتیک و تصادف‌های مردم‌پسندانه غنی می‌شد، ارائه‌دهنده تضادهای وسوسه‌آمیزی است؛ دیدگاه‌های قرن بیستمی از ویرای فرم‌های قرن نوزدهمی....



# گام در مسیر شبه هایکوسرای

من سخن می گفت/حالا تمام شاخه ها/در تکان همان باد/با من سخن می گویند/من از سرشاری/چه باید بیاموزم؟»

ندایی در این کار زمانی که به مولفه های ایرانی توجه نشان داده، شعرهای ماندگار تری گفته اما زمانی که این موضوع را نادیده گرفته، به مسیری از شبه هایکو سرایی پا گذاشته؛ مسیری که به لحاظ نگاه به عنصر عرفان و طبیعت یادآور کارهایی برآمده از ذهنیتی است که متعلق به ما نیست.

«صحرائی پر از اسب» از آن جهت در میان کارهای ندایی کاری درخور است که نوعی حس جست و جوگری را در خود دارد و این جست و جوگری با کمی مطالعه درباره جنبه های مختلف شعری، می تواند در آینده به سرانجامی منطقی منتهی شود.

استفاده از مضامین و تصویرهایی که به نام شاعران دیگر به ثبت رسیده، کاری است که هر شاعری باید از آن دوری کند اما در چند شعر این مجموعه شاهد استفاده ندایی از این تصاویر هستیم: «نوشتم به نام وطن/در جغرافیای درد/بر قلب گریه ای که غمناک نشسته بر لبه خلیج فارس...» تشبیه نقش ایران به یک گریه نشسته، تصویری که بارها توسط شاعران مختلف مورد استفاده قرار گرفته و در کار ندایی به یک تقلید محض بدل شده است. مجموعه شعر «صحرائی پر از اسب» سال ۱۳۸۸ در شمارگان هزار نسخه و قیمت ۱۷۰۰ تومان توسط نشر امرود عرضه شده است.

کرد که به ترتیب شعرهای تجربی، شعرهای نام و نشان دار و شعرهای کم هویت اند. ندایی در این مجموعه کارهای ضعیف و قوی را با دیدگاههایی مخصوص به لحظه های شاعرانه خود ارائه داده است که می توان بسیاری از کارها را نادیده گرفت. بخشی دیگر قطعه به لحاظ لذت بخشی شعر به ضرر مخاطب تمام خواهد شد و مادر در این فرصت اندک به شعرهای قابل اعتنای او توجه نشان خواهیم داد.

بخشی از کتاب که از آن به عنوان شعرهای نام و نشان دار اسم بردیم، هویت شاعرانه شاعر را منعکس کرده، یعنی این که در این بخش با شاعری مواجهیم که صاحب بدون منازع یک ذهنیت واحد است و حس ترجمه های شعری هرگز در این چارچوب جای ندارد.

بعضی از شعرهای این مجموعه یادآور شعرهایی از شاعران کشورهای دیگرند که ندایی در مقام مترجم مدتی با آنها درگیر بوده و از آنها تاثیر هم پذیرفته است به گونه ای که بعضی از شعرهای این مجموعه یادآور هایکوهای ژاپنی یا شعرهای کوتاه از شاعران کشور کره اند اما زمانی که او به خودش نزدیک شده، هیچ یک از این تاثیرپذیری ها مجال بروز نیافته اند و با شعری قدرتمند مانند این شعر روبه رو می شویم: «حتی اگر خیال بوده باشی/یا لحظه ای برای تنفس/یا پنجره ای که تنها یک بار باز شد/من به قدر یقین ممنونم که توانستی باورم را به دریا بریزی» یا «قبلا شاخه کوچکی بود/که در تکان باد/با برگ برگش با

مصادق می یابد اما بدون تعارف باید گفت که قدرت های این کار به ضعف هایش می چربد.

پونه ندایی به طور مشخص یک شاعر کوتاه سراسر است و اگر با دقت به شعرهایش بنگریم، درخواستیم یافت که شعرهای بلندش هم در صورت یک تقطیع مناسب، قابلیت تقسیم شدن به چند شعر کوتاه را دارند و بر همین اساس کارهای بلند او بعضاً به مرزی از تکرار وارد می شوند اما زمانی که او تصمیم می گیرد شعری با حال و هوای ذهنیت خودش بسراید، به شدت موفق می شود: «خم شد که لیوان عشق را بر دارد/سر به جام سپرد/تن بود/که در بیابان می دود» یا «این شاخه خشکیده/هنوز هم پنجه بر آسمان می کشد/من چرا انگشت به رویای سوخته نمی کشم؟»

«صحرائی پر از اسب» مجموعه ای است که در صورت کمی دقت و حوصله بیشتر می توانست به عنوان یک مجموعه کم عیب و نقص مطرح باشد اما نوعی شتاب زدگی که در لایه لای کارها مشهود است، تا حدی از این قوت کاسته است.

در این مجموعه با شعرهای رنگارنگی مواجهیم که جایشان به لحاظ وضعیت کلامی و موضوعی در یک مقال نمی گنجد و مخاطب مجبور است به این کتاب به عنوان یک کتاب چند وجهی نگاه کند و به شکلی گزینش شده سراغ شعرها برود در حالی که این چند وجهی بودن زیاد هم جزئی ضروری از کلیت کار نیست.

شعرهای این کار را می توان به سه دسته تقسیم

یکی از نکاتی که این روزها در حوزه شعر با آن مواجه ایم، نگاه ویژه به شعرهایی کوتاه به عنوان یک گونه شعری مستقل است، یعنی این که طویل سرایی های بی مورد خیل عظیمی از مخاطبان را از خواندن شعر منصرف کرده و بر همین اساس نگاه ها به سمت شاعرانی معطوف شده که سعی دارند فضاهای فشرده را در شعرهای خود تجربه کنند.

یکی از شاعرانی که باید از او به عنوان یک شاعر کوتاه سرا نام برد، پونه ندایی است. ندایی که یکی از فعالان فرهنگی است تاکنون بیش از ۳۰ کتاب تالیف یا ترجمه کرده است. تسلط این شاعر بر کار ترجمه و شناخت جامعش از ادبیات باعث شده که او سمت و سوهای مختلفی را در کارهایش تجربه کند که البته باید گفت همه آنها نتوانسته اند به موفقیتی درخور دست پیدا کنند، اما تیربینی شاعر را در کندو کاوهای شاعرانه نمی توان نادیده گرفت.

مجموعه شعر «صحرائی پر از اسب» به عنوان آخرین کتاب ندایی، در بردارنده نکاتی است که نشان می دهد سرایش شعرهای کوتاه برای او از اهمیت بسزایی برخوردار است. آنچه در این مجموعه شاهدیم پرتاب لحظه های شاعرانه ای است که با استفاده از کمترین کلمات ساخته و پرداخته شده اند.

همان گونه که گفته شد همه آثار ندایی را نمی توان به عنوان کارهای بدیع به رسمیت شناخت و این گفته در مورد بعضی از شعرهای مجموعه مورد بحث هم

## گزارش آماری هفته

در هفته گذشته از نظر انتشار کتابهای چاپ اول، انتشارات پژوهک فرهنگ و هنر با بیست و یک عنوان کتاب پرکارترین ناشر؛ سیدمحمد ضیاءآبادی با شانزده عنوان پرکارترین مولف؛ و رویا پورمناف با سه عنوان پرکارترین مترجم بوده اند.

«گزارش آماری هفته» از سوی بخش کتابداری و اطلاع رسانی «خانه کتاب» و براساس اطلاعات ثبت شده در بانک اطلاعات این موسسه ارائه می شود. از شنبه ۸۹/۲/۴ تا چهارشنبه ۸۹/۲/۸، ۱۰۳۷ عنوان کتاب در بانک اطلاعات خانه کتاب ثبت شده است. بیشترین تعداد کتابها در موضوع کودک و نوجوان و سپس ادبیات بوده است. پس از آن به ترتیب موضوعات دین، علوم عملی، علوم اجتماعی و سایر موضوعات قرار دارند.

## گزارش آماری کتابهای منتشره در هفته گذشته (به تفکیک موضوع)

ردیف	موضوع	تعداد کل	تالیف*	ترجمه	چاپ اول	تجدید چاپ	تهران	شهرستان	شمارگان متوسط صفحه
۱	کلیات	۲۳	۱۸	۵	۱۵	۸	۲۳	۰	۲۴۱۵
۲	فلسفه و روانشناسی	۵۷	۲۹	۲۸	۲۹	۲۸	۵۳	۴	۲۴۴۹
۳	دین	۱۳۵	۱۱۲	۲۳	۸۹	۴۶	۱۰۱	۳۴	۴۹۳۵
۴	علوم اجتماعی	۱۰۹	۹۳	۱۶	۶۳	۴۶	۱۰۴	۵	۲۲۷۷
۵	زبان	۶۰	۵۶	۴	۳۲	۲۸	۵۶	۴	۲۴۶۵
۶	علوم طبیعی و ریاضیات	۲۸	۲۰	۸	۱۸	۱۰	۲۷	۱	۲۵۹۳
۷	علوم عملی	۱۳۴	۹۵	۳۹	۷۶	۵۸	۱۲۳	۱۱	۲۱۱۷
۸	هنر	۲۷	۱۹	۸	۱۴	۱۳	۲۶	۱	۱۸۷۳
۹	ادبیات	۱۴۵	۱۲۹	۱۶	۹۵	۵۰	۱۲۹	۱۶	۲۲۱۴
۱۰	تاریخ و جغرافیا	۷۴	۶۸	۶	۳۵	۳۹	۷۰	۴	۲۹۰۵
۱۱	آموزشی و کمک درسی**	۴۷	۴۷	۰	۰	۴۲	۴۵	۲	۳۲۵۹
۱۲	کودک و نوجوان	۱۹۸	۱۳۴	۶۴	۹۱	۱۰۷	۱۹۲	۶	۴۴۸۱
	جمع بندی	۱۰۳۷	۸۲۰	۲۱۷	۵۶۲	۴۷۵	۹۴۹	۸۸	۲۹۱۵

\* «تالیف» به تمامی آثاری اطلاق می شود که ترجمه نباشد. آثاری چون تصحیح، تدوین، گردآوری، تحقیق، شعر و نظایر آن.

\*\* منظور از موضوع «آموزشی و کمک درسی» کلیه کتابهایی است که به نحوی با مواد درسی و برنامه های آموزشی تمام مقاطع تحصیلی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان مربوط هستند و مخاطبان آنها دانش آموزان از پیش دبستانی تا دبیرستان هستند.

## شاخص های آماری کتابهای کودک و نوجوان

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
گزارشگر کتاب و بیشترین صفحه	۱۲۰۰۰۰ ریال و ۶۰۲ صفحه	فوت کوزه گری؛ مثل های فارسی و داستان های آن؛ متین پدramی؛ ناشر: مدرسه برهان؛ چاپ ۴؛ ۳۳۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۲۵ مرتبه	قصه های من و بابام؛ شوخیا و مهربانیا؛ اربش از؛ ناشر: فاطمی؛ ۱۰۶ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۲۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۲۵۰۰۰ نسخه	بازی با انگشتها؛ مصطفی رحمان دوست؛ ناشر: همایش دانش؛ چاپ ۱؛ ۵۴ صفحه؛ ۵۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	مالانی بیلوا؛ آن ماری شاپوتون؛ سیما مشهوری؛ ناشر: سبزه خط؛ چاپ ۱؛ ۴۸ صفحه؛ ۱۱۰۰۰ ریال

## شاخص های آماری کتابهای بزرگسال

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۳۰۰۰ ریال	یادمان سردار شهید احمد کاظمی؛ عبدالرضا سامی نژاد؛ ناشر: نیلوفران؛ چاپ ۱؛ ۳۲ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۴۰۰۰۰۰ ریال	دیوان حافظ شیرازی؛ از روی نسخه تصحیح شده علامه محمد قزوینی؛ ناشر: پیام عدالت؛ چاپ ۱؛ ۴۵۸ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۹۹ مرتبه	دا: خاطرات سیده زهرا حسینی؛ ناشر: سورمه مهر؛ ۸۱۶ صفحه؛ ۲۵۰۰ نسخه؛ ۱۲۰۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۳۰۰۰۰ نسخه	آموزش آداب و مهارت های زندگانی اسلامی (طرح کرامت) پایه پنجم ابتدایی؛ کتاب راهنمای معلم؛ ناشر: یادمان هنر اندیشه؛ چاپ ۱؛ ۳۳۸ صفحه؛ ۱۳۵۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۵۰ نسخه	گروه درمانی اختلال استرس پس از سانحه؛ ایمان الله بیگدلی؛ ناشر: دانشگاه سمنان؛ چاپ ۱؛ ۲۷۲ صفحه؛ ۵۳۰۰۰ ریال
بیشترین صفحه	۱۹۱۲ صفحه	فرهنگ فارسی: (۱ - خ) شامل: یک مقدمه و سه بخش: لغات، ترکیبات خارجی، اعلام حاوی: لغات و اصطلاحات فصیح و عامیانه فارسی...؛ محمد معین؛ ناشر: امیر کبیر؛ چاپ ۲۶؛ ۱۵۸۰ صفحه؛ ۴۰۰۰ نسخه
کمترین صفحه	۱۶ صفحه	9]b: UghU g XYfki gh سعیده محمدزکی گودرزی؛ ناشر: علمی و فرهنگی

## شاخص های آماری کتابهای کمک درسی

شاخص ها	مقدار	مشخصات کتابها
ارزاترین کتاب	۱۴۰۰۰ ریال	آملای سبزه ویژه ی کلاس دوم دبستان؛ براساس کتاب بخوانیم و بنویسیم؛ فردوس حاجیان؛ ناشر: راه اندیشه؛ چاپ ۵۲؛ ۷۸ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه
گرانترین کتاب	۱۰۰۰۰۰ ریال	پرسش های چهارگزینه ای شیمی (۲)؛ بهمن بازرگانی؛ ناشر: مبتکران؛ چاپ ۷۳؛ ۴۶۸ صفحه؛ ۳۰۰۰ نسخه
بیشترین نوبت چاپ	۷۴ مرتبه	آملای سبزه ویژه کلاس اول دبستان؛ براساس کتاب بخوانیم و بنویسیم؛ فردوس حاجیان؛ ناشر: راه اندیشه؛ ۸۸ صفحه؛ ۵۰۰۰ نسخه؛ ۱۵۰۰۰ ریال
بیشترین شمارگان	۶۰۰۰ نسخه	ادبیات فارسی (۱) (قافیه و عروض - نقد ادبی)؛ دوره ی پیش دانشگاهی؛ رشته های علوم انسانی - علوم و معارف اسلامی؛ حمید زرین کوب؛ ناشر: مدرسه برهان؛ چاپ ۸؛ ۱۳۶ صفحه؛ ۲۳۰۰۰ ریال
کمترین شمارگان	۱۰۰۰ نسخه	راهنما و بانک سوالات امتحانی فلسفه اخلاق براساس کتاب امیر خواص؛ مینا عربی؛ ناشر: استادی؛ چاپ ۱؛ ۱۰۴ صفحه؛ ۱۸۰۰۰ ریال

تعداد ناشران در این هفته	تعداد پدیدآورندگان				تعداد کتابهای افست
	مرد	زن	مرد	زن	
۳۶۷	۱۱۵	۵۹۹	۵۰	۱۵۰	۵۶

\* مؤلف: تمامی پدیدآورندگان (مانند نویسنده، شاعر، گردآورنده، مصحح و...) به جز مترجم.



آزاده سیدین

رشد روزافزون علوم، حجم زیادی از اطلاعات علمی را روانه کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی کرده است که نیاز به سنجش و مدیریت دارند. کتابداران و اطلاع‌رسانان برای ارزیابی‌های اینچینی به داشته‌های جدیدی در کتابداری نیاز دارند که این روزها با عنوان‌های کتاب‌سنجی، علم‌سنجی، اطلاع‌سنجی و وب‌سنجی مطرح هستند. کتاب «از کتاب‌سنجی تا وب‌سنجی» یکی از متون تخصصی است که کتابداران را با تعاریف، اهداف، تاریخچه و کاربردهای کتاب‌سنجی، علم‌سنجی، اطلاع‌سنجی و وب‌سنجی آشنا می‌کند. برای شناخت بیشتر از محتوای کتاب که توسط نشر کتابدار چاپ شده است، با محسن حاجی‌زین‌العابدینی یکی از مولفان آن گفت‌وگو کرده‌ایم. وی دارای دکترای کتابداری و اطلاع‌رسانی از دانشگاه شهید چمران اهواز است و به عنوان عضو هیأت مدیره انجمن کتابداری و اطلاع‌رسانی ایران و معاون تحقیق و توسعه مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشاورزی فعالیت می‌کند.

گفت‌وگو با دکتر محسن حاجی‌زین‌العابدینی مؤلف کتاب «از کتاب‌سنجی تا وب‌سنجی»

# کتابداران با آمار و ارقام کیفیت علوم را می‌سنجند

اطلاع‌رسانی است که به مقوله‌های آموزش و اطلاع‌رسانی توجه دارد. کتابداران می‌توانند از اطلاعات این مجموعه علمی به عنوان یک کتاب مرجع یا درسی استفاده کنند.

با توجه به این که مباحث مطرح شده در کتاب جدید است به نظر می‌رسد از جمع‌آوری مقالات ترجمه شده دیگران حاصل آمده است. شما نیز چنین عقیده‌ای دارید؟

این تعبیر شما صحیح نیست. به عنوان نمونه فصل وب‌سنجی حاصل تحقیق و مطالعه شخصی من در این باره است که هیچ نمونه خارجی ندارد و مباحث آن برای نخستین بار است که مطرح می‌شوند. اما باید بگویم که ما علم کاملاً ایرانی نداریم. مولفان نیز برای تدوین یک کتاب علمی همه اطلاعات موجود در موضوعات خاص را کنار هم قرار می‌دهند و آنها را با تجربه استادان و مطالعات خودشان بومی می‌کنند.

آیا برای چاپ بعدی کتاب تغییراتی در ساختار محتوایی کتاب اعمال می‌شود؟

بله. صد در صد مباحث مطرح شده در کتاب به خصوص موضوع‌های مرتبط با وب‌سنجی که هر روز تغییر می‌کنند، حتماً نیاز به بازنگری دارند. به روز شدن اطلاعات مرتبط با موضوع کتاب، عامل اصلی تاخیر چاپ آن بود که هر زمان تصمیم می‌گیریم کتاب را منتشر کنیم با مقالات جدیدی در حوزه‌های مختلف کتاب‌سنجی و روش‌های مشابه آن مواجه می‌شویم.



مسئله علمی مکتوب و مضبوطی که در قالب‌های مختلف همانند لوح گلی، طومار، کاغذ، لوح فشرده و یک سایت اینترنتی باشند در کتابخانه‌ها نگهداری می‌شوند. همه این منابع باید در دسترس عموم مردم قرار باشند که اندازه‌گیری و مدیریت آنها بر عهده کتابداران است.

این کتاب بیشتر جنبه آموزشی دارد یا اطلاع‌رسانی؟ این مجموعه، کتابی پایه در حوزه کتابداری و

اینها کتاب‌سنجی، وب‌سنجی و مجاز سنجی قرار دارند.

آیا این روش‌ها به کیفیت اطلاعات توجهی ندارند؟ در این روش‌ها با اندازه‌گیری آمار و ارقام، کیفیت و محتوای متون علمی محاسبه می‌شوند. به عنوان نمونه در وب‌سنجی شمارش تعداد پایگاه‌های اطلاعاتی که به پایگاه اطلاعات مورد نظر ما متصل شده‌اند و تعداد سایت‌هایی که نشانی اینترنتی این سایت را به کاربرانشان ارائه می‌دهند، معیار اصلی اندازه‌گیری است. هرچه تعداد این پایگاه‌ها بیشتر باشند مفهومش آن است که پایگاه اطلاعاتی مورد اندازه‌گیری ما، محتوای بهتری دارد و قابل استناد است.

آیا به نظر شما بررسی محتوا بر اساس آمار و ارقام‌های اینچینی که در کتاب آمده، صحیح است؟

در مورد این معیارها نقد‌هایی در دنیا مطرح شده است که در یک فصل این کتاب با عنوان «آسیب‌شناسی کتاب‌سنجی و روش‌های مشابه آن» به آنها اشاره شده است. اما به رغم همه این انتقادات همچنان این روش‌ها کاربرد دارند و جایگزینی نیز نداشته‌اند. گاپرل، بنیانگذار نمایه‌های استنادی ISI در این باره می‌گوید ما می‌دانیم این روش‌ها چه مشکلاتی دارند که تنها با ایده‌های جدیدی می‌توان از آنها صرف نظر کرد.

چرا کتاب‌سنجی و روش‌های مشابه آن را به کتابداران نسبت داده‌اند؟

کتاب‌سنجی چه مفهومی دارد که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است؟

تا مدت‌ها قبل، علم در دنیا با معیارهای کیفی و محتوایی بررسی می‌شد، بدون آن که کمیت آن مورد نظر باشد. اما بعد از جنگ جهانی دوم، سنجش کمی، آمار و ارقام در حوزه‌های مختلف علوم وارد شدند و واژه‌هایی مثل اقتصادسنجی و روان‌سنجی پا به عرصه ظهور گذاشتند. در حوزه‌هایی که پسوند «سنجی» یا «متریک» داشتند این تفکر حاکم شد که هر مقوله علمی قابل اندازه‌گیری است. این مسأله در علم کتابداری هم مطرح شد و اولین بار «رانگاناتان» پدر علم کتابداری و اطلاع‌رسانی به کتابخانه‌سنجی اشاره کرد. وی گفت بیابیم فرآیندهای موجود در کتابخانه‌ها را به آمار و ارقام تبدیل کنیم و بر اساس آن اطلاعات بدهیم. تا مدت‌ها، اطلاعات اینچینی مطرح می‌شدند و به مرور زمان کتابخانه‌سنجی به شاخه‌های مختلف کتاب‌سنجی، علم‌سنجی، اطلاع‌سنجی، وب‌سنجی و مجاز سنجی تبدیل شد. کتاب‌سنجی، علم‌سنجی، اطلاع‌سنجی و وب‌سنجی در یک راستا هستند و آیا هیچ یک بر دیگری اولویت ندارند؟

نموداری در صفحه ۴۹ کتاب این سوال را به روشنی پاسخ می‌گوید. با توجه به این نمودار اطلاع‌سنجی، همه اطلاعات شفاهی و مکتوب را شامل می‌شود که نسبت به بقیه حوزه‌ها عام‌تر است. علم‌سنجی به عنوان بخشی از اطلاع‌سنجی است که به سنجش علم و مباحث آن می‌پردازد. بعد از

گفت‌وگو با مؤلف کتاب «مدیریت و طراحی جمع‌آوری پسماندهای شهری»

## پسماندها، تهدید انسان و محیط

آیا همه پسماندها ویژگی‌های یکسانی دارند یا در کتاب به انواع مختلف آنها پرداخته‌اید؟

خیر؛ بر اساس آنچه سازمان ملل و کنوانسیون‌های معتبر زیست‌محیطی می‌گویند پسماندها انواع مختلفی دارند که از جمله آنها می‌توان به پسماندهای خانگی، اداری، ساختمانی، ویژه و غیره اشاره کرد. هریک از این پسماندها ویژگی خاص خود را دارند که زباله‌های خانگی شامل مواد آلی هستند و به کود تفکیک می‌شوند. اما پسماندهای ویژه یا خطرناک، سمی، اشتعالزا و انفجاری هستند که نیاز به توجه ویژه دارند.

آیا نوع پسماند با توجه به جغرافیایی که در آن تولید می‌شود نیز متفاوت است که در کتاب به سه کشور آمریکا، هند و

مصر اشاره شده است؟

البته نوع پسماند به محیط بستگی دارد، اما هدف از اشاره به این کشورها تقسیم‌بندی زائدات بر اساس جغرافیایی محل نبود. بلکه ارائه سه الگوی متفاوت از پسماند بود که هریک از لحاظ کیفیت و کمیت با دیگری متفاوت است. برخی جوامع غربی به عنوان

عوامل عمده‌ای شامل آلودگی هوا، صدا، آب‌های سطحی و زیرزمینی و قنات‌ها، وجود فاضلاب‌ها، زباله و دفع نامناسب آنها سلامت محیط زیست انسان را به خصوص در شهرهای بزرگ تهدید می‌کنند که باید مورد توجه قرار بگیرند. شاید آلودگی‌های مربوط به دفع نادرست زباله در میان شهروندان از اهمیت بیشتری برخوردار باشد، زیرا پسماندها به وضوح در سطح شهرها پراکنده‌اند که آلودگی‌های حاصل از آنها سلامتی انسان و محیط اطرافش را تهدید می‌کنند. کتاب «مدیریت و طراحی جمع‌آوری پسماندهای شهری» بنا به همین ضرورت توسط انتشارات جهاد دانشگاهی واحد صنعتی امیرکبیر چاپ شده است که با مسعود منوری، یکی از مولفان آن گفت‌وگو کرده‌ایم. وی دارای دکترای محیط زیست است که به عنوان عضو هیأت علمی و مدیر گروه محیط زیست واحد علوم تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی فعالیت می‌کند.

منظور شما از پسماند چیست که در این کتاب درباره راهکارهای مدیریتی آن نوشته‌اید؟

مطابق با متن کتاب، پسماند مواد زائدی است که در اثر فعالیت‌های مختلف انسانی تولید می‌شود و از نظر تولیدکننده آن قابل مصرف نیست. پسماند شهری نیز بر اساس تعریف سازمان محیط زیست آمریکا (EPA) شامل پسماندهای تولیدشده از منابع مسکونی، تجاری و موسساتی مانند ادارات دولتی، مدارس و غیره است که باید جمع‌آوری شوند.

راهکار اساسی، جلوگیری از تولید زباله انبوه در منبع تولید آن است. با چنین تفکری دیگر با حجم بالای پسماند مواجه نمی‌شویم که مدیریت آن مشکل باشد.

پس در این کتاب بیشتر به مدیریت پسماندهای خانگی اشاره شده است؟

پسماندهای صنعتی که بسیار خطرناک هستند باید توسط پیمانکاران و با رعایت قوانین و مقررات خاص در محل‌های مناسب دفع شوند. اما اکنون با ضعف مدیریت این نوع پسماندها نیز روبه‌رو هستیم که پسماندهای صنعتی و خانگی هم در یک محل دفع می‌شوند. ولی مدیریت زباله‌های خانگی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که تا این نوع پسماندها در جوامع انسانی سازماندهی نشوند نمی‌توان به جوامع صنعتی پرداخت.

آیا این کتاب می‌تواند به عنوان منبع درسی نیز در دانشگاه‌ها تدریس شود؟

بله. ۲-۳ سالی است که مفاهیم این کتاب را در دانشگاه تدریس می‌کنم و امسال تصمیم گرفتم مطالب آن را مکتوب کنم. همه دانشجویان مهندسی و مدیریت محیط زیست و همچنین HSE در دانشگاه‌ها می‌توانند از مطالب کتاب به عنوان متن آموزشی بهره‌مند شوند.

آیا اگر کتاب به چاپ بعدی برسد محتوای آن را تغییر می‌دهید؟

تا آن زمان مناطق دیگری از کشور را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهم که نتایج علمی حاصل شده می‌توانند به متن کتاب در چاپ بعدی اضافه شوند.

کشوری توسعه یافته، هند نزدیک به توسعه یافتگی و مصر مثل ما در حال توسعه تعریف شده که مقدار و کیفیت زباله‌های تولیدشده آنها با یکدیگر بسیار متغیر است. مدیران ما باید بدانند که پسماندها می‌توانند در کشورهای مختلف بر اساس فرهنگ و الگوی مصرفی ویژگی‌های متفاوتی داشته باشند و نباید از سیستم مدیریت پسماند دیگری الگوبرداری کرد.

طبق مطالعات شما درباره تالیف این کتاب، ضعف مدیریت پسماند در کشور ما ناشی از چیست؟

۲۵ سال است که در نواحی مختلف، به خصوص شهرهای شمالی که توریستی هستند و به دلیل مساحت کم و جمعیت زیاد مدیریت پسماند

در آنجا مشکل‌تر است، تحقیق کرده‌ام و متوجه شده‌ام که شهروندان و حتی مسوولان در شهرداری‌ها به جمع‌آوری پسماند، کاملاً سطحی و سنتی می‌نگرند. مردم زباله‌ها را پنهان کرده تا مشاهده نشوند و متصدیان امر در شهرداری‌ها نیز با همین تفکر آنها را به خارج از شهرها هدایت می‌کنند. هیچ گروهی از مردم نمی‌اندیشند که





فرناز میری

## روایت اول شخص

### فانتزی‌ها برای نوجوانان

#### ■ پروین جلوه نژاد، مترجم آثار کودک و نوجوان



کتابی که سال گذشته آن را ترجمه کردم و در نمایشگاه کتاب امسال توسط نشر پیدایش ارائه شد «کورانین» نام داشت، اثری از نیل گیمن. این کتاب برای گروه سنی راهنمایی تا بزرگسال و در فضایی فانتزی نوشته شده و تصویرگر آن نیز «دیو مک کین» بوده است.

همچنین یک مجموعه چهارجلدی از داستان‌های استنلی را برای گروه سنی «ب» و «ج» ترجمه کرده‌ام که نشر چشمه آن را در دست انتشار دارد. این داستان‌ها در ژانر فانتزی، تخیلی اند و شامل عنوان‌های «استنلی ناپدید می‌شود»، «استنلی یادبادک می‌شود»، «استنلی صاف می‌شود»، «استنلی و چراغ جادو» هستند. نویسنده این داستان‌ها جف بروان و تصویرگر آنها اسکات نش است. از سوی دیگر نشر پنجره چهار کتاب از مجموعه داستان‌های «آی وی + بین» اثر آنی باروز با تصویرگری سوفی بلکل را نیز چاپ دارد. این داستان‌ها به زندگی روزمره دو دختر بچه اختصاص دارند و برای گروه سنی «ب» و «ج» توسط آنی باروز نوشته شده‌اند. از این مجموعه دو داستان دیگر را نیز در دست ترجمه دارم. همچنین دو کتاب اثر «ژاکلین ویلسون» با عنوان‌های «زنده به گور» و «نفس گیر» را ترجمه کرده‌ام که انتشارات علمی فرهنگی آنها را در دست چاپ دارد. این کتاب‌ها مناسب گروه سنی «ج» به بالا و اولیاء و مربیان این گروه سنی هستند؛ چرا که جنبه روان‌شناسی دارند و به آموزش ترس‌های نوجوانان می‌پردازند. پیش‌تر از این نویسنده کتاب «دوقلوا» را ترجمه کرده بودم.

جلد سوم کتاب «پندراکن: روزنگاشت سفری در زمان و مکان» نوشته دی. جی. مک‌هیل را برای انتشارات کتابسرای تندیس ترجمه کرده‌ام. این داستان در فضایی فانتزی و تخیلی و برای نوجوانان نوشته شده است. همچنین اثر دیگری از ویلسون با عنوان احتمالی «خانه شاه طوطی» را ترجمه و ویرایش کرده‌ام که توسط نشر کیمیا منتشر و راهی بازار نشر خواهد شد.

### شهرهای باستانی فارس

#### ■ جمشید صداقت کیش، فارس‌شناس و محقق

به تازگی کتاب «کورا زمرد فارس» توسط انتشارات بنیاد فارس‌شناسی راهی بازار نشر شد. این کتاب، معرفی شهر باستانی «کورا» از جنبه‌های مختلف آثار باستانی، شرایط اجتماعی، اقتصادی، مردم‌شناسی، فرهنگ و وضع کنونی است.

همچنین «سفرنامه گله‌دار» توسط همین انتشارات منتشر شده است. این کتاب به بررسی آثار باستانی و شرایط مختلف زندگی مردم شهر «گله‌دار» پرداخته است. شهر «گله‌دار» در بخش گله‌دار از توابع شهرستان مهر استان فارس در جنوب ایران قرار دارد.

انتشارات بنیاد فارس‌شناسی به زودی دو کتاب دیگر؛ یکی با عنوان «جهرم در پیوی تاریخ» که بررسی جغرافیایی و تاریخی شهر جهرم است و کتاب دیگر با عنوان «شهر استخر» در ارتباط با بررسی آثار باستانی این شهر و شرایط زندگی مردم آن در دوران باستان را منتشر می‌کند. همچنین کتابی با عنوان «جشن پلدا» را توسط انتشارات خجسته در دست چاپ دارم. در این کتاب، به بررسی سابقه تاریخی مراسم شب پلدا از فراهم کردن مقدمات آن تا زمان برگزاری، خوراکی‌ها و نوشیدنی‌های متداول در آن شب، سرگرمی‌ها و تغییراتی که در نحوه برگزاری آن در زمان حاضر ایجاد شده است پرداخته‌ام.

از سوی دیگر ۲۷ جلد کتاب حاصل سه سال کار تحقیقی را برای اداره اوقاف استان فارس توسط بنیاد فارس‌شناسی در دست چاپ دارم. این کتاب‌ها درباره تمامی تاسیسات مذهبی استان فارس، به ویژه آمازاده‌ها هستند. حدود هزار و ۱۴۷ آمازاده در این استان وجود دارد که در این مجموعه به‌طور کامل معرفی شده‌اند.

درباره کتاب‌های در دست تالیف نیز می‌توانم به «کردان شبان‌کاره» اشاره کنم. این کتاب به حکومت ۴۰۰ ساله کردان بر بخشی از فارس و بررسی آثار باستانی برجای مانده از آن قوم، شرایط زندگی آنها و پرآکندگی شان در ایران می‌پردازد.

کتاب دیگری که در دست تالیف است، «جنش‌ها و مبارزات مردم فارس علیه ارتش انگلیس» نام دارد. در این کتاب، وقایع تاریخی مرتبط با جنگ مردم فارس علیه ارتش انگلیسی مستقر در این استان در سال ۱۲۹۷ را بررسی کرده‌ام و حاصل ۳۳ سال کار تحقیقی در این زمینه است که در حال حاضر مراحل نهایی تالیف را طی می‌کند.

برای تالیف تمامی این کتاب‌های تاریخی از تحقیقات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده و به تمامی منابع فارسی، عربی، فرانسه و انگلیسی مراجعه کرده‌ام.

### دانشنامه نمادهای ادبیات فارسی

#### ■ حسینعلی قبادی، نویسنده و پژوهشگر

آخرین کتابی که از من منتشر شد «آینه‌های کیهانی» نام داشت که توسط انتشارات «ری‌را» به بازار نشر آمد. این کتاب تحلیلی بر شعرهای عرفانی ایرانی با تأکید بر غزلیات شمس است.

اما کتابی با عنوان «ادبیات فارسی، هویت و انقلاب اسلامی» را توسط انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی در دست چاپ دارم. که درباره ویژگی‌های ادبیات انقلاب اسلامی است.

همین انتشارات کتاب دیگرم را با عنوان «جان جهان» نیز که اثری درباره تحلیل و نقد جهانی ادبیات فارسی است در دست انتشار دارد. در حقیقت در این کتاب به آینده ادبیات فارسی در جهان، گسترش و چگونگی گسترش آن پرداخته‌ام.

همچنین «سبک‌شناسی ادبیات مقاومت انقلاب اسلامی» عنوان کتاب دیگری است که توسط انتشارات دانشگاه کرمان و از سوی بنیاد حفظ و نشر آثار دفاع مقدس به زودی منتشر خواهد شد و همان‌گونه که نام کتاب نشان می‌دهد، بررسی سبک‌شناسی ادبیات مقاومت، موضوع این کتاب را به خود اختصاص داده است.

از سوی دیگر در نظر دارم «دایره‌المعارف نمادشناسی» را تدوین کنم. این دایره‌المعارف تخصصی به نمادشناسی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی، به همراه تحلیل و بررسی این نمادها اختصاص دارد.

### بررسی نمادهای شعر

#### ■ فاطمه راکعی، شاعر و نویسنده



اخیرا به دلیل فعالیت‌های دانشگاهی، تمرکز اصلی و تلاش خود را بر تدوین و تکمیل مقاله‌های علمی قرار داده‌ام و چندین مقاله درباره موضوع‌های استعاره، نماد و سمبل در شعرهای نیما یوشیج و قیصر امین‌پور تالیف کرده‌ام که برخی از آنها منتشر شده‌اند و برخی دیگر در دست چاپ هستند.

یکی از این مقالات با عنوان «شب‌پره و سیولیشه؛ دو نماد برای یک موقعیت» در شماره یازدهم فصلنامه پژوهش و زبان و ادبیات فارسی منتشر شده است. دو مقاله دیگر؛ یکی با عنوان «رویکردی نو به استعاره در شعر قیصر امین‌پور» توسط فصلنامه پژوهش‌های ادبی دانشگاه تربیت مدرس و دیگری با عنوان «سیمای زن در آینه شعر حافظ» توسط مجله مطالعات زنان دانشگاه تهران در دست چاپ است.

همچنین برای همایش «نیما و میراث‌نو» که اردیبهشت امسال در دانشگاه مازندران برگزار شد، مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌هایی از نمادگرایی در شعر نیما یوشیج» را تالیف کرده‌ام. در این مقاله، دو تاویل ممکن از قطعه شعر «هفت شب» نیما را ارائه داده‌ام.

به دلیل همین فعالیت‌ها نتوانستم کتاب‌های جدیدم را به نمایشگاه کتاب امسال برسانم اما دو کتابی که به زودی از من در دست چاپ قرار می‌گیرند «زبان و منطق» و «آوا و معنا در شعر نیما» نام دارند.

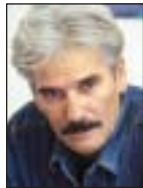
علاقه دیگر من همسو با ادبیات، فلسفه و منطق بوده است؛ بر همین اساس کتاب «زبان و منطق» نوشته والتر تالی را از زبان انگلیسی ترجمه کرده‌ام و به زودی آن را پس از ویرایش نهایی برای چاپ به انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و تحقیقات فرهنگی می‌سپارم. همچنین «آوا و منطق در شعر نیما» که بر مبنای رساله دکتری من نوشته شده توسط نشر مروارید منتشر خواهد شد. این کتاب بر اساس تلاش‌های علم هرمنوتیک جدید برای دستیابی به معانی مدنظر شاعر است.

آخرین دفتر شعرم را که دربرگیرنده سروده‌های من طی سال‌های ۱۳۸۶ تا ۱۳۸۸ و مشتمل بر ۱۰۰ قطعه شعر با مضامین اجتماعی است، آماده انتشار دارم. شعرهای این مجموعه در قالب‌های مختلف شعری سروده شده‌اند. البته هنوز عنوان و ناشر این مجموعه نهایی نشده است. از سوی دیگر مجموعه دو جلدی شامل سروده‌های طبیعت در ویرایش نیمایی و کلاسیک را همراه مقدمه‌ای در ارتباط با شعر طبیعت و همچنین «جریان فمینیسیم بومی در شعر امروز ایران» (گردآوری، تحلیل و مقدمه) را در دست کار دارم.

همچنین این روزها سرگرم ویرایش نهایی مجموعه مقالات نخستین همایش «کارنامه صد ساله شعر زنان فارسی‌سرا» هستم تا به زودی از سوی انتشارات دانشگاه الزهراس) منتشر شود.

### شناختنامه‌ای برای صابری

#### ■ رضا صابری، نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر



سال گذشته چهار نمایشنامه من در قالب کتاب منتشر و راهی بازار نشر شدند. یکی از این کتاب‌ها «تراژدی تردید و عشق» نام داشت و دربرگیرنده دو نمایشنامه بود. کتاب دیگرم با عنوان «اما همه اهل یک محله‌ایم» داستانی در زمان حال و در یک مسافرخانه قدیمی در دست تخریب اطراف حرم امام رضاع) بود که به صورت نمادین روایت تاریخی حرکت امام رضاع) از مدینه به مرو و اتفاقات پیرامون آن را بیان می‌کند. هر دو این کتاب‌ها توسط انتشارات نمایش منتشر شدند. اما نمایشنامه دیگرم با عنوان «حقایق شیفت شب»، وقایع شیفت روز» توسط نشر تربیت منتشر شده است.

علاوه بر اینها، چند نمایشنامه را آماده چاپ دارم، اما هنوز ناشری برای هیچ‌یک از آنها برنگزیده‌ام. از این میان می‌توانم به نمایشنامه «بازی‌نامه باستان» نمایشی درباره شاهنامه فردوسی که در شهرهای مشهد، اهواز، اصفهان و تهران اجرا شده است و «یخبندان» اشاره کنم.

البته یک نمایشنامه در زمینه دفاع مقدس با عنوان «من، برتولت برشت، دعوت به ضیافت چای» در ارتباط با تقابل دو متن نمایشی میان یک نمایشنامه‌نویس ایرانی و برشت با موضوع جنگ را نیز آماده چاپ دارم. همچنین قراردادی را برای انتشار نمایشنامه «یک گام تا بهشت» (اتوبیوگرافی) با بنیاد شهید استان تهران منعقد کرده بودم اما از چاپ این اثر یا این که در چه مرحله‌ای است بی‌اطلاع هستم.

از سوم خرداد، نمایش «از این ماز عبورم دهید» در مشهد اجرا خواهد شد و در آینده هم متن این نمایشنامه را در قالب کتابی منتشر خواهم کرد.

از سوی دیگر، جواد اشکزری با همکاری مدیریت هنری شهرداری مشهد و حوزه هنری خراسان رضوی، چاپ مجموعه آثار، همراه شناختنامه من را در دست دارد. این مجموعه شامل تمامی نقدها، نظرها و گفت‌وگوهای من می‌شود که شاید تا پایان امسال این مجموعه سه جلدی راهی بازار نشر شود.

### یادداشت



کاظم کاهانی مقدم

کارشناس ارشد علوم تربیتی و مدیرمسئول انتشارات صبرا

## مروری بر تاریخچه ادبیات کودکان

دو واژه ادبیات و کودک، هر دو از مهم‌ترین ارکان نظام تربیتی هستند و همواره کانون توجه اهالی دانش، به ویژه در حوزه مربوط به علوم انسانی بوده‌اند. در متون دینی و آموزه‌های مذهبی نیز توجه به کودکان و بهره‌مندی از قالب‌های ادبی به صورت‌های نثر، نظم، شعر، داستان و قطعه بسیار به چشم می‌آید.

شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ایران از جمله معدود کشورهای جهان است که فرزندان آن از دوران باستان با خواندن و نوشتن بیگانه نبوده‌اند و با وجود آنکه ادبیات مدرن کودکان در ایران حدود ۱۵۰ سال دیرتر از اروپا آغاز شد، اما در واقع سابقه دیرینه‌تری نسبت به اروپا دارد. قبل از انقلاب مشروطه از کتاب‌هایی چون «کلبله و دمنه»، «مرزبان‌نامه» و «قابوس‌نامه» برای آموزش فرزندان زمامداران وقت استفاده می‌شده است، اما پس از مشروطه با گسترش آموزش همگانی و تأسیس مدارس، نگرش و انتشار کتاب‌های درسی وسعت یافت.

سال ۱۳۰۰ شمسی از سال‌های درخشان ادبیات کودکان است و آن را باید نقطه عطفی در این حوزه به‌شمار آورد چرا که آثار بزرگانی چون جبار عسکرزاده، معلمی‌ا‌ز اهالی آذربایجان که به «باغچه‌بان» معروف شد، فضل‌الله مهندی (صبحی)، عباس یمینی شریف، یحیی دولت‌آبادی و دیگران توجه بسیاری از صاحبان اندیشه را به حوزه ادبیات کودک معطوف کرد و مراکز متعددی تأسیس و مجلات و نوشته‌های مناسبی نیز منتشر شد. اما گستره این آثار و مراکز محدود و تنها برای اندکی از کودکان قابل بهره‌برداری بود.

پس از انقلاب و ورود کودکان و نوجوانان به صحنه‌های سیاسی و دوران جنگ تحمیلی آثار این گروه سنی با محتوای مذهبی، سیاسی، حماسی و غرور ملی افزایش یافت و چاپ کتاب برای سنین مختلف و برپایی جشنواره‌های شعر، داستان و فیلم برای کودکان با گسترش روزافزونی روبه‌رو شد.

در این دوران، تأسیس «انجمن نویسندگان کودک و نوجوان» در پاییز سال ۱۳۷۷ یکی از نقاط عطف حوزه ادبیات کودک بود. البته پیش از آن نیز نقاط عطف چشمگیری در این حوزه دیده می‌شد و در دهه ۸۰ که اکنون در اواخر آن به سر می‌برسیم، همچنان شاهد تحولات و تغییراتی در حوزه ادبیات کودکان هستیم.

تأسیس کتابخانه‌های عمومی کودکان، کتابخانه مدارس، مساجد و ... رو به فزونی است. حضور گسترده نویسندگان و تصویرگران در مجامع، کارگاه‌ها و دوره‌های تخصصی بین‌المللی قوت گرفته و تعداد عنوان‌ها و شمارگان کتاب‌های کودکان افزایش یافته است.

امروز ادبیات کودکان نه تنها کانون توجه مراکز دانشگاهی و علمی است، بلکه خانواده‌ها نیز به کارایی ابزارها و قالب‌های ادبی در تعلیم و تربیت فرزندان‌شان به‌طور کامل پی برده‌اند. اکنون به نظر می‌رسد ادبیات کودکان به جایگاه اصلی خود نزدیک شده است.

اما آنچه باید به متولیان نظام آموزشی و صاحبان اندیشه در عرصه تعلیم و تربیت یادآور شد این است که ادبیات در حوزه کودکان به پشتوانه باورها و اعتقادات مذهبی، تشنه ژرف‌اندیشی در بهره‌مندی بهتر و عمیق‌تر از ابزارهای فرهنگی است.